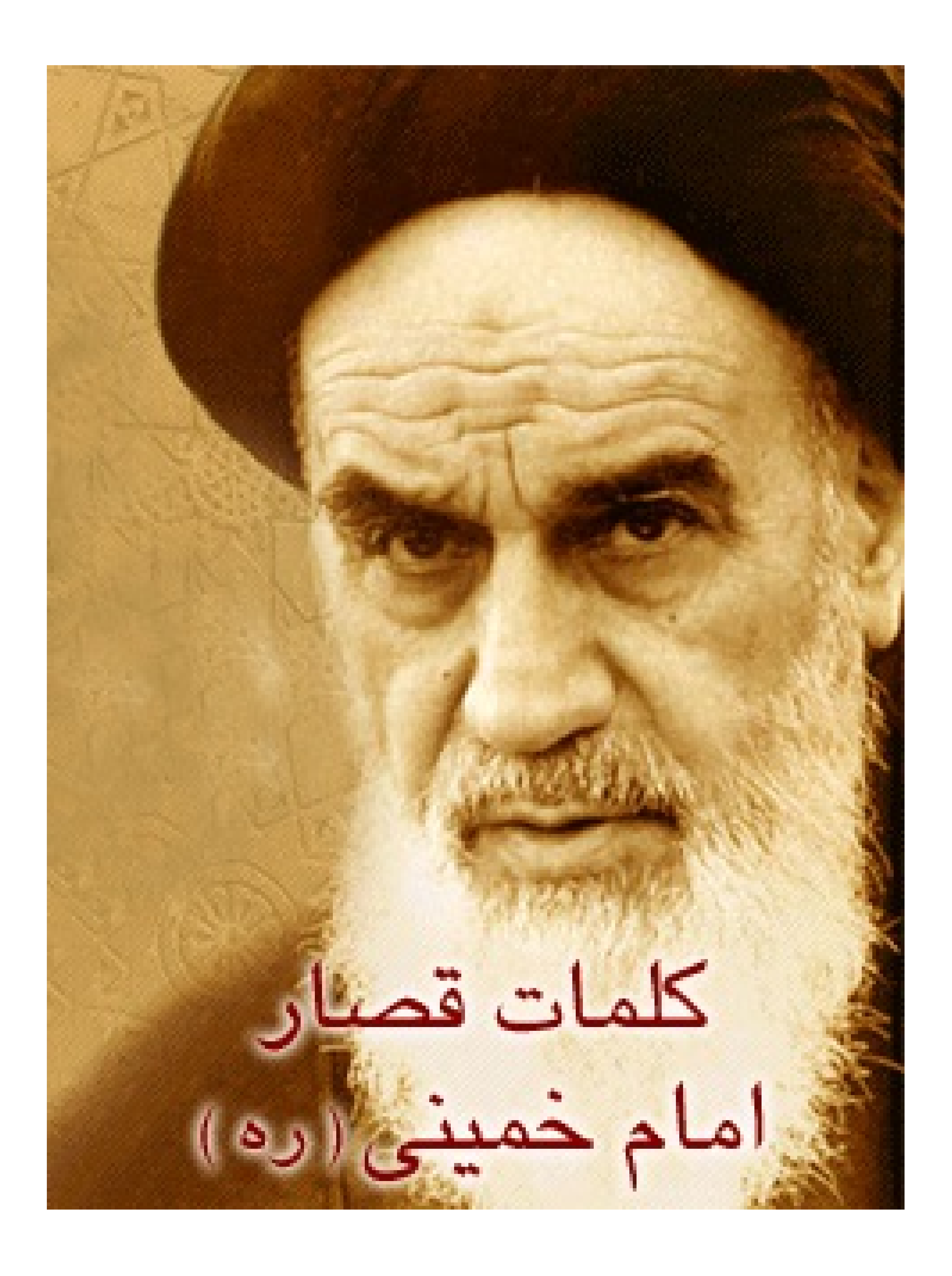

کلمات قصار
امام خمینی (ره)


بسم الله الرحمن الرحیم

کلمات قصار امام خمینی (ره)

نویسنده:

امام خمینی (ره)

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کلمات قصار امام خمینی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور:کلمات قصار امام خمینی (ره)/ امام خمینی (ره). مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه موضوع:کلمات قصار

خداشناسی و عبودیت

غیر حق تعالی نور نیست ، همه ظلمتند. ما از خدا هستیم همه. همه عالم از خداست ، جلوه خداست ، و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. تمام مقاصد انبیا برگشتش به یک کلمه است و آن ، معرفت الله. آرمان اصلی وحی این بوده است که برای بشر معرفت ایجاد کند. بیشتر ناله اولیا ، از درد فراق و جدایی از محبوب است و کرامت او. تمام کمالاتی که برای اولیای خدا و انبیای خدا حاصل شده است از این دل کندن از غیر ، و بستن به اوست. آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می دهد این است که غیر خدا را کناربگذارد ، و این برای هر کس میسور نیست. خودتان را متصل کنید به این دریا ، دریای الوهیت ، دریای نبوت ، دریای قرآن کریم. بدان که شکر نعمتهای ظاهره و باطنه حق تعالی ، یکی از وظایف لازمه عبودیت وبندگی است که هر کسی به قدر مقدور باید قیام به آن نماید ، گرچه از عهده شکرحق تعالی ، احدی از مخلوقات برنمی آید. پر واضح است که تسبیح و تقدیس و ثنای حق تعالی ، مستلزم علم و معرفت به مقام مقدس حق ، و صفات جلال و جمال است ، و بدون هیچ گونه معرفتی و علمی متحقق نشود. از آداب عبودیت این است که جز قدرت حق ، قدرتی را نپذیرند ، و جز ثنای حق، و آن که از اولیای حق است ، ثنای کسی را نگویند. اصل تمجید ، برای غیر خدا واقع نمی شود ، حتی شما که از یک گل تعریف می کنید ،از یک سیب تمجید می کنید ، این تمجید خداست. مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد ، و از وحدت اسلامی بیرون بروید ، مخذول می شوید. اگر اغراض الهی داشتید ، مادی هم دنبالش هست ، اما این مادی ، دیگرالهی شده است. تشخیص معیار الهی از شیطانی آن است که پس از مراجعه به خود ، بیابد که آنچه که او می خواهد، نفس عمل است ، گرچه این کار را دیگری انجام دهد. توجه به خدا و هجرت از خود به خدا - که بزرگترین هجرتهاست - ، هجرت ازنفس به حق ، و از دنیا به عالم غیب شما را تقویت کرد. پس از اتکال به خداوند، به قدرت خود که از اوست اعتماد و اتکال داشته باشید. به شما می گویم که از هیچ کس نترسید الاّـ خدا ; و به هیچکس امید نبندید الاخدای تبارک و تعالی. توجه به غیر خدا ، انسان را به حجابهای ظلمانی و نورانی محجوب می نماید. غفلت از حق کدورت قلب را زیاد کند ، و نفس و شیطان را بر انسان چیره کند ، و مفاسد را روزافزون کند. و تذکر و یادآوری از حق دل را صفا دهد ، وقلب را صیقلی نماید و جلوه گاه محبوب کند ، و روح را تصفیه نماید و خالص کند ، و از قید اسارت نفس ، انسان را براند. و بدان که هیچ آتشی از آتش غضب الهی دردناکتر نیست. همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمات به نور ، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم. ما باید دعوت بکنیم و دعوت ما به خود نباشد ، دعوت به دنیا نباشد ، دعوت به خدا باشد. درس را برای خدا بخوانید. اگر انسان برای شهوات نفسانیه قیام بکند ، و برای خدا نباشد ، این کارش ،، به جایی نمی رسد این کارش، بالاخره فشل می شود .چیزی که برای خدا نیست ، دوام نمی تواند داشته باشد. خدا هست ; غفلت نکنید از او ! خدا حاضر است ، همه ما تحت مراقبت هستیم. مقصد را مقصد الهی کنید ، برای خدا قدم بردارید. همه عالم محضر خداست ; هر چه واقع می شود در حضور خداست. همیشه توجه داشته باشید که کارهایتان در محضر خداست ، همه کارها ! چشمهایی که بهم می خورد ، در محضر خداست ;زبانهایی که گفتگو می کند ، در محضر خداست

;و دستهایی که عمل می کند، در محضر خداست ; و فردا ما جواب باید بدهیم. همه ما در محضر خدا هستیم ، و همه ما خواهیم مرد. باید به قلبتان برسانید که هر کاری انجام می دهید در محضر خدا هستید. به قلوب محجوت و منکوس خود برسانید که عالم ، از اعلی علیین تااسفل السافلین ، جلوه حق - جل و علا - و در قبضه قدرت اوست. نعمتهای خدا امتحان است برای بندگان خدا. آنی که انسان را از تزلزل بیرون می آورد ، آن ، ذکر خداست. به خدا متوجه شو ، تا دلها به تو متوجه شود. صورت عمل میزان نیست ، آن چیزی که میزان است انگیزه عمل است. مکلفی نیست در عالم ، که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. هر کس در هر مقامی که هست و هر مسئولیتی که دارد ، همان مقام و مسئولیت ، امتحان اوست. در اسلام معیار ، رضایت خداست ، و نه شخصیتها. ما شخصیتها را با حق می سنجیم ، و نه حق را با شخصیتها. معیار ، حق و حقیقت است. ما معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم. بیدار بشوید ملت ! بیداربشوید دولت ! همه بیدار باشید ! همه تان در محضرخدا هستید. فردا همه باید حساب پس بدهید. از روی خون شهدای ما نگذرید بدون نظر. و برای مقام دعوا نکنید با هم. عالم محضر خداست ; در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا ، با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی. برای خدا کار بکنید و برای خدا به پیش بروید. الآن ما همه در حیطه امتحان گذاشته شدیم. انسان ممکن است چیزی را از چشم همه مخفی کند ، ولی همه چیز ما در نزد خداحفظ می شود ، و اعمال ما را به خود ما برمی گرداند. استناد به خدا بکنید .و این استناد به خدا ، تمام مشکلات را - ان شاء الله حل خواهد کرد. تمام تکالیف الهیه الطافی است الهی ، و ما خیال می کنیم تکلیف است. ما باید بنده باشیم و همه چیز را از خدا بدانیم. خدای تبارک و تعالی همه نعمتها را به ما عطا فرموده است ، و آن چیزهایی که عطا کرده در راه او باید صرف بکنیم. ما همه از خداییم و باید در راه خدمت به او باشیم. آن چیزی که آسان می کند مصیبتها را ، این است که همه انسانها رفتنی هستند وهمه ماها رفتنی هستیم ، و چه بهتر که در راه خدا فدا بشویم. ما و شما و همه ، هر چه داریم از خداست ، و هر چه توان داریم برای خدا بایدخرج کنیم.

انبیای الهی

انبیا آمدند که این قوه ها را بالفعل کنند ، انسان بالقوه ، انسان بالفعل بشود. کوشش انبیا از اول تا آخر ، این بوده است که این موجود را ، به صراطمستقیم دعوت کنند و راه ببرند. بعثت برای این است که اخلاق مردم را ، نفوس مردم را ، ارواح مردم را واجسام مردم را ، تمام اینها را از ظلمتها نجات بدهد ، ظلمات را بکلی کناربزنند و به جای او نور بنشانند. انبیا آمدند که مردم را از ظلمات به نور دعوت کنند. مساله بعثت ، یک تحول علمی عرفانی در عالم ایجاد کرد که آن فلسفه های خشک یونانی را ، که به دست یونانی ها تحقق پیدا کرده بود ، و ارزش هم داشت- و دارد - مبدل کرد به یک عرفان عینی و یک شهود واقعی ، برای ارباب شهود. آن چیزی که انبیا می خواستند، این بود که همه امور را الهی کنند ; تمام ابعاد عالم را ، و تمام ابعاد انسان را - که خلاصه عالم است ، عصاره عالم است ; - انبیا برای این آمدند که همه اینها را الهی کنند. برکت وجود رسول اکرم برکتی است که در سرتاسر عالم ، از اول خلق تا آخر ،یک همچو موجودی با برکت نیامده است ، و نخواهد آمد. پیغمبر اعظم است ، که از خودش هیچ نیست ، هر چه هست وحی ظل الله; است. صلوات و سلام خدای بزرگ بر حضرت عیس بن مریم ، روح الله و پیامبرعظیم الشان ، که مردگان را احیا و خفتگان را بیدار فرمود. صلوات و سلام خدای بزرگ بر مادر عظیم الشان ، مریم عذرا ، و صدیقه حورا ، که با نفخه الهی ، چنین فرزند بزرگی را به تشنگان رحمت الهی تسلیم نمود. خطاب به کشیشان، برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح ، یک بارناقوسها را در معابدتان ، به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدادرآورید. انبیا اساس کارشان این بوده است که این حب نفس را - تا آن مقدار که ممکن است - سرکوب ، و نفسها را مهار کنند. ما صلاح جامعه را می خواهیم، ما تابع پیغمبرهایی هستیم که آمده اند برای اصلاح جامعه، آمده اند برای اینکه جامعه را به سعادت برسانند. اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی ، هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند. اگر تمام انبیا - علیهم السلام- در یک عصر مجتمع می

شدند ، هیچ اختلافی نداشتند. انبیا بنایشان بر این بود که دست به شمشیر نبرند الا برای آنها که علاجی ندارند جز شمشیر ، و فاسد می کنند جامعه را. منطق انبیا این است که اشداء باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند ، بین خودشان هم رحیم باشند. و آن شدت هم رحمت است. انبیا غصه می خوردند برای کفار ، غصه می خوردند برای منافقین ، که چرا بایدانیها این طور باشند. انبیا که مبعوث شدند اول با طبقه بالا مقابله کردند ; حضرت موسی با فرعون مقابله کرد. طبقه بالا اولی هستند به این که مقابل شوند و هدایت بشوند.

دین اسلام

اسلام بالاترین مکتب است. اسلام از همه مکتبهای عالم منزه تر است. اسلام برای بشر آمده است،نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوثندبر انسانها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسانها. اسلام برای تهذیب انسان آمده است. اسلام مکتب انسان ساز است. اسلام برای تربیت انسان آمده است. مطلب در برنامه اسلام، انسان است وتربیت انسانی. اسلام با هر چیز که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می کشاند، مبارزه می کند. اسلام یک مکتبی است که برای انسان سازی آمده است. مکتب اسلام مکتب انسان سازی است. اسلام برای این انسانی که همه چیز است، یعنی از طبیعت تا ماوراء الطبیعه،تا عالم الوهیت مراتب دارد ;اسلام تز دارد، برنامه دارد اسلام. ملت ایران با داشتن مکتب مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت وتعالی خود، از الگوهای غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند. اگر همه چیز اسلامی بشود، یک جامعه ای پیدا می شود غیر قابل فساد. اسلام برای اصلاح جامعه است. حقوق اسلام یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است. اسلامی که بیشترین تاکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است، و انسان رادعوت می کند، به بازداری از همه خرافات و اسارت قدرتهای ارتجاعی و ضد انسانی چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوریهای مفید بشر - که حاصل تجربه های اوست - سازگار نباشداسلام در اعلی مرتبه تمدن است ; مراجع عالیقدر اسلام در اعلی مرتبه تمدن هستند. در اسلام تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده، آنهایی را که موافق با مصالح ملت است، آنها رااثبات کرده است. آن چیزهایی که اسلام جلویش را گرفته است، همینهایی است که جوانهای ما رابه تباهی می کشد. دراسلام یک قانون است، و آن قانون الهی است که حکمفرماست. ما معتقدیم تنها مکتبی که می تواند جامعه را هدایت کند و پیش ببرد، اسلام است. و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است، نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند، انسان گونه، باید به اسلام روی بیاورد. اسلام برای نجات بشر آمده است. اسلام برای سازندگی آمده است، و نظر اسلام به ساختن انسان است. جامعیت و همه جانبه بودن قوانین اسلام، آنچنان است که اگر کسی آن رابشناسد، معترف خواهد شد که از حد و مرز فکر بشر بیرون است، و ممکن نیست زاییده قدرت علمی و تفکر انسان باشد. اسلام برای ملیت خاصی نیست و ترک و فارس و عرب و عجم ندارد. اسلام متعلق به همه است و نژاد و رنگ و قبیله و زبان، در این نظام ارزش ندارد. در اسلام اساسا نژاد مطرح نیست، عربی و عجمی و سایر گروهها، ابدا مطرح نیست. اسلام برای تربیت انسان آمده است. مطلب در برنامه اسلام، انسان است و تربیت انسانی. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را به هم متحد کند ;و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیابرقرار کند ;تا کسانی که می خواهند سلطه بر این دولتهای اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند نتوانند، به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه تشکیل می دهند. این قدرت اسلام است که طوایف مختلفه را در زیر یک سقف جمع کرده است. من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. در قانون اسلام فرقی ما بین اشخاص نیست. اسلام دین افراد مجاهدی است که دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضداستعماری است. باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته، تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی

- صـلی الله علیه و آله - برسیم. شیاطین دنبـال این هسـتند که این اسـلام را بشـکنند. امروز اسـلام در مقابل تمامی کفر است. هیچ قدرتی در مقابل اسـلام نیست. اسلام را مقتدای خودتان قرار بدهید، و در مقابل اسلام خاضع باشید. اسلام عزیزتر از آن است که ما تصور می کنیم. مکتب اسلام، مکتب تهذیب است. اسلام مادیات را چنان همچو تعدیل می کند که به الهیات منجر می شود. اسلام همه چیز را گفته است، لکن اشکال از مسلمین بر سر مسلمین است. مشـکل عمـده مسـلمین، همان دوری از اسـلام و قرآن است. چنانچه ملتها از اسـلام اطلاع پیـدا کنند، خواهند فهمید که هر چه می خواهند دراسـلام وجود دارد. این کشور هر چه صدمه خورده است، از کسانی بوده که اسـلام را نمی شـناخته اند. آنهایی که نظر سوء نسبت به اسـلام دارند، از باب این است که اسلام را درک نکرده اند. من نصیحت می کنم که مسیر خودتان را از اسـلام جدا نکنید، مسیر خود را ازروحانیت جدا نکنید، این قدرت الهی را، این قـدرت روحـانیت را که یـک قـدرت الهی است از دست ندهیـد. این دژ بزرگ اسلام، و این دژ بزرگ روحانیت، هر دوی آن مـورد نفرت اجـانب است. اسـلام حکومتهـا را موظـف به خـدمت کرده است. اسـلام در خـدمت مستضـعفین است. اسـلام خیرخواه شماهاست، اسـلام در دنیا و آخرت شـما را سعادتمندمی کند. اسلام برای همه چیز آورده است. اسلام برای نجات مستضعفین آمده است. اسـلام دین آزادی و اسـتقلال است. اسـلام مادیات را به تبع معنویات، قبول دارد. اسـلام هم تربیت باطنی می کند و هم حفظ مصالـح دنیوی. قوانین اسـلام به نیازهای انسان پاسخ می گوید. این قوانین بسـیار صـریح و روشن هسـتند. اسـلام در ابعاد سیاسـی و اقتصـادی و اجتمـاعی و فرهنگی، نیازهای مردم را برای ترقی واقعی برمی آورد. مکتب اسـلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب معنوی است ;مـادیت را درپنـاه معنویت اسـلام قبول دارد، معنویـات، اخلاق، تهـذیب نفس. اسـلام نه دعوتش به خصوص معنویات است، و نه دعوتش به خصوص مادیـات است ; هر دو را دارد.یعنی اسـلام و قرآن کریم آمـده انـد که انسـان را، به همه ابعـادی که انسـان دارد، بسازنـد او را، تربیت کننـد او را. اسـلام یـک حکومتی است که یـک جنبه اش حکومت سیاسـی است و یک جنبه اش حکومت معنوی. اسـلام یـک دین عبادی- سیاسـی است که در امور سیاسـی اش عبادت منضم است، ودر امور عبادی اش سـیاست. رسول الله پایه سـیاست را در دیانت گذاشـته است. رسول الله - صـلی الله علیه و آله و سلم - تشکیل حکومت داده است. اسلام دین سیاست است، حکومت دارد. احکام سیاسـی اسلام بیشتر از حکام عبادی آن است. فعالیت سیاسی یکی از وظایف مذهبی مسلمانان است. و الله اسلام تمامش سیاست است. سیاست مدن از اسلام سرچشمه می گیرد. دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیـاست است، حتی عبـادتش. اسـلام برای همه چیز، برای همه زنـدگیها برنـامه دارد. اسـلام برای تمام زنـدگی انسان، از روزی که متولد می شود تا موقعی که وارد قبرمی شود، دسـتور و حکـم دارد. در احکام مقدس اسـلام، بیش از امور عبادی، در امور سیاسی و اجتمـاعی بحث شـده است. اسـلام برنـامه زنـدگی دارد ; اسـلام برنامه حکومت دارد. احکام اسـلام احکامی است که بسیار مترقی است، و متضمن آزادیها و استقلال وترقیات. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته ترین کشورهاخواهد شد. اسـلام خود از پایه گذاردن تمدن بزرگ در جهان بوده است. اسـلام بود و این صداهای الله اکبر، که شما را به پیروزی رساند. اسـلام بود که شـما را راه انداخت، و به شـما چنان همچو قدرتی داد که درمقابل این قدرتهای شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید. بازگذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند خیانت است.

حفظ اسلام

دفـاع از حق و اسـلام از بزرگترین عبـادات است. حفـظ اسـلام از حفظ احکام اسـلام بالاتر است ; اساس اسـلام اول است، دنبال او اساس احکام اسـلام است. حفظ خود اسـلام از جان مسـلمان هم بالاتر است. تکلیف ما این است که از اسـلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسـلام را. اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسـیب نمی بیند. حفظ اسلام زحمت دارد. دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی

و ملی است، و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. اگر اسلام را می خواهیم بایـد این جمهوری را حفظش کنیم. حفظ مصلحت عمومی و اسلام، مقدم است بر حفظ مصلحت شخصی. اسلام با فقه و احکام فقه باقی مانده است. همه باید مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشـد. مـا برای حفـظ اسـلام مکلف و مسئولیم، و امروز حفظ اسـلام در تفاهم است. بزرگان اسـلام ما،در راه حفظ اسـلام و احکام قرآن کریم کشـته شدنـد، زنـدان رفتند، فداکاریها کردند، تا توانسـتند اسـلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. آنان که کمر برای حفظ اسـلام بسـته اند، باید اگر همه هم رفتند آنها بمانند. هیچ فریضه ای در اسـلام بالاتر از حفظ خود اسـلام نیست. مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسـلام و انقلاب، و نگهبانی از ثمرات آن، و پاس خون شـهیدان، لازم است از خود بردباری انقلابی نشان دهند. شـکر نعمت این است که به اسـلام وفادار باشـید. من به شما اخطار می کنم که به اسلام وفادار باشـید! کوه مصیبتها در مقابل حیثیت اسلامی - ایرانی ما چون کاهی است. اسلام چیزی است که همه ما باید فدای او بشویم، تا این که تحقق پیـدا بکنـد. تقیه برای حفـظ دین است;جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سـکوت نیست. گاهی وقتها تقیه حرام است. آن وقتی که انسان دیـد که دین خدا در خطر است نمی تواند تقیه بکند. باید همه ملت پاسدار اسـلام باشـند. تکلیف ما حفظ وجاهت اسـلام است. آن روزی که احتمال ما بـدهیم که اسـلام در خطر است، بایـد همه مان فداکاری بکنیم. مقدرات اسـلام مقدرات همه مسلمین است. و ظیفه هر کسی که در هر جا مشغول خدمتی است، در راس همه خدمتها، این است که موازین اسلامی را جفظ بکنـد. در این برهه از زمان که هستیم، اسـلام مقابل با تمام کفر است، نه من و شـمامقابلیم، من و شـما مطرح نیستیم. و قتی دین خـدا را انسان در خطر دید، برای خدا باید قیام کند. و قتی احکام اسـلام را در خطر دید برای خدا باید قیام کند ; اگر توانست، عمـل کرده به وظیفه و پیش هم برده، اگر نتوانست، عمل به وظیفه کرده. اگر جهانخواران بخواهنـد در مقابل دین ما بایسـتند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد.

تبلیغ اسلام

چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند، که اگر این چهره، با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده اند، از زیر نقاب مخالفان اسـلام و کج فهمیهای دوسـتان خودنمایی نماید، اسـلام جهانگیر خواهد شد. معارف اسـلامی را در بین مردم تقویت کنیـد، که راس امور، این معـارف اسـلامی است ;و اگر او درست بشود همه کارها درست می شود. اگر اسـلام را آن طوری که هست به دنیـا معرفی کننـد، و آن طوری که هست عمـل بکننـد، سیادت با شـماست، بزرگی با شـماست. مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم، به همان صراط الله، راه الله که راه مستقیم است. مسلمانان، مخصوصا علمای اسلام موظفند اسلام و احکـام آن را گسترش بدهنـد و به مردم دنیـا معرفی نماینـد. ما موظفیم که اسـلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم. اگر چنانچه از یکی از ماهـا، بر خلاف مقررات اسـلامی، بر خلاف احکام اسـلام،یک مطلبی از او صادر بشود، اسـلام رو به شـکست می رود. چه مصـیبت بار و غم انگیز است که مسـلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تانهایت آن نظیر ندارد، نتوانسـته اند این گوهر گرانبها را، که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است، عرضه کنند ;بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند ; و گاهی از آن فرارینـد.

اسلامخواهی

امروز اسـلام به صورت یک مکتب مترقی که قادر است تمامی نیازهای بشـر راتامین کنـد و مشـکلات او را حل نمایـد، مورد توجه همه مسـلمین جهان، بخصوص ملت مسـلمان ایران، قرار گرفته است. شما برای اسلام قیام کردید و پشتیبان شما اسلام است. و کسی که پشتیبان اوقرآن است، و اسـلام است، پیروز است. ملت ایران با جان و خون خود اسـلام را زنـده کرد. مقصود ما این است که هر جای این مملکت برویم اسـلام را ببینیم. تمام مقصـد ما اسـلام است. ملت ایران و ما مقصدمان این نیست و نبود که فقط محمدرضـا

برود، رژیم سلطنتی از بین برود، دست اجانب کوتاه بشود، اینها همه مقدمه بود، مقصداسلام است. در سایه اسلام، ما می توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم. همه با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم و – ان شاء الله – به سایر جاها هم صادر کنیم. مملکت وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد. ما مسلمان هستیم، و مسلمان نمی تواند از اسلام بگذرد. کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی عمل شود. طاغوت را که از بین بردید باید به جای آن یک مملکت اسلامی و یک مملکت الهی درست بشود ;مقابل طاغوت، الله است، با رفتن طاغوت باید مملکت الله پیدا بشود. امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند. ما برای آن نهضت کردیم که اسلام، و قوانین اسلام و قرآن، و قوانین قرآن درکشور ما حکومت کند. اگر بخواهید از زیر قید گرفتاریهای اجانب بیرون بیایید باید متشبث به اسلام شوید. عمده مساله این است که ما فهمیده باشیم در قلبمان، که ما می خواهیم جمهوری مان اسلامی باشد. باید همان طوری که با زبان می گوییم، قلب ما معتقد شده باشد به این که مامی خواهیم اسلام باشد. ما چیزی نیستیم خودمان، هر چه هست اسلام است. ما می خواهیم که اسلام حکومت کند در این مملکت، احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند. ما می خواهیم یک مملکت اسلامی درست کنیم، ما نمی خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم. ما همه زنده ایم برای احیای سنت پیغمبر اسلام و احیای قرآن کریم، و باید دین خودمان را به اسلام ادا کنیم. تا همه احکام اسلام جریان پیدا نکند، ما در راهیم. ما عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. ما برای اسلام قیام کردیم، همان طوری که در صدر اسلام پیغمبر اکرم ص برای اسلام قیام کرد، و آن قدری که او در زحمت و رنج واقع شد ما نشدیم. پشتوانه همه شما اسلام است، قرآن کریم است. این نهضتها برای این است که احکام خدا جاری شود. ما جمهوری اسلامی را می خواهیم که احکام اسلام در آن جمهوری تحقق پیدا بکند. جمهوری اسلامی معنایش این است که یک جمهوری باشد و قوانینش همان قوانین اسلام. جمهوری اسلامی است، و باید همه چیزی ما اسلامی بشود. امروز مملکت، مملکت اسلامی است و محتوا باید محتوای اسلامی باشد. نهضت اسلامی است، و نهضت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم، که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی باشد است برای ما. امیدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام، که مبارزه با قدرتهای ستمگر است هیچ گاه منحرف نشود، و برای ثمر رساندن اهداف اسلام از پای ننشیند. ملت ما برای خدا شهادت می خواهند. خداوند حافظ ملتهای اسلامخواه، در برابر تعدی قدرتهای بزرگ است. ملت ما که به خیابانها ریختند، به پشت بامها رفتند و شب و روز زحمت کشیدند، جوانهایشان را دادند، خونشان را دادند، برای اسلام بود ;اگر اسلام نبود همچو کاری نمی کردند. ملت رزمنده و شریف ایران خود را حاضر کرده است برای خدا همه چیز خودش رافدا کند. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می خواهد پیروزمند است. مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد ; کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم و سایر اولیای عظام باشد بشود. حق هر جا که هست باید دنبالش رفت و او را با آغوش باز پذیرفت.

اسلام و عمل ما

امروز اسلام بسته به اعمال شماست. اسلام را معیار حرکتهای خود قرار دهید. از ما نمی پذیرند که ما اسلامی هستیم، مگر خودمان به اسلام عمل بکنیم. الآن اسلام در دست ماست و ما پاسدار او هستیم، و اگر آسیب ببیند همه مامسئول هستیم، در بارگاه خدا همه مسئول هستیم. من امیدوارم که مسلمین، و خصوصا سران مسلمین، از شعار به اسلام – که یک پوششی است برای عدم عمل بر احکام اسلام – دست بردارند و به اسلام به حسب آنچه که هست، فکر کنند و عمل کنند. شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید نه حافظ خود. بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی ;آن به این است که مامطابق نظام اسلام عمل کنیم. شما مسلمانان متعهد، دین خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید،و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. از اولیای خدا تعلیم بگیرید که همیشه دنبال مکتب بوده اند، نه دنبال خودشان. آن چیزی که سهل می کند مشکلات را، این است که ما برای

اسلام تحمل زحمت می کنیم. شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید و با اسلام باید این پیروزی را تعقیب کنید. این قدرت اسلام و قدرت ایمان بود که مردم را به وحدت کشاند، و این وحدت و قدرت ایمان بود که مردم را به پیروزی کشاند. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند، نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. میزان در هر کس حال فعلی اوست. اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می رفت، و ما هم می خواهیم این طورباشیم، که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم. با اتکا به تعالیم عالیه اسلام، و ایمان ما به مبادی بود که با دست خالی برهمه قوای شیطانی غلبه کردیم. اگر این مملکت مسلمان بشود، تربیت، تربیت اسلامی باشد، هیچ قدرتی نمی تواند مقابلش بایستد. اگر اسلام در این مملکت، احکام اسلام در این مملکت پیاده بشود، همه جهات مادی و معنوی تامین خواهد شد. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می باشد، برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم، تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم، و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم. ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام. امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است، و نجات آن قربانی می خواهد،و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. ملت اسلام عزیزان من، از فدایی دادن و نثار جان و مال در راه خدا و اسلام نهراسید ;که این شیوه پیغمبر عظیم الشان و اوصیا و اولیای آنان بوده. و خون ما رنگینتر از خون شهدای کربلا نیست که با مخالفت با سلطان جائر، که متمسک به اسلام بود و خود را خلیفه اسلام معرفی می کرد، ریخته شد. شما که برای اسلام بپاخاسته اید و جان و مال نثار می کنید، در صف شهدای کربلا هستید، چرا که پیرومکتب آنانید. اگر چنانچه اسلام به آنطوری که هست، و به آن طوری که خدای تبارک و تعالی اسلام را تاسیس کرده، اگر به آن طور اسلام پیاده بشود، فاتح مستعمرین خوانده می شود. پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزازدرآورد، و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار، باید همه چیزمان را فدا کنیم تاپرچم توحید برقرار بماند. همه باید تحت بیرق اسلام و تحت پرچم اسلام برویم، لکن نه به طور شعار، به طور واقع و به طور حقیقت. اگر چنانچه احکام الهی در یک ملت پیاده بشود، باطل از آن ملت کوچ می کند. و قتی می توانیم با قدرتهای بزرگ مقابله کنیم و آسیب پذیر نباشیم، که متعهدبه اسلام، متعهد به احکام اسلام باشیم. کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. اگر امروز اسلام - خدای نخواسته - لطمه ببیند، این گناهش به گردن همه ماست. هی نگویید من، بگویید مکتب من. مبادا از حرفهای خارجیها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم. برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرودو از انگیزه های غیراسلامی است. نگرانی من از این است که نکند سستی کنیم و در پیاده کردن اسلام، دقت لازم را ننماییم. امروز اسلام در دنیا وضعی پیدا کرده است که اگر چنانچه -خدای نخواسته شکست بخورد، تا سالهای طولانی، دیگر نمی تواند سرش را بلند کند ;برای این که قدرتهای بزرگ قدرت اسلام را فهمیده اند. اگر -خدای نخواسته- در منبر شما چیزی بگویید که خودتان عاملش نیستید، ودر مسجد چیزی بگویید که خودتان بر خلاف او عمل می کنید، مردم دلهایشان از شمامنصرف می شود. باید چشم و گوشمان را باز کنیم که با دست خودمان اسلام را از بین نبریم. کوشش کنید که مصالح اسلام و کشور اسلامی را فدای منافع شخصی یا گروهی نکنید. الآن یک وضعی داریم که اگر -خدای نخواسته- یک قدم کجی برداریم، این رابه اسم اسلام تمام می کنند. اسلام در دست ما امانت است، و ما موظفیم تا این امانت را حفظ کنیم. کاری بکنید که آن اسلام عزیز، که امروز دست شماست، با یک صورت خوبی تحویل بدهید به اعقابتان، یک صورت مشوّه درست نکنید که بگویند همین بود. اسلام نورانی است. اسلام عزیز امروز به ما سپرده شده است، و شما باید این اسلام را نگه دارید وبه نسلهای آتیه بسپارید. کسی که برای رضای خدا -ان شاء الله- مشغول انجام وظیفه است، توقع این رانداشته باشد که مورد قبول همه قرار گیرد، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کسی که دنبال حق می رود و برای رضای خدا کار می کند، نباید به فکر این باشدکه به او چه گفته اند یا چه می گویند. کسی که برای خدا کار می کند، قیام برای خدا می کند، این از هیچ چیز نبایدبترسد.

قرآن

اگر قرآن نبود، باب معرفت الله بسته بود الی الابد. قرآن کتاب انسان سازی است، مکتب اسلام مکتب انسان سازی است، انسان به همه ابعاد. این قرآن است که هدایت می کند ما را به مقاصد عالیه ای که در باطن ذاتمان توجه به او هست، و خودمان نمی دانیم. از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند ؛که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده، ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است. تدریس قرآن -در هر رشته ای از آن- را مد نظر و مقصد اعلای خود قراردهید. هر مقداری که شما عمل کردید به قرآن، زیر پرچمش رفتید. پرچم قرآن این نیست که پرچمهای دیگران هستند، پرچم قرآن عمل به قرآن است. مبادا قرآن مقدس و آیین نجاتبخش اسلام را، با مکتبهای غلط و منحرف کننده ای که از فکر بشر تراوش کرده است، خلط نمایید. هیچ مکتبی بالاتر از قرآن نیست. آنچه مهم است این است که مسلمین به اسلام و قرآن عمل کنند. اسلام همه مسائلی را که مربوط به زندگی بشر در دنیا و آخرت است، و آنچه را مربوط به رشد و تربیت انسان و ارزش انسان است، داراست. قرآن باید در تمام شئون زندگی ما حاضر باشد. این کتاب و این سفره گسترده در شرق و غرب، و از زمان وحی تا قیامت کتابی است که تمام بشر، عامی، عالم، فیلسوف، عارف، فقیه، همه از اواستفاده می کنند. قرآن کتاب انسان سازی است، کتاب انسان متحرک است، کتاب آدم است،و کتابی است که آدمی که باید از این جا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرمت بکند راه می برد. جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست، با یک دست قرآن را و با دست دیگرسلاح را برگیرید، و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید، که قدرت تفکرتوطئه علیه خود را، از آنان سلب نمایید. قرآن کریم که به همه ما و به همه بشر حق دارد، سزاوار است که ما در راه اوفداکاری کنیم. مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند، و تحت لوای دیگران درآمده اند. هر چه در راه خدا بدهیم، و هر چه در راه قرآن بدهیم فخر ماست، افتخارماست، راه حق است. قرآن کریم پناه همه ماست.

تشیع

ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است، که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست. اسلام به واسطه طایفه شیعه زنده است. اسلام با حماسه شیعه، همیشه مقارن بوده است. امام به معنی پیشوا و کسی است که جمعی را در جهتی هدایت و رهبری می کند. امام بیان کننده خط مشی شیعه و حزب الله، و رهبری کننده این تشکیلات بزرگ است ؛که تمامی وظایف آنان را از قرآن و سنت پیامبر اسلام، درزمانهای مختلف و شرایط مختلف، اجتهاد و استنباط می کند و به آنان ابلاغ می نماید. کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیرالمومنین هستیم، تبع او هستیم، بایددر قول و فعل، و نوشتن و گفتن و همه چیز، تبعیت از او داشته باشند. مذهب تشیع مذهب فداکاری بوده است. غدیر آمده است که بفهماند سیاست به همه مربوط است. ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی ومعنوی، و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است، و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است. یکی از خصلتهای ذاتی تشیع، از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابردیکتاتوری و ظلم است، که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می خورد ؛هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطعهای زمانی بوده است. تشیع که مکتبی است انقلابی، و ادامه اسلام راستین پیامبر است همچون خودشیعیان، همیشه مورد حملات ناجوانمردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. اساسا اسلام -که تشیع چیزی جز اسلام اصیل نیست- نه تنها جلو رشد علمی وفکری بشر را نمی گیرد، بلکه خود زمینه های این حرکت را آماده تر می کند ؛و به این حرکت جهت انسانی و الهی می دهد. و تکامل علمی و فرهنگی بشر بعد از ظهوراسلام، محققین تاریخ را خیره ساخته است. آن روزی که -ان شاء الله تعالی - مصلح کل

ظهور نمایـد، گمان نکنیـد که یک معجزه شود، و یکروزه عالم اصـلاح شود ;بلکه با کوششـها و فداکاریها، سـتمکاران سـرکوب و منزوی می شوند.

معصومین (ع)

این حضـرت امیر ع مظهر همه عـدالتها و اعجوبه عـالم است هسـتند ،و از صـدر عالم تا ابـد ، به جز رسول اکرم کسـی به فضـیلت او نیست. اساسا سـربازان اگر چه نامـدار باشـند ، در این جهان گمنامنـد. نامـدارترین سـرباز فداکار در اسـلام امیرالمومنین است ، و او گمنـامترین سـرباز است. این خانه کوچک فاطمه –سـلام الله علیها – و این افرادی که در آن خانه تربیت شدنـد ، که به حسب عـدد چهار – پنـج نفر بودنـد و به حسب واقع تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند ،خدمتهایی کردند که ما را و شـما را و همه بشـر را به اعجاب درآورده است. در حفظ همه حیثیاتی که حیثیت بزرگ زن است ، آن طوری که زن آفرید ، حضـرت زهرا – سلام الله علیها – بود ، همه بایـد به او اقتـدا کنید. معنویات ، جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی ، جلوه های جبروتی ، جلوه های ملک و ناسوتی ، همه در این موجود حضـرت فاطمه زهرا ع مجتمع است. انقلاب مردم ایران نقطه شـروع انقلاب بزرگ جهان اسـلام ، به پرچمداری حضـرت حجت – ارواحنا فـداه – است. امام زمان – سـلام الله علیها– مراقب ما هسـتند ، مراقب روحانیت هسـتند که اینها ، امروز که اسـلام به دست آنهـا سپرده است و تمام عـذرها منقطع شـده چه می کننـد. ما منتظران مقـدم مبارکش ،مکلف هستیم تا با تمام توان کوشـش کنیم تا قانون عدل الهی را ، در این کشور ولی عصـر عج حاکم کنیم. شـهادت امیرالمومنین– علیه السـلام – و نیز حسین – علیـه السـلام – ، و حبس وشـکنجه و تبعیـد و مسـمومیتهای ائمـه – علیهم السـلام – ، همه در جهت مبـارزات سیاسـی شـیعیان ، علیه ستمگریها بوده است ; و در یک کلمه ، مبارزه و فعالیتهای سیاسی ، بخش مهمی از مسوولیتهای مذهبی است. آن چیزی که موجب تاسف است ، این است که نگذاشتند حضرت امیر – سلام الله علیه – آنطور که باید ، و دلخواه اسلام است ، جلوه پیدا کند. مصیبت وارده بر امیرالمومنین و بر اسـلام ، بالاتر است از آن مصـیبتی که برسیدالشـهدا – سـلام الله علیه – وارد شـد. انبیا موفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را ، و خداوند در آخر زمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیا را.

معاد و قیامت

باید توجه به این معنا بکنید که ما یک روز دیگر داریم ، این را شک نکنید !ما یک روز محاسـبه داریم و از همه چیزها محاسبه می شود. آن روز خود انسان محاسـبه خودش را می کند، آن روز قلمها می آیند شـهادت می دهند ، دسـتها شهادت می دهند ، چشمها شهادت می دهنـد ; انسان خودش آن روز محاسـبه خودش را می کنـد ، وما یک همچنین روزی را داریم. هر عملی که ما در اینجا انجـام می دهیم یـک صورت برزخی دارد و یـک صورت ملکوتی دارد ، و مـا به او می رسـیم. هر کلمه ای و هر حرفی از ما صادر بشـود ، آن ، منعکس در آن عـالم و در میزان اعمـال مـا هست. میزان اعمـال مـا پیش خـداست و ثبت است ، و ثبت می شود. جلوه شفـاعت شافعـان در این عـالم ، هـدایت آنهاست ; و در آن عالم ، اطن هـدایت شـفاعت است. تو از هـدایت اگر بی بهره شـدی از شفاعت بی بهره ای ، و به هر قـدر هـدایت شـدی شـفاعت شوی. نفوس خودتان را تربیت کنید ، تهذیب کنید. این دنیا پایان دارد ، برای همه ما ; من زودتر و شما بعد.

ادای تکلیف

مهم برای مـا این است که مـا به تکلیفمان عمل بکنیم. نبایـد نگران باشـیم که مبادا شـکست بخوریم، بایـد نگران باشـیم که مبادا به تکلیف عمـل نکنیم. تکـالیف الهی امانات حق هسـتند. ما به وظیفه مان عمل می کنیم، و خـدای تبارک و تعالی از ما بیشتر از آنچه

قـدرت داریم نمی خواهـد. اگر ما به تکلیفی که خـدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل بکنیم، باکی از این نـداریم که شکست بخوریم. کشته بشویم تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم. ما می خواهیم اسلام را حفظ بکنیم، با کنـاره گیری نمی شود حفـظ کرد. خیال نکنیـد که با کناره گیری تکلیف از شـما سلب می شود، تکلیف دو چنـدان است. همه ما، مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور به نتیجه.

نماز

نماز خوب ، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می کنـد. برویـد سـراغ نماز ، احیا کنیـد این سـنت سیاسـی اسـلام را. نگویید که ما انقلاب کردیم حالاـ بایـد هی فریـاد بزنیم ! خیر نمـاز بخوانیـد ، ازهمه فریادها بالاتر است. نماز جمعه در راس همه امور است. نماز جمعه که نمایشـی از قـدرت سیاسـی و اجتماعی اسـلام است ، باید هر چه شـکوهمندتر و پر محتواتر اقامه شود. اجتماعات خود را ، خصوصا در روز جمعه ، هر چه بیشتر فشـرده کنیـد ، و به مراسم و شـعایر مذهبی اهمیت دهید. یکی از برکات این نهضت و انقلاب همین اقامه نماز جمعه هاست. نمازهای جمعه و جماعت ، را با شـکوه بجا بیاورید ، و نمازهای غیر جمعه را هم ،که شـیطانها از نماز می ترسـند ، از مسـجد می ترسـند. از نمـاز جمعه و جمـاعت ،که بیانگر سیاسـی نماز است ، هر گز غفلت نکننـد. این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسـلامی ایران است. خـدای تعالی دوست دارد که در وقت ذکر او ، بنده منقطع به سوی او باشد ، ومتضرع و خالص باشد.

دعا و مناجات

این ادعیه انسـان را از این ظلمت بیرون می برد. و قتی که از این ظلمت بیرون رفت ، انسـانی می شود که برای خـدا کـار می کنـد ، کار می کند اما برای خدا ، شمشـیرمی زند برای خدا ، مقاتله می کند برای خدا ، قیامش برای خداست. نه این است که ادعیه انسان را از کار باز می دارد. در هر صورت ، ظرایفی در این ادعیه مبارک هست که سابقه نـدارد. اینها راتوجه بکنیـد ، انسان را این ادعیه می تواند حرکت بدهد. این ادعیه ، در ماه مبارک رجب ، و خصوصا در ماه مبارک شـعبان ، اینها مقدمه و آرایشـی است که انسان به حسب قلب خودش می کنـد ، برای این که مهیـا بشود برودمهمـانی ، مهمـانی خـدا. مناجـات شـعبانیه از بزرگترین مناجات ، و از عظیمترین معـارف الهی ، و ازبزرگترین اموری است که آنهـایی که اهلش هسـتند ، می تواننـد تـا حـدود ادراک خودشـان اسـتفاده کننـد. این ادعیه ای که وارد شـده است در ماه مبارک و در ماه شـعبان ، اینها راهبرماست به مقصـد. در شب قدر مسـلمانان با شـب زنـده داری و مناجات خود ، از قیـد بنـدگی غیر خدای تعالی - که شـیاطین جن و انس اند - رها شده و به عبودیت خداوند در می آینـد. اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می کننـد ، اینها برای این است که نمی داننـد ،جاهلنـد ، بیچاره انـد، نمی دانند که این کتاب ادعیه چطور انسان می سازد.

مسجد

مسجدها را خالی نکنید ، تکلیف است امروز. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است. مسجد مرکز تبلیغ است. محراب یعنی مکان حرب ، مکان جنگ ، هم جنگ با شـیطان و هم جنگ باطاغوت. ای ملت ! مسجدهای خودتان را حفظ کنید ، ای روشنفکران ! مسجدها را حفظ کنید ،روشـنفکر غربی نباشـید ، ای حقوقدانها ! مسجدها را حفظ کنید. من امروز باید بگویم که تلکیف است برای مسلمانها ، حفظ مساجد. سـعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد ، و توجه داشته باشید که عزلت و کناره گیری در اسلام نیست. این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد ، و مساجد - بحمدالله - اکثرا این طوری است. باید در ماه مبارک ، تربیت و تعلیم

به تمام معنا ، در همه بعدهایش ، درمساجد باشد. حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است. مسجد یک سنگر اسلامی است ، و محراب محل جنگ است. نهضت را از راه مساجد- که دژهای محکم اسلامند - زنده نگه دارند ، و باشعارهای اسلامی نهضت را پیش برند.

حج

حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است ، اهمیت بعد سیاسی اش کمتر از بعدعبادی اش نیست. حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش ، و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است. بیتی که برای قیام تاسیس شده است، آن هم قیام للناس ، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود. این بیت معظم برای ناس بنا شده و برای قیام ناس. همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم ، و بازگرداندن این دو ،به صحنه های زندگی شان کوشش کنند. حج بی روح و تحرک و قیام، حج بی برائت ، حج بی وحدت ، و حجی که از آن هدم کفرو شرک بر نیاید حج نیست. ان شاء الله - ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج ، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد ، و آوای توحید راطنین اندازد ، صدای سازش با آمریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. در مکه مکرمه بتها را بشکنیم ، و شیاطین را که در راس آنها شیطان بزرگ است ، در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم ، تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله مهدی عزیز را بجا آورده باشیم. این پدر توحید و بت شکن جهان به ما و همه انسانها آموخت که قربانی در راه خدا ، پیش از آن که جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد ، جنبه های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. ای گویندگان ! نویسندگان! در اجتماعات بزرگ ، عرفات و مشعر و منا و مکه معظمه و مدینه منوره ، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید ، و از هم طلب نصرت کنید. مسلمین اگر حج را پیدا کنند ، آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام ، همان را پیدا کنند کافی است برای این که استقلال خودشان را پیدا کنند. اعلان برائت از مشرکان، که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است ، بایددر ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی ، با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتربر گزار شود. فریاد برائت ازمشرکان مخصوص به زمان خاص نیست ، این دستور است وجاوید. به منا روید و آرزوهای حقانی را در آن جا دریابید ، که آن ، قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوبها ، که بالاترینش حب نفس است- و حب دنیا تابع آن است - نگذرید به محبوب مطلق نرسید. در سعی بین صفا و مروه ، با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید ، که با یافتن او همه بافته های دنیایی گسسته شود ، و همه شکلها و تردیدها فرو ریزد ، و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود. در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است ، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید ، و به موازات عشق به حق ، از بتهای بزرگ وکوچک ، و طاغوتها و وابستگانشان برائت جویید ، که خدای تعالی و دوستان او ازآنان برائت جستند ، و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند. لبیک گویان برای حق ، نفی شریک به همه مراتب کنید و از خود که منشا بزرگ شرک است ، به سوی او - جل و اعلی - هجرت نمایید. در لبیک - لبیک ، بر همه بتها گویید ، و فریاد بر همه طاغوتهاو طاغوتچه ها کشید. در لمس حجر الاسود ، بیعت با خدا بندید که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید ، و به اطاعت و بندگی آنان - هر که باشد و هر جا که باشد- سر ننهید. و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشمنان خدا ، و در راس آنان شیطان بزرگ زبونند ، هر چند در ابزار آدمکشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند. با حال شعور و عرفان به مشعر الحرام و عرفات روید ، و در هر موقف ، به اطمینان قلب بر وعده های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید ، و با سکوت و سکون ،تفکر در آیات حق کنید. توجه داشته باشید که سفر حج سفر کسب نیست ، سفر تحصیل دنیا نیست ، سفر الی الله است.

محرم و عاشورا

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده ، و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است. محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدان و مظلومان اسلام زنده شده ، و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه ، که اسلام را تا لب پرتگاه برده بودند ، رهایی بخشید. این خون سیدالشهد است که خونهای همه ملتهای اسلامی را به جوش می آورد. ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی ، در متن فداکاری و خون به دست آمده است. محرم ماه نصضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست ، که با قیام خود درمقابل طاغوت ، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد ، و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست. و این خود سرلوحهٔ تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر. با حلول ماه محرم ، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله; برجبهه ستمکاران و حکومتهای شیطانی زد. ماهی که به نسلها در طول تاریخ ، راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت. ماهی که شکست ابر قدرتها را در مقابل کلمه حق ، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین ، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ماآموخت. سید الشهدا را کشتند ، اسلام ترقی اش بیشتر شد. سید الشهدا – سلام الله علیه– با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند ، لکن مکتبشان را جلو بردند. شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. زنده نگه داشتن عاشورا ، یک مساله بسیار مهم سیاسی – عبادی است. انقلاب اسلامی ایران ، پرتویی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید ، و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فروریخت. کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید ، که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود. مساله کربلا ، که خودش در راس مسائل سیاسی هست ، باید زنده بماند. ملت بزرگ ما باید خاطره عاشورا را ، با موازین اسلامی ، هر چه شکوهمندتر حفظنماید. این محرم را زنده نگه دارید ، ما هر چه داریم از این محرم است. محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. تمام این وحدت کلمه ای که مبدا پیروزی ما شد ، برای خاطر این مجالس عزا وتبلیغ و ترویج اسلام شد. این مجالس سوگواری و این مجالس مجالس زرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان ، که مجالس غلبه سپاه عقل برجهل ، و عدل بر ظلم ،و امانت بر خیانت ، و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است ، هر چه با شکوهتر و فشرده تر برپا شود ، و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم ، هر چه بیشتر افراشته شود. ماه محرم ماهی است که مردم آماده اند برای شنیدن مطلب حق. گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت ، و زنده نگه داشتن همین معنا که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد ، دستور است. باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد. عاشورا روز عزای عمومی ملت مظلوم است ، روز حماسه و تولد جدید اسلام ومسلمانان است.

شهادت و شهید

شهادت عزت ابدی است. شهادت فخر اولیا بوده است و فخر ما. هراس ، آن دارد که شهادت مکتب او نیست. شهادت رمز پیروزی است. ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است. شما چه در دنیا پیروز بشوید یا به شهادت برسید ، پیروزمندید. شهادت در راه اسلام برای همه ما افتخار است. شهادت برای ما فیض عظیمی است. این حس شهادت خواهی و فداکاری بود که یک ملتی ، که هیچ نداشت ، برطاغوت غلبه پیدا کرد. یک ملتی که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند ، و طلب شهادت می کنند ، هیچ قدرتی با آن نمی تواند مقابله کند. خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست. ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است. یک همچو ملتی که آرزوی شهادت می کند ، این ملت دیگر خوف ندارد. ملت ما خون داده است تا جمهوری اسلامی

وجود پیدا کند. ملت ما عاشق شـهادت بود ، با عشق به شهادت پیش رفت این نهضت. ما از خدا هستیم همه ،همه عالم از خداست ، و همه عالم به سوی او بر خواهـد گشت. پس چه بهتر که برگشـتش اختیاری باشد و انتخابی ، و انسان انتخاب کندشـهادت را در راه خدا ،و انسان اختیار کند موت را برای خدا ، و شـهادت را برای اسلام. در بستر مردن ، مردن است و چیزی نیست ، لکن در راه خدا رفتن شـهادت است وسـرفرازی و تحصـیل شـرافت برای انسان و برای انسانها. مرگ سـرخ به مراتب بهتر از زنـدگی سـیاه است. چه غافلنـد دنیا پرسـتان و بی خبران ، که ارزش شـهادت را در صـحیفه های طبیعت جسـتجو می کننـد ، و وصف آن را در سـروده ها و حماسه ها و شـعرها می جوینـد ، و درکشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می خواهند ، و حاشا ! که حل این معما جزبه عشـق میسـر نگردد. آنها که شهید شدند، به خدمت خودشان و سعادت خودشان و به اجر خودشان رسیدند. شهدای انقلاب بزرگ ، چون شهـدای صـدر اسـلام ، در پیشـگاه مقـدس ربوبی ارزشـمند ،و مورد عنـایت حق تعالی و اولیای اسـلام ارزشـمند خواهنـد بود. شـما پیروزید ، برای این که شهادت را در آغوش می گیرید. و آنهایی که ازشهادت و از مردن می ترسند ، آنها شکست خورده اند. مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما ، که حیات را عقیده و جهاد می دانسـتندو در راه مکتب پرافتخار اسلام ، با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می کردند ، به ملت شـهید پرور ما رسیده. به ملت عزیز و توده های میلیونی ایران عرض می کنم که هیچ انقلابـی بـدون شـهادت خواهی و فـداکاری و سـختی و گرانی و فشارهای مادی موقت تحقق نیافته. شـهادت در راه خداونـد چیزی نیست که بتوان آن را بـا سنجشـهای بشـری و انگیزه هـای مـادی ارزیـابی کرد. رهـبر مـا آن طفـل دوازده سـاله ای است که بـا قلب کوچک خود ، که ارزشش از صدهازبان و قلم ما بزرگتر است ، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن رامنهدم نمود ، و خود نیز شـربت شهادت نوشید. سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند ، وما عقب مانده آنها هستیم. بر ماست که با اعتراف به عجز خویش ، از رزمندگان عزیزی که با شـهادت طلبیهاو رشادتهایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده ، و بـا خون پـاک خود چراغهـایی فراراه آزادی تمام ملتهای در بنـد برافروختنـد ، قـدردانی نماییم. گوارا باد بر این شـهیدان، لـذت انس و همجواری شـان بـا انبیـای عظام و اولیای کرام و شـهدای صـدر اسـلام ، و گواراتر بر آنان باد نعمت رضایت حق ، که رضوان من الله اکبر. هان ای شـهیدان ! در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشـید ، که ملت شـما پیروزی شـمارا از دست نخواهـد داد. نمونه ترین گواهـان صـادق و یادگـاران عزمهـا و اراده هـای اسـتوار و آهنین ، شـمابندگان مخلص حقیـد ، که مراتب انقیـاد و تعبد خویش را به پیشـگاه اقـدس حق تعالی ، با نثار خون و جان به اثبات رسانیدنـد. کشوری که همه بیـدار و همه مسـتعد برای شـهادت هسـتند ، اینهـا را از چه می ترساننـد هنر آن است که بی هیاهوهـای سیاسـی و خودنماییهای شـیطانی ، برای خـدا به جهادبرخیزد ، و خود را فدای هدف کند نه هوا ، و این هنر مردان خداست. به شما برادران مؤمن عرض می کنم ، اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی ازصفحه روزگار محو شویم ، و با خون سرخ ، شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم ،بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سـرخ شـرق ، و سیاه غرب ، زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم. هیچ هراسی به دلتان راه ندهید، که شما پیروزید – ان شاء الله. چه کشـته بشویم و چه بکشـیم حق با ماست. ما اگر کشـته هم بشویم در راه حق کشـته شدیم و پیروزی است ، و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است. طبع یک انقلاب فـداکاری است. لازمه یک انقلاب شـهادت و مهیا بودن برای شـهادت است. مجاهد فی سبیـل الله بزرگـتر از آن اسـت که گـوهر زیبـای عمـل خـود را به عیارزخـارف دنیـا محـک بزنـد. دنیـا بـا همه زرق و برق هـا و اعتباراتش ، به مراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. ما خاکیان محجوب ، یا افلاکیان ، چه دانیم که این ارتزاق عند رب الشـهداء چی است ما اگر کشـته شویم – ان شاء الله – بهشت می رویم ، اگر بکشیم هم به بهشت می رویم. کشـته بشوید بهشتی هستید ، بکشـید هم بهشتی هستید. ما بکشـیم سـعادتمندیم ، کشـته بشویم هم سعادتمندیم. و قت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم ، و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم ، از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم. شهادت یک هدیه ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند. گریه کردن بر شهید زنده

نگه داشتن نهضت است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد ، یک مساله سیاسی است ، یک مساله ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد ، ما از این اجتماعات استفاده می کنیم. قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان ، زبان گویایی است که به عظمت روح جاویدآنان شهادت می دهد. خونهای جوانان ما بر مسلسلها غلبه کرد. چطور انسان متاثر نباشد از اشخاصی که قدرتمندی خودشان را در خون شهیدان مامی بینند خدمت در بنیاد شهید در راس خدمتهاست. من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می دانم.

خودسازی و مبارزه با نفس

ما تا اصلاح نکنیم خودمان را ، نمی توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم. هر کسی از خودش باید شروع کند ، و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد. و بعد از این که خودش را اصلاح کرد ، آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند. اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقلی باشد که دیگران نتوانند در آن دخالت بکنند ، از خودتان باید شروع کنید. شما خودتان را درست کنید ، کشورتان درست می شود. آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است ، و قانع نشدن به این که همان ظاهر درست بشود ، و از قلبمان شروع کنیم ، از مغزمان شروع کنیم ، و هر روز دنبال این باشیم که روز دوّممان بهتر از روز اوّلمان باشد. از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد ، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است – رزقنا الله و ایاکم – ، که جهاد اکبر می باشد. علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. این فراموشی از خود مقدمه برای کمال انسان است. قبل از این که این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا ، و قبل از این که آن ،برای پیشگاه امام زمان– سلام الله علیه – برسد ، خودمان باید نظر کنیم. کاری بکنید که وقتی از اینجا بار را بستید ، در حضور خدای تبارک و تعالی باروسفیدی باشید. همه مکلفیم که تزکیه بشویم ، تا بتوانیم از نور الهی و نور قرآن استفاده کنیم. باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به این که تبعیت ازاحکام خدا کنید. اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، قهرا آن مقصدی که ما داریم در دنیا هم صدور پیدامی کند. سازندگیهای روحی مقدم بر همه سازندگیهاست ، جهاد سازندگی از خود افراد بایدشروع بشود. بسازید ! باید بسازیم خودمان را. جدیت کنید که این جهاد سازندگی را ازخودتان شروع کنید. و قتی از خودتان شروع کردید ، هر کاری بکنید ، این کاری است الهی. باید انقلاب باطنی بکنیم ،باید نفوسمان هم منقلب بشود ، اگر تا حالا در تحت سلطه شیطان و طاغوت بوده است ، متحول بشویم. در نفسی که مهذب نشده ، علم حجاب ظلمانی است. تکلیف الهی است که اگر در دلمان هم بعضی مان از بعضی مان خوشش نمی آید ، درمقام عمل ، در مقام ذکر ، در مقام تبلیغ ، بر خلاف نفس خودش عمل بکند. اگر علم بلا تهذیب باشد ضررش از جهل بدتر است. آن وقتی کلام تاثیر دارد که از قلب مهذب و پاک بیرون بیاید. این من را اگر انسان زیر پا گذاشت. او شد ، اصلاح می کند همه چیز را. گاهی علم توحید انسان را به جهنم می فرستند ، گاهی علم عرفان انسان را به جهنم می رساند ، گاهی علم فقه انسان را به جهنم می فرستد ، گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم می فرستد ، با علم درست نمی شود ، تزکیه می خواهد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد از حجب ظلمانی است. خدا نکند انسان پیش از آن که خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند. که خود را می بازد ، خود را گم می کند. آن کس که اتکا به خدا دارد منصور است. دستت از این عالم –که مزرعه آخرت است – اگر کوتاه شد ، دیگر کار گذشته است و اصلاح مفاسد نفس را نتوانی کرد. من خوف این را دارم که آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند ،و ما برای خاطر این که خودمان مهذب نبودیم به جهنم. عید واقعی آن وقتی است که انسان رضای خدا را به دست بیاورد ، درون خود رااصلاح کند. تا ساخته نشود یک ملت و یک جامعه ، نمی تواند به آن مقاصد عالیه ای که داردبرسد.

ایمان و ارزشهای معنوی

اگر ایمان وارد قلب شود کارها اصلاح می شود. ایمان به خدا نور است ،ایمان به خدا باعث می شود که تمام تاریکیها از پیش پای مؤمنین برداشته بشود. ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با عقلتان ادراک کرده اید ،آن مسائل را قلبتان هم به آن آگاه بشود ، باورش بیاید. کسانی که با خدا باشند، توجه به خدا و ایمان به خدا داشته باشند ، خداوندآنها را از تمام ظلمتها، از تمام تاریکیها خارج می کند ، و به حقیقت نورمی رسند. بدان که حقیقت علم و ایمان - که متقوم به علم است - نور است. بدان که ایمان نیز از کمالات روحانیه ای است که به حقیقت نوریه آن کمتر کسی آگاه گردد. حتی خود مؤمنین تا در عالم دنیا و ظلمت طبیعت هستند ، از نورانیت ایمان خود و کراماتی که در پیشگاه مقدس حق برای آنها است مطلع نیستند. مبدا همه خیرات و مبدا همه ترقیاتی که برای یک مملکت است ، چه در جهت مادی، چه در جهت معنوی ، این است که ایمان در کار باشد. تهدید و تطمیع در کسانی اثر می کند که ایمان ندارند. مدعیان ایمان زیادند ، لکن مؤمنین اندکند. اگر جنبه ایمان مردم تقویت شد ، همه امور به راحتی انجام می شود. عدد کم بودن اشکال ندارد ، ایمان قوی بودن مهم است. آنچه میزان سعات است این است که انسان مؤمن باشد ، و صبر داشته باشد ودیگران را به صبر وادار کند، و حق بگوید و دیگران را به حق گفتن وادار بکند. من نمی توانم باور کنم که کسی مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند. کوشش کنید معنویت را تقویت کنید در بین این ملت ، با معنویت است که شمامی توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسانید. ارزشهای معنوی ارزشهای همیشگی هستند. همه بدبختیها از ضعف ایمان و سستی یقین است. شرافت به تقواست. خرابیهای مادی جبرانش آسانتر از خرابیهای معنوی است. کسانی که برای خدا کار می کنند، هیچ وقت باخت در آن نیست. آنهایی که برای دنیا کار می کنند باخت دارند ، که اگر نرسیدند ، خوب باختند و عمرشان راهم هدر دادند. ما امیدمان به خداست و مایوس از خدا نیستیم ، و بر مشکلات به امید خدا غلبه می کنیم. من اطمینان دارم که تا این ملت توجه به خدا دارد ، هیچ قدرتی نمی تواند به این آسیب برساند. اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود ، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. گمان نکنید که کاخ سفید و کرملین الآن آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی می کنند ، آنها با اضطراب زندگی می کنند ، و این اضطراب برای این است که آنهاتبع شیطان هستند ، و شیطان نمی گذارد که طمانینه پیدا بشود در قلب انسان. اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وسایر شؤون زندگی بشر وارد شود ، پیچیده ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می شود.

تقوا ملاک برتری

آنی که تقوایش بیشتر است ، آنی که ترسش از خدا بیشتر است ، آنی که خدمت برای خدا می کند ، او مقدم است. همه برادر و برابرند ،فقط و فقط کرامت ، در پناه تقوا ، و برتری ، به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است. آنچه اصل است تقواست ، ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد ، گاهی ضررمی زند. اگر مجهز به علم و تقوا و شعور انقلابی - اسلامی شدید پیروزیتان حتمی است ، واگر - خدای نکرده - در این مرحله کوتاهی کنید ، مسئولیت آن به عهده خودشماست. ملت اگر متقی شد می تواند که حفظ کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش می آید.

اخلاص

قلب را به خلوص نیت و صدق باطن مزین نماییم و صفا دهیم ! هیچ عبادتی بی نیت خالصه ، مقبول درگاه حق تعالی نیست. هیچ چیز در عبادات به اهمیت نیت و تخلیص آن ، نیست. خودتان را متصل کنید به آن دریای لایزال ، و کارهایتان را کارهای الهی

کنیـد. توجه به احکـام خـدای تبارک و تعالی داشـته باشـید. کمال و حسن اعمال ، به نیات و اقبال قلب و حفظ حـدود است. در هر درجه که هستی بکـوش ، و اخلاـص خود را زیـادت کن ، و اوهـام نفس و وسـاوس شـیطان را از دل بیرون نمـا ،البته نـتیجه برایت حاصل می شود ، و راهی به حقیقت پیـدا می کنی ، و طریق هدایت برای تو باز می شود ، و خداوند تبارك و تعالی از تودسـتگیری می فرماید. شما روی تدبیر و فکر عمل کنید، دیگر نه از کشتن بترسید و نه از کشته شدن. عمده این است که قصدتان خالص باشد. کوشـش کنیـد مقصد خودتان را خالص کنید برای خدا ، که چه کشـته بشوید و چه بکشیدشـما اهل نجات هستید. جدیت کنید که کارهایتان برای خدا باشد ، قیامتان لله باشد.

اخلاق پسندیده

بـا اخلاـق مردم را خـاضع کنیـد، و خضوع قلبی میزان است. و اگر بتوانیـد قلب مردم را همراه خود کنیـد، این چیزی است که پیش خداوند دوام و ثبات دارد. با بندگان خدا ، که مورد رحمت و نعمت او هسـتند و مخلع به خلعت اسلام وایمانند ، دوستی پیدا کن و محبت قلبی داشته باش.

اعتماد به نفس

ما بایـد این را بفهمیم که همه چیز هستیم ، و از هیـچ کس کم نـداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این خود گم کرده را پیـدا کنیم. اتکال به نفس ، بعـد از اعتماد به خداونـد ، منشا خیرات است. فکر این باشـیم که خودمان شخصـیت پیدا بکنیم. مقاصـد وقتی که عالی شـد ،زحمتهای در راه آن مقصـد بایـد در نظر انسان نباشد. از هیچ قدرتی نترسـید ، وقتی خدا با شـماست همه چیز با شماست. با اتکا به خدا از هیچ چیز ترسی نداریم. کسی که خدا با اوست از هیچ قدرتی جز قدرت او هراسی ندارد

قناعت و ساده زیستی

معنویـات اساس اسـلام است. سـعی کنیـد معنویات را زیاد کنیـد و از تشـریفات ،تا آن جا که مقـدور است بکاهیـد. خود را به ساده زیسـتن عادت دهید ، و از تعلق قلب به مال و منال و جاه ومقام بپرهیزید. با زندگانی اشـرافی و مصرفی نمی توان ارزشهای انسانی - اسلامی را حفظ کرد.

صبر

صبر کلید ابواب سـعادات و سـر منشا نجات از مهالك است. صبر بلیات را بر انسان آسان می کند. مشـکلات را سـهل می نماید ، و عزم و اراده را قوت می دهـد. مقصـد هر چه بزرگتر باشـد ، رنـج در راه آن هر چه زیاد باشـد ، بایـد انسان تحمل کند. اگر چنانچه استقامت کنیم مؤید به تاییدات الهی هستیم.

توبه

برای هر کسـی ، هر کـاری بکنـد ، بـاز جـای توبه هست ، در توبه بـاز است ، رحمت خـدا واسع است. توبه شـرایطی دارد که تا آن شرایط تحقق پیـدا نکنـد ، خـدای تبارك و تعالی قبول نمی کنـد. بهار توبه ایام جوانی است که بار گناهان کمتر ، و کـدورت قلبی نـاقصتر ، وشـرایط توبه سـهلتر و آسـانتر است. پشـیمانی و عزم بر ترك گنـاه، برای کسانی که پنجاه سال یا هفتاد سال غیبت ودروغ

مرتکب شده ، ریش خود را در گناه و معصیت سفید کرده اند حاصل نمی شود. توبه کنید ! زیرا توبه با لفظ اتوب الی الله تحقق نمی یابد ، بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است.

حب نفس و هواهای نفسانی

از هواهای نفسانیه که میراث شیطان است ، بر حذر باشیم. میزان بازماندن از حق ، متابعت هوای نفس است. اهمیت امراض نفسانیه، هزاران درجه بیشتر از امراض جسمانیه است. اگر یک در به روی خواهش نفس باز کنی ، لابدی که درهای بسیاری به روی آن بازکنی. ای عزیز ! بدان که خواهش و تمنای نفس منتهی نشود به جایی ، و به آخر نرسداشتهای آن. هر بلایی سر انسان می آید، یا جامعه از دست قدرتمندان می بیند ، این در اثرهوای نفس و خودخواهی است. شیطان باطنی انسان ،خود آدم است ، خود انسان ، آن نفسیت انسان ، آن هواهای انسان. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است ، از اولی که بشریت تحقق پیداکرده است تا کنون ، و تا آخر ، منشاش همین حب نفس است. آفت انسان هوای نفس انسان است. تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید ، نمی توانید جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم الله نمایید. را س همه خطاهای که انسان می کند حب نفس است. آنچه که خطر برای هر انسانی و هر متصدی امری هست ، حب نفس است. بالاترین گرفتاری ما همین گرفتاری حب نفس است ، گرفتاری حب جاه است ، گرفتاری حب شهرت است. نفس انسان بدتر از هر سرکشی است ، سرکشی نفس ، انسان را به هلاکت می رساند. آن که کمر انسان را می شکند این است که حب انسان به خودش ، و حب انسان به ریاستش ، و حب انسان به همه چیزهایی که موجب حب است ، انسان را برساند به آن جایی که اگر نبی اکرم هم از او بگیرد دشمن او می شود ، و آن وقت هم که می فهمد خدا دارد می گیرد دشمن او می شود.

دنیادوستی و قدرت طلبی

دنیا آنی است که در ما هست ، که ما را از مبدا کمال دور می کند ، و به نفس و نفسانیت خودمان مبتلا می کند. هر چه توجه نفس به دنیا بیشتر گردد ، به همان اندازه از توجه به حق و عالم آخرت غافل گردد. تمام مفاسد روحانی و اخلاقی و اعمالی ، از حب به دنیا ، و غفلت از حق تعالی و آخرت است. علمی که انسان را به خدا نزدیک می کند ، در نفس دنیاطلب باعث دوری بیشتراز درگاه ذی الجلال می گردد. هر چه وجهه قلب به تدبیر امور و تعمیر دنیا بیشتر شد و علاقه افزون گردید ،غبار ذلت و مسکنت ، بر او بیشتر ریزد ، و ظلمت مذلت و احتیاج ، زیادتر آن را فرا گیرد. ای عزیز ! تو اگر عار نداری از طلب دنیا ، لااقل از مخلوق ضعیف ، که مثل خودتوست ، طلب مکن. توجه و تعلق نفس به مادیات ، انسان را از کاروان انسانها باز می دارد ، وبیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی ، انسان را به مقام انسانیت می رساند. دنیای مذموم همین است که انسان توجه داشته باشد و لو به یک تسبیح ، و لو به یک کتاب. توجه به زرق و برق دنیا انسان را از آن احساس انسانی اش می برد. اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند ، به اندازه وسع خودشان ، باید از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند. ثروتمندان فقرایی هستند در صورت اغنیا ، و نیازمندانی هستند در لباس بی نیازان. بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی ، انسان را به مقام انسانیت می رساند. بدان که این عالم دنیا ، برای نقص و قصور و ضعفی که در آن است ، نه دارکرامت و جای ثواب حق تعالی است ، و نه محل عذاب و عقاب است. ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را مقر خود قرار داده ، و از قرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بی خبرند. هر مقامی که برای بشر حاصل می شود ، چه مقامهای معنوی و چه مقامهای مادی ، روزی گرفته خواهد شد ، و آن روز هم نامعلوم است. کسی که رابطه با خدا دارد شکست ندارد. شکست مال کسی است که آمالش دنیاباشد. آنها جان خودشان را برای اسلام و برای مصلحت کشور اسلامی فدا می کنند ، و ما سرخون آنها این جا بنشینیم و

با هم جنگ و ستیز کنیم ! این در منطق اسلام ازبزرگترین گناهان است. قدرت طلبی از هر که باشد ، از شیطان است. این قدر دنبال این نباشید که ما خانه مام چه جور است و زندگی مان چه جور است دنبال آن شرافت انسانی باشید ، دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز و چه ... ، کرد. اموری که مربوط به این عالم است گذراست ، زودگذر هم هست ، و پیروزیها وشکستها و خوشیها و ناخوشیهای این دنیا بیش از چند روزی و مقدار اندکی پایدارنیست.

خودبینی و خودخواهی

تمام فسادهایی که در عالم پیدا می شود ، از خودخواهی پیدا می شود. تمام مفاسدی که در عالم واقع می شود از این توجه به خود است. مدامی که انسان خودش را می بیند ، نمی تواند به آن راهی که راه هدایت است دست پیدا بکند. هیچ شکی در این نکنید که هر که گفت من این من شیطان است. بدان که رذیله عجب از حب نفس پیدا می شود. خودمحوری ، من ، نه غیر ، این در همه نفوس هست ، مگر این که تهذیب بشود. چقدر انسان باید جاهل باشد که این چیزها را مقام بداند ; و چقدر ضعیف النفس باشد که این حکومت را ، حکومتها را یک مقام بداند. بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید و جمال جمیل او - جل و علا - را ببینید ;آن گاه است که هر مشکلی آسان و هر رنجی و زحمتی گواراست. خودبینی ارث شیطان است. تا این خودخواهیها در بشر هست ، این جنگها و این فسادها و این ظلمها وستمگریها هست. اگر - خدا نخواسته - کارها با خودخواهی و غرور همراه شد ، مبدا شکست انسان است. نمی شود که انسان هم خودپرست باشد و هم خداپرست. نمی شود که انسان هم منافع خودش را ملاحظه کند و هم منافع اسلام. باید یکی از این دو تا باشد. من اگر برای خودم نسبت به سایر انسانها یک مرتبتی قائل باشم ، این انحطاطفکری است ، و انحطاط روحی. اگر انسان در هر امری که وارد می شود ، در آن امر خودخواهی را کنار بگذارد ومصلحت را ملاحظه بکند ، و خدا را ملاحظه بکند ، هم موفق می شود و هم از خطراتی که بر این خودخواهی مترتب است در امان می ماند. نزاغ مال خودخواهی است ، از نقطه نفس انسان پیدا می شود. دو جور تعریف داریم، یک وقت این است که آدم تعریف می کند ، می خواهدخودش را نشان بدهد، این ابلیس است. یک وقت از خودش تعریف می کند برای این که هدایت کند دیگران را ، این نفس رحمان است. هوای نفس انسان می خواهد هر چه بشود بگوید من کرده ام ، و این آثار خودخواهی است; و اختلافاتی هم که مشاهده می شود از ضعف ایمان است. هیچ فردی نمی تواند ادعا کند که من نقص ، هیچ ندارم. اگر کسی ادعا کرداین را ، بزرگترین نقصش همین ادعاست. غرور از پیروزیها ، آفت بزرگی است که شیطان باطنی در بندگان خدا به وجودمی آورد ، تا آنان را از راه حق منحرف کند. غرور و غفت انسان را به تباهی می کشد. کبر از اخلاق خاصه شیطان است. هر کس جهلش بیشتر و عقلش ناقصتر است ، کبرش بیشتر است. هر کس علمش بیشتر و روحش بزرگتر و صدرش منشرحتر است ، متواضعتر است.

عیبجویی

و هیچ عیبی بالاتر ازآن نیست که انسان عیب خود را نفهمد و از آن غافل باشد ; وبا آن که مجموعه عیوب است به عیوب دیگران بپردازد. چرا باید عقده های قلبی ، انسان را منحرف کند ، و هواهای نفسانی همه چیز راکنار بگذارد و فقط عیوب را نگاه کنداسرار مردم هر چه باشد ، فاش کردن بر خلاف اسلام است.

غفلت

یک لحظه از خدا غافل نباشید. غفلت از مبدا قدرت ، انسان را به هلاکت می رساند.

یاس و ناامیدی

هیچ گاه از کارها مایوس نشوید ; چون همه چیز یک دفعه درست نمی شود ، وکارهای بزرگ باید به تدریج صورت گیرد. یاس از جنود شیطان است ، امید از جنود خداست ، همیشه امیدوار باشید.

مفاسد وانحرافات اجتماعی

انبیا مثل یک طبیبی بودند که می خواستند اصلاح کنند جامعه را. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ یک از این سلاحهای جنگی به حال بشر ضررندارد. آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراشیبی انحطاط قرار می دهد ، انحراف اخلاقی است. آن که فاسد می کند جامعه را ، و دست از فسادش برنخواهد داشت ، او را بایداز جامعه جدا کرد ;او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می کند. نجات معتاد نجات یک فرد نیست ، نجات اسلام است. این وظیفه شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند ، از برادر دینی بدگویی نماید ; این حب دنیا و حب نفس است ، این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می نشاند. اذیت مسلم و آزار مؤمنین از بزرگترین گناهان کبیره است.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. سفارش به حق ، که امر به معروف است و نهی از منکر است ، بر همه مسلمین واجب است. اگر یک حکم ظالمی بر مردم مسلط شد ، علمای ملت ، دانشمندان ملت بایداستنکار کنند ، باید نهی از منکر کنند. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امربه معروف کنیم ، و اگر اشخاصی پیدا می شوند که خلاف می کنند ، معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند ; و مشکلات را هم تحمل کنیم. شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید ، معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود. از آنچه در نظر شرع حرام ، و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی ، ومخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است ، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می باشند.

نفاق و منافقین

منافقها هستند که بدتر از کفارند. در اسلام از منافقین بیشتر تکذیب شده است ; و منافق اوضح مصادیق کفر است. آن قدری که اسلام تکیه کرده است بر این که منافقین را از بین ببرد یااصلاحشان کند ، برای کفار این طور نیست. انسان می داند با آدم کافر چه بکند ،اما با منافقین نمی داند چه کند. در سوره منافقین ذکر می فرماید کیفیت منافقین را ، که اینها پیش تواظهار دیانت می کنند ، اظهار اسلام می کنند ، لکن دروغ می گویند ، اینها مسلم نیستند ، اینها منافق هستند. آنچه ما امروز مبتلای به آن هستیم، و آن دسته منافقینی که اظهار اسلام می کنندو کمر اسلام را می خواهند بشکنند، کار مسلمانها با اینها مشکل است ، حل مساله اینها بسیار مشکل است. عیب بزرگ شما و هوادارانتان آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن ، ونه از ملت مسلمان و انگیزه فداکاری او ، اطلاعی دارید. با آن که سرای منافقین در دامن آمریکا و فرانسه مشغول عیاشی و خوشگذارنی هستند ، مع الاسف عده ای نوجوان را با حیله و تزویر گول زده و قدرت تفکر رااز آنان سلب نموده اند. آنهایی که اظهار اسلام می کنند و بیمارستان را آتش می زنند و مجروحها را سر می برند ، اینها را بشناسید، اینها مسلم نیستند ، اینها منافق هستند. ننگتان باد ای تفاله های شیطان ! و عارتان باد ای خودفروختگان بین المللی !که در سوراخها خزیده و در مقابل ملتی که در برابر ابرقدرتها برخاسته است ،به خرابکاریهای جاهلانه پرداخته اید. گمان ندارم شما بتوانید گروه و یا دسته ای را بیابید که جنایات و سفلگی شان ،به ابعاد این

گروهک منافقین باشد.

قیام لله

همه چیز در قیام لله است، قیام لله معرفت الله می آورد. و قتی دین خدا را انسان در خطر دید، برای خدا باید قیام کند. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. همه قیام کنید، و برای خدا قیام کنید، قیام فرادی در مقابل شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی. «ان تقوموا لله مثنی و فرادی» اجتماعی و انفرادی قیام لله بکنید، انفرادی برای وصول به معرفت الله، اجتماعی برای وصول به مقاصد الله. قیام لله شکست ندارد. اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم، و روی نفت گذاشتیم، یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت. کوشش کنید که قیام شما، این نهضتی که دارید، نهضت الهی باشد، لله باشد. تمام قوا در مقابل خدای تبارک و تعالی هیچ است. ما نمی ترسیم، برای اینکه ما برای خدا قیام کردیم. قیام لله هیچ خسران ندارد، هیچ ضرر توی آن نیست. قیامی که برای خداست، و نهضتی که بر اساس معنویت و عقیده است عقب نشینی نخواهد کرد. و ابسته کنید خودتان را به آن مبدأ قدرت. قطره ها! خودتان را به دریا برسانید.

دعوت به قیام

و صیت من به ملتهای کشورهای اسلامی این است که انتظار نداشته باشید که از خارج ، کسی به شما در رسیدن به هدف – که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است – کمک کند. خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می بخشد قیام کنید. ملتها باید قیام کنند و خودشان را از دست حکومتهای خودشان ، و قدرتهای بزرگ نجات بدهند. امیدوارم که مسلمانان سایر کشورها از تجربیات مسلمانان ایران پند گرفته و توی دهن غرب بزنند، و روی پای خود بایستند ، و با تمسک به اسلام به افتخارات گذشته خود دست یابند. ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم ! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید. آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با این همه سرمایه های انسانی و مادی ومعنوی ، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی ، تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند. این ملتها هستند که باید نهضت کنند ، قیام کنند و خودشان را از دست اشرارنجات بدهند. ملتها باید از جا برخیزند، اگر بنشینند و منتظر این باشند که برای آنها ،دیگران بیایند و کاری چه برای جهات مادی شان و چه برای جهات معنوی شان ،بکنند ، این اشتباه است. و ظیفه مسلمانان است که قیام در راه اسلام کنند، و دست قدرتهایی را که برای نابودی اسلام و برخورداری از منابع مسلمین، مشغول توطئه هستند را قطع کنند. دردآشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه اند. همه ملتهای اسلام با بیداری و با توجه بپاخیزند ، و این دستهای فاسدی که می خواهد همه ملتهای اسلام را در تحت سلطه ابرقدرتها قرار بدهد ، آنها را سرجای خودشان بنشانند. سکوت در مقابل دستگاه فاسد جبار ، برای ملت اسلام ننگ است. ملتهای مسلمان ، از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ ، الگو بگیرند و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنندو به پیش ، به سوی آزادگی و زندگی انسانی بروند. پیروزی ملت مسلمان ایران بدون شک سرمشق خوبی برای سایر ملل ستمدیده جهان ،خصوصا ملتهای خاورمیانه خواهد بود ، که چگونه یک ملتی با اتکا به ایدئولوژی انقلابی اسلام بر قدرتهای عظیم فایق می آید.

مستضعفین بپاخیزید !

ای مستضعفان جهان ! برخیزید و همپیمان شوید ، و ستمگران را از صحنه برانید ، که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند.

هان ای مسلمانان جهان! و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید، و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید ، و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید. هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی! بپاخیزید و مقدرات خود را به دست گیرید. تا کی نشسته اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کنند ! مستضعفین عالم اگر بخواهند یک زندگی شرافتمندانه انسانی داشته باشند ، بایدهمه مستضعفین جهان به هم دست بدهند و قدرت این قدرتمندانی که حق وتو داردند ،اینها را باید محدود کنند. شما ای مستضعفان جهان! و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید. هان ای مستضعفان جهان! بر مستکبران آدمخوار بشوریـد ، و حق خود را از آنان بگیرید ;که خداوند با شماست، و وعده او تخلف ناپذیر است. بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید ; زنده شوید و مردگان را حیات بخشید ; و در تحت پرچم توحید ،برای درهم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه ، و خودفروختگان بی ارزش فداکاری کنید. مستضعفین همه بلاد ، همه ممالک ، باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند ، منتظر نباشند که آنها حق آنان را بدهند ، مستکبرین حق کسی را نخواهند داد. ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرتها بایستید ، که اگرایستادید ، اینها هیچ کاری نمی توانند بکنند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند ، و انتظار نکشند که ستمکاران آنان را از بند نجات دهند. پیروزی نهایی این است که همه بلاد ، همه مستضعفین ، بر همه مستکبرین پیروزبشوند. عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند.

مبارزه با ظلم و ظلم پذیری

برنامه ما این است که نه ظلم بکنیم و نه ظلم بشنویم. نه به کسی ظلم می کنیم و نه زیر بار ظلم می رویم. نه ظلم به دیگران می کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می رویم. ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می شود در دو کلمه،**لا تظلمون و لا تظلمون**. ما تحت رهبری پیغمبراسلام این دو کلمه را می خواهیم اجرا کنیم، نه ظالم باشیم و نه مظلوم. آن قدر که ظالم ضرر می برد از ظلمش، مظلوم از ظلم ظالم آن قدر ضررنمی برد. ملت ما در مقابل حق و عدالک تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جورایستاده است.

انقلاب اسلامی

این انقلاب، بهترین انقلابها و بزرگترین انقلاب بوده است از حیث محتوا. انقلاب اسلامی بزرگ ما، قبل از آن که انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد یک انقلاب معنوی روحانی است. بدانید این مطلب را که تا کنون انقلابی به خوبی انقلاب ایران نبوده است. انقلاب مردم ما انقلابی است متکی به خود مردم، پس مردم باید از پیامدهای انقلابشان گله نداشته باشند. ایران حفظ انقلاب را با افراد مؤمن کرد، و الآن هم به دست افراد مؤمن این انقلاب پیش می رود. دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان، همانند انقلاب اسلامی ما با ضایعه ای کم و ره آوردی عظیم همراه نبوده است، و این نیست جز به برکت اسلام. قیام شما جوانهای ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود، نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد، اسلام را زنده کرد. با فداکاری از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم، و برای ادامه این مکتب عزیز که (موجب) رهایی مستضعفان جهان و سرکوبی مستکبران است، از هواهای نفسانیه که میراث شیطان است بر حذر باشیم. تا امروز شما هیچ انقلابی را پیدا نخواهید کرد که مثل انقلاب ایران پر ثمر و کم ضایعه (باشد). انقلاب مثل یک طفلی می ماند که باید تربیت کرد و بزرگش کرد، پرستای می خواهد. ملت ما باید مصمم باشد به این که آن چیزی را که به دست آورده است از دست ندهد. نهضت مقدس اسلامی ما، عمر چپاولگریها و دیکتاتوریها را در ایران به سرآورده است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب ناپذیر است، بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است. آنهایی که به عکس جلوه می دهند این نهضت اسلامی ایران را، شما در مقابل آنها بایستید و

حق خودتـان را به آن طوری که هست ترویـج کنیـد، تـا ـ انشـاء الله ـ حق در همه بلاد اسلام پیاده بشود، و باطل خودبخود از همه ممالک اسلام، بلکه ـ انشاء الله ـ از همه ممالک دنیا از بین برود و ذاهق بشود. در این نهضت پیش بروید و ابدا به خودتان هیچ یأس راه ندهید، که یأس از جنود شیطان است. باید سعی شود تا «از راه رسیده ها» و «دین به دنیا فروشان» ، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکننـد. شـما یک انقلابی کردید و یک سدی را شـکستید که در دنیا نظیرش کم، یا نبوده است. می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی خواهیم با شمشیر باشـد، بلکه می خواهیم با تبلیغ باشـد. مردم ایران ثابت کرده انـد که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شـکست انقلاب و ضـربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. مسئولین صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه های بی اساس پس نزننـد، تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشـته، و وابستگان فکری به آنان هستند جایگزین کنند. قربانی برای انقلاب بزرگ، نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. من به سـهم خودم هیچ نگرانی ندارم راجع به انقلاب، انقلاب راه خودش را پیدا کرده و پیش می رود، و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد. من در میان شما باشم و یا نباشم، به همه شـما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. تا آمریکا نرود و تا دست این ابرقدرتها از روی مملکت ما برداشته نشود، ما نهضتمان بر قرار است و فریادمان هم بر قرار است و کارهایمان را هم انجام می دهیم، و ـ انشـاء الله ـ موفق خواهیم شـد. مـا در مقابـل امریکـا یک عبـد ذلیل بودیم، ولی ایران این ذلت را شـکست و عزت پیـدا کرد. آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت، از حال ضعف برگشت به حال قدرت، این تحول، تحول الهی بود. یـک دست الهی بود پشت سـر این ملت. ملت مـا برای شـکم قیـام نکرده بود، ملت ما برای این امور منحط قیام نکرده بود. فرق هست مابین این نهضت و نهضـتهای دیگر، از این جهت که نهضت ملی است و اسـلامی. نهضت مقدس ایران نهضت اسلامی است، و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار گیرند.

پیروزی و عوامل آن

رمز پیروزی شـما ایمـان و وحـدت کلمه بود. ملت رزمنـده ایران با ایمان به خـدا و وحـدت کلمه، بر قـدرت شـیطانی عظیم که همه قدرتها پشتیبان آن بودند غالب شد، و دست همه ابرقدرتها را از کشور خود قطع کرد. ایمان به خدا و وحدت کلمه این معنا را پیش آورد که ابرقـدرتها را کنـار زدیـد. آن مرزی که شـما پیروز کرد، ایمـان به خـدا، توجه به خـدا بود. ایمـان به خـدا، ایمـان به مبادی اسـلامی بود که شـما را پیروز کرد. ما با این قدرت ایمان، که همه اقشار ملت ما با هم اسـلام را فریاد زدند، پیروز شدیم نه با عدد و عـده. ما بایـد بفهمیم چرا پیروز شدیم، این چرا را اگر فهمیدیم، آن وقت باید کوشـش کنیم که همان چیزی را که ما را پیروز کرده حفظش کنیم. رمز پیروزی ما توجه به خدای تبارک و تعالی و پاسداری اسلام بود. الله اکبر ما را پیروز کرد، حالا هم سلاح ما همان الله اکبر است. و وحـدت کلمه ما را پیروز کرد، حالا هم سـلاح ما همان وحـدت کلمه است. نظر لطف خدا بود که شـما با نداشـتن سازمان، و با نداشـتن ساز و برگ ارتشـی، بر قـدرتهای بزرگ پیروز شدیـد. توجه به خـدا را حفظ کنیـد تا پیروز باشـید. این دسـت مبارک الهی که بر سـر شـماست و عنایت حق تعالی که بر شـماسایه افکنـد، این را قـدر بدانید و حفظ کنید ; اگر حفظ شد در همه مراحـل پیروز هستیـد. حفظ یک پیروزی از اصل پیروزی مشـکلتر است. چه بسا پیروزیهایی که برای یک ملتی پیش می آیـد، برای این که اسـتقامت در آن امر که موجود شده است ندارند سـستی می کنند، آن پیروزی از دستشان می رود. ملت ما به واسطه اتکا به اسـلام این نهضت را پیش برد. برادران من! با اتکا به ایمان و اسلام بود که ما پیروز شدیم. با رفتار و اخلاق اسلامی، این قدرتی که شما را به پیروزی رسانـده است حفظ کنیـد. مقصـد که الهی شـد دنبالش پیروزی است. جمعیتی که پشـتوانه اش خـداست شکسـت نـدارد. ملتی اگر قیام کرد، با حفظ قدرت ایمان، هیچ قدرتی، در مقابل آن نمی تواند بایسـتد. ما می خواهیم به همه دنیا نشان دهیم که قدرتهای فائقه را هم می توان به نیروی ایمان شـکست داد. مادامی که در مسیر حق باشیم پیروزیم. پیروزی را شمشیر نمی آورد،

پیروزی را خون می آورد. ما با دست خالی بر این قدرت فوق العاده شیطانی، که همه قدرتها دنبال اوبودند، غلبه کردیم. ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز است. شما حق هستید، در مقابل باطل ایستاده اید. استقامت می خواهد ; تا استقامت در کار نباشد نمی توانید به پیروزی نهایی برسید. کشوری که تمام قشرهایش این طور مهیا برای فداکاری هستند، این کشور پیروز است. شما حق هستید و در مقابل باطل ایستاده اید ;و حق پیروز است. این طور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولا که شکست نمی خوریم، خدا با ماست ;و ثانیا بر فرض این که شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی خوریم، و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است. ما ترس نداریم، برای این که ما حقیم. و قتی حق هستیم، غالب هم بشویم ما حق هستیم، مغلوب هم بشویم ما حق هستیم. اگر تمام عالم هم به ضد ما قیام کنند و ما را هم نابود کنند، ما پیروزیم. کسی که با خدا باشد خدا با اوست، و پیروزی با اوست. شما پیروزید، برای این که اسلام پشتیبان شماست. پایدار باشید که پیروز هستید. کمی عده، با این که قدرت روحی در کار باشد و انسجام در کار باشد و تعهد به اسلام در کار باشد، اسباب ضعف نخواهد شد. پیروزی آن است که مورد توجه حق تعالی باشید، نه این که کشوری را بگیرید. تا روحیه شما توجه به آن مبدا قدرت دارد پیروزید، از آن منفصل نشوید. این پیروزی انقلاب ما پیروزیی بود که به برکت اسلام و گرایش به اسلام و با فریاد / این پیروزی / به دست آمد. این پیروزی ارتباط به من نداشت، من یک طلبه هستم و نباید این را به من منتسب کنید! پیروزی ارتباط به ملت هم نداشت، این پیروزی مربوط به خدا بود. جاوید باد پرچم پرافتخار الله اکبر، که رمز پیروزی معجزه آسای ملت بزرگ ایران است. پیروزی انقلاب رهین همه ملت است. پیروزی نهایی وقتی است که اسلام، به همه ابعاد و به همه احکامش در ایران پیاده شود ; و پیروزی بالاتر آن که در همه اقطار عالم، اسلام حکومت کند. اسلام مایه سعادت بشر است.

ایام الله

پانزده خرداد مبدا نهضت اسلامی ایران است. و اقعه پانزده خرداد ننگ بزرگی برای هیات حاکمه به بار آورد. این واقعه فراموش شدنی نیست. باید پانزده خرداد و نوزده دی جاوید و زنده نگه داشته شود تا جلادی شاه از خاطره ها نرود، و نسلهای آتیه جرایم شاهان سفاک را بدانند. من روز پانزدهم خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم. قیام پانزده خرداد اسطوره قدرت ستمشاهی را درهم شکست و افسانه ها و افسونها را باطل کرد. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه، در عاشورای پانزده خرداد رقم خورد. ملت عظیم ایران لازم است شکر نعمتهای غیرمتناهی الهی را، در سالروز پانزده خرداد به جان و دل بجا آورد. در حقیقت دستاورد نهضت ۱۵ خرداد ۴۲، پیروی ۲۲ بهمن ۵۷ بود. هفده شهریور از ایام الله است. سالروز هفدهم شهریور که گزارشگر جنایات شاهنشاهی ضدانسانی و اسلامی است، واز ایام الله و نشانگر مقاومت و شجاعت و ایستادگی ملت در مقابل ستمگران وجنایتکاران است، در خاطره ملت مبارز ایران زنده است، و زنده خواهد بود. خاطره تلخ ۱۷ شهریور۵۷ و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار، و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. ۱۷ شهریور ۵۷ از ایام الله است، که ملت شریف ایران یاد آن را زنده نگه می دارد. من به نیابت حضرت ولی عصر، امام زمان ع به همه مسلمانان جهان، مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ق. هفده شهریور را، خاصه به خانواده های داغدار تسلیت می گویم و در عین حال تبریک. خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده های حادثه شوال، مصطفای من بوده اند. روز سیزده آبان، روز هجوم وحشاینه رژیم منحوس به دانشگاه و کشتار دسته جمعی دانشجویان عزیز ماست. ملتی که پانزده خرداد روز خون و هفده شهریور روز نوید پیروزی خون،جمعه سیاه روزی رژیم را با افتخار و پیروزی پشت سر گذاشته است، از این محاصرات اقتصادی و نظامی باک ندارد. آنان باک دارند که اقتصاد را زیر بنا، و شکم ر ا قبله گاه، در دنیا و مقصد و مقصود می دانند. درود بر عاشورا، دورد بر پانزده خرداد و ۲۲بهمن ، درود بر ایام الله و بر ملت شریف ارزشمند ایران.

درود بر بیست و دوم بهمن، یوم الله، و بر آفرینندگان آن. بیست و دوم بهمن باید سرمشق ما باشد در طول زندگی و برای نسلهای آینده، که همه آنها ۲۲بهمن را که روز غلبه ایمان بر کفر و الله بر طاغوت و اسلام برکفر بود، باید حفظ کنند و بزرگ بشمارند. روز ۲۲بهمن روزی بود که ارتش و ملت به هم پیوستند، و روزی بود که ارتش از طاغوت به الله برگشت و با تکبیر و پشتیبانی امت بر طاغوت غلبه کرد ; و این معنا باید سرمشق ما باشد در تمام زندگی. در ۲۲بهمن ثابت شد که ملتی یکپارچه، ملتی که مقصدشان یک مقصد الهی است نه مقصدشان یک مقصد مادی صرف، و همه شان با هم یکصدا هستند، دارای یک مقصد هستند، نمی توانند بر این ملت غلبه کنند ; و دیدند که ملت غلبه کرد بر همه آنها. خدایا! تو بر ما منت نهادی و ما را مثل ۲۲بهمن بر دشمنان خودت پیروز کردی، و دست این ملت مظلوم را گرفتی و از سراشیبی سقوط و جهنم هر دو عالم، به قله بلند عنایات خود رساندی. هفده شهریور مکرر عاشورا، و میدان شهدا مکرر کربلا، و شهدای ما مکرر شهدای کربلا، و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند.

وحدت و برادری

مسلمین باید ید واحده باشند بر ضد همه ستمگران. اصولا دعوت به اسلام عدوت به وحدت است. مؤمنین سرتاسر دنیا برادرند به حسب حکم قرآن، و برادرها برابرند. در اسلام همین برادری است که مبدا همه خیرات است. با حفظ برادری، شما به این جا رسیدید ; و با حفظ برادری باید جلو بروید. من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعه - برادر و برابر، و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. سنی و شیعه مطرح نیست در اسلام، کرد و فارس مطرح نیست در اسلام، همه برادر با هم هستیم. ما الان همه مان با هم موظفیم که دست به دست هم بدهیم، برادر باشیم با هم، و همه با هم بسازیم ایران را. آنچه که لازم است الان برای همه ما، حفظ این وحدت است. تا آن وقت که یک هستید این یک را کسی نمی تواند بشکند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید وحدت مذهبی داشته باشید. را ه رهایی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد. مادامی که حفظ کنید شما وحدت خودتان را، خدا با شماست، یدالله مع الجماعه. ملت ایران با این وحدت کلمه و اتکال به اسلام نهضت را پیش برد، و این رمز را از دست نخواهد داد. باید ما همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است، و این رمز پیروزی را از دست ندهیم. ما در سایه آرامش و وحدت می توانیم این کشور را به مقاصد عالیه اسلامی برسانیم. امروز روز اتحاد ویگانگی است، و این هم از الطاف بزرگ و تاییدات الهی است. همه می دانیم وحدت ملت چه اثرهای معجزه آسای داشته است و دارد ; و در مقابل، تفرقه و تنازع چه نکبتهایی به سر مسلمین در طول تاریخشان آورده است. رمز پیروزی شما ملت بزرگ، وحدت کلمه و اتکال به ایمان بود. این وحدت و توجه به خدا و الله اکبر بود که شما را بر آن قدرتها پیروز کرد. از امور مهمه ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است، و آن بستگی دارد به وحدت. کوشش کنید که این وحدت از دست نرود، و مهم این که اتکال بر خدا از دست نرود. اگر مسلمین ید واحد باشند کسی نمی تواند مقابل این جمعیت قیام کند. اگر مسلمین با هم متحد بشوند هیچ دولتی نمی تواند به آنها غلبه کند. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را با هم متحد کند ; و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند. باید ما شیعه و سنی، با هم برادر باشیم، نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند. و اجب است بر همه مسلمین که با هم باشند. اگر ملتهای مسلم که تقریبا یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی شود. این جانب با کمال تواضع، دست خود را به طرف تمام جناحهایی که در خدمت اسلام هستند دراز می کنم، و از همه استمداد می کنم که با هم پیوستگی همه جانبه، در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است کوشا باشند. این جانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می

کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم که هستی ملت بدان پیوسته است استمداد می نمایم. سخنرانیهای سالم و سازنده در محیطهای سالم غیرمتشنج، برای ایجاد وحدت و تفاهم و جلوگیری از اختلاف و تشنج، مفید و موجب رضای خداست. هی نگویید وحدت و دنبالش نباشید، عملا با هم وحدت داشته باشید. شما برادرهای هم هستید. تا کید می کنم که اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی بیند ; و اگر صدمه ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همیشه سفارش کردیم به این که باید وحدت کلمه داشته باشید تا بتوانید یک کاری انجام بدهید. اگر هر کدام یک جناح خاصی باشد، یک طرف خاصی بکشد / و او طرف دیگری بکشد /، این، اولین استفاده اش مال اجانب است. با هم باید متحد بشویم، و اگر با هم متحد بشویم آسیب پذیر نیستیم. اگر بخواهید که اسلام تحقق پیدا بکند، همه آثار شرک و کفر از این مملکت از بین برود، باید این وحدت کلمه و این نهضت را حفظ کنید. اگر چنانچه یک ملتی نخواهد آسیب ببیند، باید این ملت اولا با هم متحد باشد، و ثانیا در هر کاری که اشتغال دارد آن را خوب انجام بدهد. ما یک ارتش جدای از سپاه و سپاه جدای از کمیته و کمیته جدای از بسیج، و همه اینها جدای از عشایر، نداریم، ما برادرهایی هستیم که اسماءشان مختلف است لکن ارواحشان یکی است. تمام قوای مسلح در جمهوری اسلامی، برای مقصد واحد و هدف معین کوشش می کنند، و همه باید به منزله دست واحد علیه مخالفان و معاندان با اسلام و جمهوری اسلامی باشند. انسجامی که امروز بین ملت دلیر و ارتش و سپاه شجاع دیده می شود، در تاریخ ایران و جهان بی سابقه است. ما متحد و نیرومند و آماده نبردیم ; که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و می شویم و ظلم می بینیم. بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینیه است که با تمام نیرو وحدت خویش را حفظ، و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند. برادر باشیم! مخاصمه مال اهل جهنم است. امروز رمز پیروزی شما وحدت کلمه اسم. شما امروز احتیاج دارید به وحدت کلمه، امروز بیشتر از دیروز احتیاج دارید، و فردا بیشتر از امروز. اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد. مطمئن باشید که وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند -چنانچه که می بینید شدند-، هیچ قدرتی نمی تواند آنها شما را عقب بزند. تمام مسلمین با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند ; و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند.

اختلاف و تفرقه

تفرقه از شیطان است، و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است. عزیزان من! از اختلاف که الهام ابلیس است اجتناب نمایید. اگر شما با من و من با شما مقابله کنیم، غیر از این که دیگران سوء استفاده کنند چیزی به دست نمی آید. آن که صدمه بیشتر به ما می زند همین اختلافات داخلی است. کلیه چیزهایی که در آن بوی اختلاف می آید این بلاشکال از شیطان است. قدرتهای بزرگ که مایوس شدند از این که با جنگ و با حمله نظامی بتوانند کاری بکنند، دست به شیطنت زده اند و می خواهند شماها را از هم جدا کنند اختلاف بین شما بیندازند. امروز دعوا کردن انتحار است، خودکشی است. امروز اختلاف خودکشی است. اختلاف از زبان هر کس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان، زبان شیطان است. من به سراسر کشور، به سراسر ملت هشدار می دهم، اگر چنانچه از این اختلاف اندازها پیروی کنند،هر کس باشد، مملکت شما به دامان آمریکا می افتد. از ملی گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی است. امروز در کشور ما ایجاد اختلاف ، ایجاد نفاق بزرگترین معصیت،است. باید دولت، مجلس و قوه قضائیه احساس کنند که یک تکلیف دارند، و آن این که اختلاف نداشته باشند. ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم، و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. اختلاف سلیقه ها را در یک محیط خوب، برادرانه حل کنید. امروز هر مطلب که موجب انحراف ملت شریف از مسیر اصلی است، شیطانی است و با نقشه شیاطین طرح می شود.

آزادی

آزادی یک نعمت بزرگ الهی است. ما مصائب را به خاطر رسیدن ملتمان به آزادی و استقلال تحمل خواهیم کرد. آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد. آزادی را اسلام به ما داد، قدر این آزادی را بدانید و قدر این اسلام را بدانید. اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است. باید ما همه بیدار باشیم، متوجه باشیم به این که از آزادی سوء استفاده نکنیم. اسلام هم آزادی دارد، اما آزادی بی بند و باری نه ; ما آزادی غربی نمی خواهیم. اسلام یک دین مترقی، و دموکراسی به معنای واقعی است. دموکراسی اسلام کاملتر از دموکراسی غرب است. آزادیی که در اسلام است در حدود قوانین اسلام است. آزادی صادراتی آزادیی است که بچه های ما را به فحشا کشاند. آزادی در حدود اسلام است، در حدود قانون است ; تخلف از قانون نشود به خیال این که آزادی است. حفظ کنید حدود اسلام را، از آزادیها سوء استفاده نشود، آزادی در حدود اسلام است. قانون اسلام مسبب آزادیها و دموکراسی حقیقی است، و استقلال کشورها را نیز تضمین می کند. می خواهند آزادی شما را با آزادی سلب کنند، آزادی ناسالم در شما ایجاد کنندو آزادی حقیقی را از شما بگیرند. جلوی آزادی هرگز گرفته نشده است و نمی شود و مردم آزادند، الا آنجایی که بخواهند تباهی بکنند و بخواهند ملت را به عقب برانند. آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. ما آزادیی که اسلام در آن نباشد نمی خواهیم. از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایرانسانهاست. ایران امروز جایگاه آزادگان است.

استقلال و نفی وابستگی

اگر بخواهیم مستقل باشیم، باید مهیا باشیم که با همه چیز مقابله بکنیم. عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. مملکت مملکت خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می کنند همه چیزاز غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم. یک مملکت اگر بخواهد خودش روی پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه ابعاد، چاره ندارد جز این که تفکر این که ما باید از خارج چیز وارد بکنیم را از کله اش بیرون کند. ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم ولی آزاد و مستقل باشیم. این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است، همه اش غرب نیست. ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می دانیم. بزرگترین آرزوی من این است که مردم ایران از چنگال ظلم نجات پیدا کنند، و صاحب کشوری باشند آزاد و مستقل، دارای نظامی اسلامی که در آن حقوق انسانها آنچنان که اسلام دستور داده است رعایت شود، و در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی سرمشق برای همه ملتها باشد. برادرهای من! اگر بخواهید آبرومند بشوید در دنیا و آخرت، و شرافتمندانه زندگی کنید، باید با قدرت و شدت در مقابل دیگران بایستید، و در بین خودتان رحیم و رئوف و دوست باشید. خودتان را مهیا کنید برای ساختن کشورتان ; و ارزش دارد که ما یک ده سال پانزده سال زحمت بکشیم و رنج ببریم و کشورمان مستقل بشود، و از دست و چنگال این گرگهای آدمخوار بیرون کشیده بشود. فرزندان عزیزم! دیگر این شمایید که باید هر چه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید. اگر چنانچه استقامت کنیم، موید و تاییدات الهی هستیم. در راس برنامه ملت و دولت باید استقلال همه جانبه کشور، از قوای انتظامیه گرفته تا قوای تقنینیه و قضایه و اجرائیه باشد. هر کس در هر جا که هست کوشش کند، و کوشش این باشد که ما باید وابسته نباشیم. همت کنید تا آخرین رگ و ریشه های وابستگی این کشور به بیگانگان را، در هر زمینه ای قطع نمایید. این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشا اکثر بدبختیهای ملتها و ملت ماست. اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم همه وابستگیها تمام می شود. شما مردم شریف ایران، در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید، و

توانستیـد با اتکال به خـدای متعال و وحـدت کلمه و مشارکت همه قشـرها بر طاغوت زمان غلبه کنیـد، و پشت ابرقدرتها را بلرزانید. مبـارک آن روزی است که دست اجـانب از ممالک ما، از ممالک اسـلامی کوتاه شود و مسـلمین روی پای خودشان بایسـتند. یک ایران آزاد مـا می خواهیم و یـک ایران مسـتقل ما می خواهیم، یک ایران قدرتمنـد می خواهیم ; یک ایرانی ما می خواهیم که خود ملت بایسـتد و خود ملت اداره کند مملکت را. تا این دو دست ما طرف شـرق و غرب دراز است ما وابسته هستیم، ما که می خواهیم وابسـته نباشـیم بایـد اول بیـدار بشویم به این که ما خودمان هم شخصـیت داریم، ما می توانیم کار انجام بـدهیم. گمان نکنیـد که ما حتما بایـد همه چیزمان را از دیگران بگیریم، نه! شـما به فکر این باشـید که همه چیزتان را خودتان درست کنید. عید مسـلمین وقتی سعید و مبارک هست که مسـلمین خودشان اسـتقلالشان را و مجدشان را، آن مجدی که در صدر اسلام برای مسلمین بود، به دست بیاورند. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصـیتی داریم، مسلمانها هم یک گروهی هستندو شخصیتی دارند و می توانند خودشان هم کار انجام بدهنـد، تا نخواهیم یک کاری را، نمی توانیم ; و تا بیـدار نشویم، نمی خواهیم. بایـد همه ریشه های اسـتبداد و ریشـه های اسـتعمار را از این مملکت بکنیـد. اجازه نمی دهیم کسـی در مقـدرات مملکتمان دخالت کند. احتیاج ما پس از این همه عقب مانـدگی مصـنوعی به صـنعتهای بزرگ در کشورهـای خـارجی، حقیقتی است انکارناپـذیر ;و این به آن معنی نیست که ما بایـد در علوم پیشـرفته، به یکی از دو قطب وابسته شویم. برای ما فرقی بین شرق و غرب نیست، ما با اتکا به خدا و ملت شجاع استقلال واقعی را به دست می آوریم. ملت ایران بدون اتکا به غرب و شـرق می خواهد روی پای خود بایسـتد، و برسرمایه های مذهبی و ملی خود اسـتوار باشد. ملت ایران تصمیم گرفته است که خود را از چنگال استعمار و استبداد نجات دهد، و مستقل و آزاد باشد ;و سیاستهای خود را بر این دو پایه طرح ریزی می کند ; و برای او مهم نیست که چه کسـی این سیاسـتها را می پسـندد و یا نمی پسـندد. ما با هر نوع دخالت خارجی، به هر شـکل، در سـرنوشت ملتهای دیگر مخالفیم و با این دخالتها مبارزه خواهیم کرد. آزادیخواهی و اسـتقلال طلبی شـما در جبین تاریخ ثبت شد. و صیت من به وزرای حارجه در این زمان و زمانهای بعد، آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است،چه در اصـلاح و تحول وزارتخـانه و سـفارتخانه هـا، و چه در یـاست خـارجی حفـظ اسـتقلال و منافع کشور و روابط حسـنه با دولتهایی که قصـد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابسـتگی - با همه ابعادی که دارد - در آن هست به طور قاطع احتراز نماییـد. ما اگر چنانچه بخواهیم اسـلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشـیم. آیا آنهایی که اسـتقلال ملت ما را می خواهند سـلب کنند، آزادی کشور ما و ملت ما را می خواهند از دستش بگیرند، آنها مرتجع هستند، یا آنهایی که می خواهند از زیر بار ظلم خارج بشونـد و مستقل باشـند امیـدواریم که صـلح جهانی بر پایه اسـتقلال ملتها و عـدم مداخله در امور یکدیگر،و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه، بنا گردد. ما روی پای خود می ایستیم و مطمئنا پیروزیم. اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنیـد و آزادی حقیقی پیـدا بکنیـد، بایـد کـاری بکنیـد که در همه چیز خودکفـا باشـید. اسـتقلال مغزی شـرط اول اسـتقلال است، اسـتقلال فکری شـرط اول اسـتقلال است. ملتها خودشان باید در فکر اسلام باشند. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می توانیم در مقابل قـدرتهای بزرگ بایستیم ; این باور اسباب این می شود که توانایی پیـدا می کننـد و در مقابل قدرتهای بزرگ ایستادگی می کنند.

حکومت اسلامی

مـا برای این که وحـدت امت اسـلام را تـامین کنیم، برای این که وطن اسـلام را از تصـرف و نفوذ اسـتعمارگران و دولتهـای دسـت نشانـده آنهـا خارج و آزاد کنیم، راهی نـداریم جز این که تشـکیل حکومت بـدهیم. حکومت اسـلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. و عـده خـدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است. نظام جمهوری اسـلامی ایران با سـرفرازی و قـدرت راه خود را یافته، و با اسـتواری به پیش می رود. جمهوری اسـلامی ایران نباید تحت هیچ شـرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد.

اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیهٔ الله - روحی فداه - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد ; بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می رسد، و محرومان جهان که به اسلام و حکومت اسلامی روی آورده و دل باخته اند مایوس می شوند، و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد. اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد، و به شکست منتهی شود - خدای نخواسته -، اسلام برای قرنها به طاق نسیان سپرده می شود. جمهوری اسلامی از رژیمهای مظلوم جهان است. باید بدانید که اگر - خدای نخواسته - این جمهوری اسلامی شکست بخورد، شکست برای همه مسلمین در همه اعصار است. کشور شما امروز یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان است، باید سعی کنیم این قدرت را حفظ کنیم. اسلام پیشرفته ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفتی نداشته و ندارد. دولت اسلامی قهقراگرا نیست و با همه مظاهر تمدن موافق است، مگر آنچه که به آسایش ملت لطمه وارد آورده و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد

ولایت فقیه

و لایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است. امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند. و لی امر حجت خداست. ملت بی هادی نمی تواند کاری انجام بدهد. من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد. رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ، چیزی نیست که خودبخود ارزش داشته باشد، و انسان را - خدای نخواسته - به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد. اگر یک فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند، از ولایت می افتد. فقیه اگر پایش را اینطور، کج بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند، از ولایت ساقط است. مگر ولایت یک چیزی آسانی است که بدهند دست هر کس. فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند، اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند این فقیه دیگر ولایت ندارد. و لایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می گیرد ; اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می شود. و لایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است، نه به معنای مقام معنوی.

جایگاه و نقش مردم

ملت بود که این نهضت را پیش برد، و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد. ما هرچه داریم از این ملت است، البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند. امروز زمانی است که ملت ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند، و آنها را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند، که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی «هدایت کنندگان تاکنونند». مطمئن باشید که پیروز هستید، و هیچ قدرتی هم نمی تواند با شما مقابله کند برای این که قدرت، قدرت ملت است. یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این، خواهد شد. و قتی ملتی چیزی را خواست کسی نمی تواند مخالفت کند. هیچ قدرتی در مقابل قدرت لایزال ملت نمی تواند پابرجا بماند. ما باید بدانیم که اگر ملتها چیزی را خواستند، تحقق پیدا می کند. سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. هر ملتی باید سرنوشت خودش را، خودش تعیین کند. با اراده ملتها، اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست، غیر ممکن ها ممکن می شود و محالها واقع. ما به نیروی ملت اتکا داریم. جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق. مبدأ نجات از خود ملت است. آگاهی مردم، و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می باشد. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای

رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است فرونشاند. هیچ اسلحه ای با ایمان نمی تواند مقابله کند، هیچ اسلحه ای با قیام ملت نمی توانـد مقابله کند. یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد، این قدرت نمی تواند بایستد. اگر ملت پشتیبان یک دولتی شد، دولت سقوط نمی کند. اگر یک ملتی پشتوانه «حکومتی» نباشد، «این حکومتی» نمی تواند درست بشود. تمام گرفتاریهایی که ما در طول مـدت تاریـخ داشتیم، بهره برداری از جهالت مردم بوده است. امروز روزی نیست که کسـی اتکا به سرنیزه بکنـد، دنیا عوض شـده، ملتها یکی بعـد از دیگری دارنـد بیـدار می شونـد. قـدرتها هرچه هم بزرگ باشـند، وقتی مقابل با ملت می شونـد نمی تواننـد کاری بکنند.

حضور مردم در صحنه

یک کشوری وقتی آسیب می بیند که ملتش بی تفاوت باشند. ملت همه باید حاضر باشند در مسائل سیاسی. مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنـار برونـد همه شـکست می خوریم. من امیـد واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نـداده و نخواهـد داد. حضور شـما مردم مؤمن و از جان گذشـته است که روشـنفکران غرب و شـرق زده را برای همیشه رسوا می کند. حضور شـما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه های ستمگران و حیله گران تاریخ را خنثی می کند. آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشـیم که مردم را در صـحنه نگـاه داریم. اگر ملت بنشـیند کنـار و بخواهـد دولت یـک کاری بکنـد، دولت همچو قـدرتی نـدارد. ملت اسـلام دیگر بیـدار شـد، دیگر نمی نشـیند، اگر من هم برگردم ملت اسـلام برنمی گردد. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران، در سرنوشت خودشان دخالت می کنند.

ملت بزرگ

مردم عزیز ایران، حقـا چهره منور تاریـخ بزرگ اسـلام در زمان معاصـرند. ما همه مفتخریم که در چنین عصـری و در پیشـگاه چنین ملتی می باشـیم. من با جرات مدعی هسـتم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله -، و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسـین بن علی - صـلوات الله و سـلامه علیهما - می باشـند. هر چه در راه این ملت عزیز در طبق اخلاـص بگـذاریم از عهـده شـکر آنـان برنخواهیم آمـد. مردم عـادی مـا اسـلام را پیـاده کرده انـد و تمام زحمات حکومت را متحمل می شوند ; پس ما باید بسیار به فکر مردم باشیم. ملت عزیز ما با قیام دلاورانه خود، و نثار خون فرزندان عزیز خود، نام ارجمنـد خود را در تاریـخ و در صف اول مجاهدان اسـلام ثبت نمود. نام بزرگ ملت ایران، در عالم به رشد سیاسـی ثبت شـد. ملت بزرگ اسلام از محراب مسـجد کوفه تا صـحرای افتخارآمیز کربلا، و در طول تاریخ پرارزش سـرخ تشـیع، قربانیانی ارزشـمند به اسـلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده ; و ایران شـهادت طلب هم از این پدیده سـعادتبخش سعادتمند مستثنی نیست. ملت ما بر بزرگترین قـدرتهای عالم غلبه کرده است ; دست بزرگترین قدرتهای عالم را از مملکت خودش قطع کرده است ; دسـت دشـمنان بشـریت را از کشور خودش قطع کرده است ;الگو شده است از برای همه کشورهای مستضـعفین. خداوند تعالی بر ما منّت نهـاد و رژیم اسـتکبار را بـا دست توانـای خود، که قـدرت مستضـعفین است درهم پیچیـد، و ملت عظیم مـا را ائمه و پیشوای ملتهای مستضعف نمود. انصافا از اول انقلاب تا حالا، آن که کار خودش را صددرصد صحیح انجام داد ملت بود.

حفظ نظام و استمرار نهضت

حفظ این جمهوری اسـلامی از اعظم فرایض است. حفظ نظام از واجبات شـرعیه و عقلیه است. ملت بزرگ اسـلامی مصـمم است به نهضت اسـلامی خود ادامه دهـد و اجـازه دخـالت خیانتکاران را در کشور خود ندهـد. ما برایمان واجب عقلی است، واجب شـرعی

است که در این موقع دنبال بکنیم واین نهضتی که ایران بپا کرده است به آخر برسانیم. به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که بـا جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومنـدتان به دست آوردیـد، همچون عزیزترین امور قـدرش را بدانیـد و ازآن حفاظت و پاسـداری نماییـد. به ملت شـریف ایران وصـیت می کنم که در جهـان، حجم تحمـل زحمتهـا و رنجهـا و فـداکاریها و جـا نثاریهـا و محرومیتها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشـمندی و علو رتبه آن است. و قتی مقصـد الهی شد، راه هر چه مشـكل باشد – چون مقصـد الهی است – بایـد به نظر آسـان باشـد. ما اگر حق را نصـرت ننماییم نبایـد در انتظار نصـرت حق باشـیم. شـما بدانیـد، هر چه تبلیغات دنیا و شـیاطین دنیا بر ضد شما می گویند، دلیل بر قدرت شماست. تا این نهضت هست از هیچ چیز نترسید، و اصلا ترس در دل خود راه ندهیـد. مشـكلات به دنبـال هر انقلابی اجتناب ناپـذیر است، لكن مشـكلاتی نیست كه نشود جبران كرد. بایـد در حفظ دین مقدس و اسـلام عزیز و جمهوری اسـلامی استقامت كنیم، و مشكلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. خدا می داند كه اگر این نهضت شـكست بخورد، تـا آخر دیگر ایران روی خوش به خودش نمی بینـد. اگر ایران شـكست بخورد شـرق شكسـت خورده است. اگر ایران شـكست بخورد مستضـعفین شـكست خورده اند. اگر این نهضت بخوابد، این آتشـی كه در دل مردم روشن شـده است، اگر این بخوابد و این آتش خاموش بشود، دیگر امكان ندارد این نهضت پیدا بشود یا شبیه آن پیدا بشود. اگر به واسـطه بعضـی از جهالتها لطمه ای به این نهضت بزرگ وارد بشود، معاقبید پیش خدای تبارك و تعالی، توبه تان مشـكل است قبول بشود; چون به حیثیت اسـلام لطمه وارد می شود. همه به فكر این خونها به ناحق ریخته باشید، به فكر این معلولین عزیز ما باشید به فكر این آوارگان جنگ باشـید و به فكر پیشـرفت اسـلام ; نه به فكر این كه من بایـد و تو نباید! من هسـتم و تو نیستی!امروز روزی است كه اگر– خـدای نخواسـته – مـا در این نهضت شـكست بخوریم، شـكست خوردیم تـا آخر. ملت بـا تمـام قوا بایـد در مقابـل دسیسه ها مقاومت كنداگر شما گمان كنید كه دیگر پیروز شدید و باید سراغ كسب و كارتان، و بی اعتنا باشید راجع به مقدراتتان، من خوف این را دارم كه شـكست بخورید. امروز هم شـما نباید از كید ساحران و وسوسه خناسان غافل باشـید. قوی باشید! برومند باشید! و از هیاهوی دنیا هیچ وقت به خودتان هراس راه ندهید.

ملی گرایی

این ملی گرایی اساس بـدبختی مسـلمین است. ملی گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملتهای مسـلمین قرار می دهد. از مسائلی كه طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسـلمین طرح، و عمال اسـتعمارگران در تبلیغ آن بپاخاسته اند، قومیت و ملیت است. نقشه قدرتهای بزرگ و وابسـتگان آنها در كشورهای اسلامی، این است كه این قشرهای مسلم را ـ كه خدای تبارك و تعالی بین آنها اخوت ایجاد كرده است، و مؤمنـان را به نام اخوت یاد فرموده است ـ از هم جـدا كننـد و به اسم ملت ترك، ملت كرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جـدا كننـد، بلكه بـا هم دشـمن كننـد، و این درست بر خلاف مسـیر اسـلام است و مسـیر قرآن كریم. اینهایی كه به اسم ملیت و گروه گرایی و ملی گرایی بین مسـلمین تفرقه می اندازند، اینها لشـكرهای شیطان و كمك كارهای به ابرقدرتهای بزرگ و مخالفین با قرآن كریم هستند. نهضت ما اسلامی است قبل از آنكه ایرانی باشد.

احزاب و حزب گرایی

دفاع از اسـلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. امروز تمام مردم ایران در هر سنی كه هستند، از زن و مرد، كه با شـعارهای اسـلامی، مبارزه می كنند جزء حزب الله هسـتند. هر مسـلمانی كه موازین و اصول اسلام را پذیرفته است، و در اعمال و رفتار از انضـباط دقیق شیعی برخوردار است، یك عضو از اعضای حزب الله می باشد ; و تمامی دستورات این حزب و خط مشـی آن را قرآن و اسـلام بیان كرده است. این حزب غیر از حزبهای متـداول امروز دنیاست. این انقلاب برای این كه انقلابی نبوده

است که یک حزبی این انقلاب را درست کرده باشد، یک گروهی این انقلاب را درست کرده باشد، انقلابی بوده است که از متن خود ملت بوده است. این طور نیست که حزب، بد باشد یا هر حزبی خوب باشد ; میزان ایده حزب است. هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم، در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند،و اسلام در تمامی این شئون، حد و مرز آن را تعیین کرده است. اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است، آن که انسان می فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است ; وخدمت به دیگران بعضی از آنها کرده اند. این احزابی که از اول، مثلا شاید از مشروطه به این طرف این احزاب پیدا شده باشد، این احزاب مختلفه خیال نکنید که مِن باب اتفاق یک دسته ای با هم جمع شدند و حزبی تشکیل دادند، این یک نقشه شیطانی بوده. لازم است با کمال قدرت و هوشیاری، اشخاص یا گروه هایی که گرایش به مکتبهای غیراسلامی دارند، و به خوی فرصت طلبی می خواهند در این اوقات از فرصت استفاده نموده خود را در صفوف شما داخل کنند و به شما در موقعش از پشت خنجر بزنند، از خود دور کنید و به آنها مجال تحرک ندهید. از اول عالم تا حال دو حزب بوده است، یکی حزب الهی و یکی حزب غیرالهی و شیطانی، و آثار هر یک هم جدا بوده است.

نظم و قانون

حفظ نظم از واجبات الهی است. همه جامعه نظم لازم دارد، اگر نظم از کار برداشته بشود جامعه از بین می رود. حکومت اسلام حکومت قانون است. همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو بر خلاف رأی شما باشد. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد. شرف و ارزش انسانها در تبعیت از قانون است که همان تقواست. متخلف از قانون، مجرم و قابل تعقیب است. قانون برای اجرا و بر قرارشدن نظم اجتماعی عادلانه، به منظور پرورش انسان مهذب است. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروههایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند، اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم. اگر می خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند، بپذیرید قانون را. در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا، و همه موظفند به آن قانون عمل کنند. در اسلام یک چیز حکم می کند و آن قانون است. زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد، پیغمبر مجری بود. آن نظامی که پایین از بالا اطاعت نمی کند، بالا به پایین ظلم می کند، این توحیدی نیست، این «نظام شیطانی» است نه «نظام الهی». قوانین اسلام قوانین پیشاهنگ و پیشرو هستند. اسلام حکومتش حکومت قانون است، یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت است و حکومت، حکومت تابع قانون است. انتقاد بکنید توطئه نکنید، من با توطئه مخالفم، همه هم مخالفند، ما با تضعیف جمهوری اسلامی (مخالفیم)، تضعیف جمهوری اسلامی یعنی تضعیف اسلام، ما با این مخالفیم. قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است، بالاتر از همه معاصی است. اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند در برابرش قاطعانه بایستید. اختلافات از راه قانون شکنی ها پیش می آید. در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند. امروز ضد انقلاب اسلامی کسی است که آن کاری که مشغول هست، در آن کار سستی کند.

شورای نگهبان

من با نهاد شورای نگهبان صددرصد موافقم، و عقیده ام هست که باید قوی و همیشگی باشد. باید بگویم که حضرات آقایان، فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم ;و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می دانم. شورای محترم نگهبان که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تایید این جانب می باشد ;و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است، و

باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است. به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشید، و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید، و به خدای متعال اتکال کنید. از شورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم - چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده - که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا کنند و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند، و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند ; و با ملاحظه ضرورات کشور، که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

انتخابات و مجلس

مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند. اگر در انتخابات مسامحه کنیم، مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می زنند. و صیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخابات رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند. انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه هاست، انتخابات مال همه مردم است. ملت است که با رای خودش رئیس جمهوری تعیین می کند، جمهوری اسلامی را رای می دهد ; و با رای خودش که متمرکز است در مجلس، دولت را تعیین خواهد کرد ; و همه امور دست خود ملت است. این تکلیف آقایان است که راجع به مسائل اسلامی که پیش می آید، چه وکیل بخواهید تعیین بکنید و چه - عرض بکنم که - رئیس جمهور بخواهید تعیین کنید، باید در صحنه باشید، عذری ندارید که بروید و کنار بنشینید. باید توجه داشت که هدف از انتخاب در نهایت، حفظ اسلام است. اگر درتبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می شود همه شما، همه ما،زن و مرد، هر مکلف همان طور که باید نماز بخواند، همان طور که باید سرنوشت خودش را تعیین کند. عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست! در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوقها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید. امروز مسئولیت به عهده ملت است، ملت اگر چنانچه کنار بنشینند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد بنشینند و اشخاصی که نقشه کشیده اند برای این مملکت، از چپ و راست، آنها وارد بشوند در مجلس، تمام مسئولیت به عهده ملت است. نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد. باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی خیانت به اسلام و کشور است، و موجب مسئولیت عظیم است. مجلس در راس همه امور واقع است. مجلس خانه واقعی ملت است. این مجلس ماحصل خون یک جمعیتی است که وفادار به اسلام بوده اند. این مجلس فراهم آمده از الله اکبرهای مردم است. سر تسلیم به مجلس یعنی سر تسلیم به اسلام. در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد. مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد مجلس در راس همه ارگانها واقع است ; و مجلس ملت است که متبلور شده است و تحقق پیدا کرده است در یک جای محدود. علاقه مندم که قداست مجلس معظم و وکلای محترم محفوظ باشد تا الگویی باشند برای مجلسهای جهان. حیف است که چهره نورانی مجلس، در آن یک چیزهایی واقع بشود که مخالف زی شما آقایان است. توجه داشته باشند، رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات، که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنه گان را نمی توانند بفهمند. اشخاصی که انتخاب می شوند واقعا منتخب ملت باشند. مردم را توجه بدهید به این که شما می خواهید اسلام را حفظ کنید ; باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند. من متواضعانه از شما می خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید، و اشخاصی اسلامی،

متعهد، غیرمنحرف از صـراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید. باید درست متوجه باشید و اشخاصی که انتخاب می کنید سوابقشان را مطالعه کنید، بدانید... در زمان سابق چه جور بودند، در زمان انقلاب چه جور بودند ، از اول انقلاب تا حالا چه جور بودند و سوابق خانوادگیشان چه هست، عقایـدشان چه هست و مقـدار معلوماتشان چه هست. امید است ملت مبارز متعهد، به مطالعه دقیق در سوابق اشـخاص و گروهها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند، و از تمایلات چپ و راست مبرا باشـند، و به حسن سابقه و تعهـد به قوانین اسـلام و خیرخواهی امت، معروف و موصوف باشـند. افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام بوده شرقی و غربی نباشند، و بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند. من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ، و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید. و کیلهایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام، وفادار هسـتند به کشور خودشان، خـدمتگزار هسـتند و شـما و به کشور، آن اشـخاص را انتخاب کنند و به در مجلس بفرسـتند. باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی آیـد. مسئولیت مجلس به عنوان یک مرشـد و هدایت کننده برای مردم، زیاد است. دنبال این باشـید که یک مجلس قوی قانونگذاری داشـته باشیم تا بتوانند مملکت را به راه راست ببرند. مجلس خوب همه چیز را خوب می کند، و مجلس همه چیز را بد می کنـد. مجلس است که اسـاس یـک کشور را به صـلاح می کشـد، یـا اسـاس یـک کشور یک مجلس را رو به فساد می برد. آن روزی که دیدیـد و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد ; انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی در کشور، در وزیرها پیـدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت این که شـکست بخوریم خودنمایی کرده ; از آن وقت باید جلویش را بگیرند. آن روزی که مجلسـیان خوی کاخ نشـینی پیدا کنند - خدای نخواسـته -، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که مـا برای این کشـور بایـد فـاتحه بخوانیم. اگر در این نظام کسـی یـا گروهی - خـدای نـاکرده - بی جهت در فکر حـذف یا تخریب دیگران برآیـد، و مصـلحت جناح و خط خود را بر مصـلحت انقلاب مقدم بدارد، حتما پیش از آن که به رقیب یا رقبان خود ضربه بزنند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حسابهایی که خودتان با هم داریـد صاف کنیـد، اگر یک همچو کاری بشود این انحراف است، و غصب است آن محل برای شـما. اگر انحراف پیدا کنید بر خلاف ملت، خیـانت کرده ایـد به وکـالتی که داریـد. انتقـاد و استیضـاح حق مجلس است. فرقهـاست بین نظارت و استیضاح و بین عیبجویی و انتقامگیری، و این فرق را همه کس پس از رجوع به وجـدان خویش می فهمد. هیچ کس حق ندارد که راجع به مجلس جسارتی بکند ; و مجلس حقش است که موافق و مخالف داشته باشد.

قوه قضائیه و قضات

اهمیتی که اسـلام به قضاوت داده است، به کمتر چیزی داده است. مساله قضا یک مساله مهمی است که سـر و کارش با همه حیثیت کشور است. قوه قضائیه اگر از روی موازین اسـلامی - انسانی رفتار کنـد، کشور را می توانـد نجات دهـد. در دست قوه قضائیه همه چیز اسـت، جـان مردم است، مـال مردم است، نـوامیس مردم است، همه در تحت سیطره قـوه قضـائیه است. و قاضـی اگر چنـانچه - خـدای نخواسـته - نالایق باشـد، ناصـحیح باشـد، این در اعراض و نفوس مردم سـلطه پیدا بکند، معلوم است که چه خواهد شد. قوه قضائیه بایـد توجه بکند که سـر و کارش با جان و مال مردم است و نوامیس مردم، سـر و کار این با آنهاست ; و باید افراد صالح در آن جـا باشـند، سـالم باشـند و توجه بکننـد که خطای قاضـی بزرگ است، عمـدش مصـیبت بار است، خطایش هم بزرگ است. در صورتی که حکمی از قضـات صادر شـد... احـدی حق دخالت در امر قضا را نـدارد ; و دخالت کردن خلاف شـرع، و جلوگیری از حکم قضات هم بر خلاف شـرع است. اعراض مردم دست قضات است ; بایـد آنها را، هم تعلیم کنند و هم تربیت کنند. قاضـی اگر چنانچه در حال غضب باشد نباید حکم بدهد، برای این که حکم در حال غضب حکمی است که از منشا عقلی و شرعی صادر نمی

شود. قاضـی امروز مسـئول حیثیت اسـلام است، مسـئول حیثیت جمهوری اسـلام است، و مثـل قضات در طول تاریـخ نیست که فقط مسئول باشد نسبت به قضاوتی که در مورد شخصی می کرد. در اجرای حدود نباید از آن حدودی که حق تعالی فرموده است پایینتر عمل بشود و نبایـد زیادتر. مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می رود، جز اجرای حـد شـرعی احـدی حق آزار او را، لفظا و عملا، نـدارد و مرتکب، خود ظـالم است. بایـد زنـدانها محـل تربیت باشـد، بایـد مردم را در زنـدانها تربیت کرد، زنـدان خودش یک تربیتگاه باید باشد. دستور اسلام، رحمت بر اسیران است گرچه ظالم و جاسوس باشند. قاضی و قوه قضائیه مستقل است و هیچ کس نباید در آن دخالت بکند.

دولت و دولتمردان

بدبختی و خوشـبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن، صـلاحیت داشتن هیات حاکمه است. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهـد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند. دولت و اتباع دولت خـدمتگزار به ملت هسـتند نه آقای ملت، خدمتگزارنـداینها. دولتها خدمتگزار مردمند. اسـلام حکومت به آن معنا ندارد، اسـلام خدمتگزار دارد. شکر این نعمت به این است که ما مردم را شریک بزرگ بدانیم. در این حکومت، حکومت نیست باید همه خدمتگزار باشیم. اسلام می خواهد که دولتها خدمتگزار ملتها باشند. دولتها یک اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند؛ و اینها نمی فهمنـد که دولت خدمتگزار ملت باید باشد، نه حاکم بر ملت. ما باید ببینیم که این ملتی که ماها را به این مقامها رسانده انـد از ما چه می خواهنـد، و ما بایـد برای آنها چه بکنیم. همه فکر این باشـید که خدمتگزار پیدا کنید، خدمتگزار به کشور و اسـلام پیـدا کنیـد، نه خدمتگزار به خودتان. هر عملی که ارزشـش بیشتر باشد مسـئولیتش سـنگینتر است. برای محرومین دولت واقعا باید با تمـام قـدرت آن طوری که علی - علیه السـلام دل می سوزانـد، این هم با تمام قـدرت دل بسوزانـد برای محرومین. خـدمت به خلق خـدمت به خـداست. شـرافت همه ما به این است که خـدمت به خلق خـدا بکنیم. به وزرای کشور در طول تاریخ آینده، توصـیه می کنم که در انتخاب اسـتاندارها دقت کنند، اشـخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشـد. شـما به پشتیبانی ملت احتیاج داریـد. با پشتیبانی مردم، خصوصا طبقات محروم بود که پیروزی حاصـل شد و دست رژیم سـتمشاهی از کشور و ذخایر آن کوتاه گردید. اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شـماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی سـتمکار، به جای شـما ستم پیشه گان پستها را اشغال می نمایند. اکیدا از مقامات رسمی خواستارم تا به کمک یکـدیگر مشـکلات کشور را حل نمایند، و برادرانه با یکدیگر همکاری نمایند. برای بازرسـها امانت از امور بسیار لازم است ؛ آنهایی که در شـغل بازرسـی هستند آنها باید امین باشند. هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق خدا می داند، کناره گیری او، پشت کردن به خلق و خدای خلق است. در این زمان هر کس در هر شغلی که به او پیشنهاد می شود، اگر شایستگی ندارد برای آن شغل، برای او صحیح نیست و جایز نیست که در آن شغل وارد بشود، و اگر شایستگی دارد برای آن، برای او صحیح نیست که شانه خالی کند. همه مردم، همه انسانها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند. الله الله در انتخاب اصحاب خود ؛ الله الله در تعجیل تصـمیم گیری، خصوصا در امور مهمه. تضـعیف هر قشـر از اقشار و هر شخص از اشخاص که امروز مشغول به کار هستند و مشـغول یک خدمتی هسـتند، کمک کردن به دشـمنهای اسـلام است. اگر به واسـطه سوء مدیریت و ضـعف فکر و عمل شـما، به اسـلام و مسـلمین ضـرری و خللی واقع شود - و خود می دانیـد و به تصـدی ادامه می دهیـد - مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شـده ایـد که به واسـطه آن عـذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. اگر چنانچه هیات حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشـند مملکت را به فساد می کشند. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه، از مجلس بگـذرد و شورای نگهبان آن را تنفیـذ کند و وزیر مسـئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را

مسخ کنند. خیال نکنند که ما دولت هستیم و باید مساله ای را که ما طرح می کنیم ملت بپذیرد، چه روی مصالحش باشد چه نباشد. اگر یاس از حکومت اسلامی باشد و انفجار پیدا بشود، هیچ چیز نمی تواند جلویش را بگیرد. هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیما در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند، و او باید جواب قانع کننده دهد، و در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبخود از مقام زمامداری معزول است. ای دولتها! فتح کشور مهم نیست، فتح قلوب مهم است. در رفتار عدالت داشته باشید، در گفتار عدالت داشته باشید، تشریفات را کم کنید و این ملت را خدمتگزار باشید. اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. شکر نعمت این است که ما به جای صحبت عمل کنیم. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی - که آمال همه است - برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلسی هست، در مجلس هست، همه اینها را توجه بکنندکه مبادا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا، و به اصطلاح خودشان مرفه، به آن طبقه برسد. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که از مرتبه متوسط می غلطید به طرف مرفه ، و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکین پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و این طور افرادی که به تدریج ممکن است یک وقتی - خدای نخواسته- پیدا بشوند، آنها را سر جای خودشان بنشانند.

سیاست خارجی

ما با حفظ استقلال، با تمام کشورها روابط دوستانه خواهیم داشت. ما روابط دوستانه با همه ملت ها داریم، و دولت ها هم اگر با ما به طور احترام (آمیز) رفتار کنند، احترام متقابل را داریم. سیاست خارجی ایران با همه دول بر حسب احترام متقابل است و هیچ فرقی بین دول در این باره نیست. ما با تمام دولتها در صورتی که دخالت در امور داخلی ما نکنند و برای ما احترام متقابل قائل باشند، با احترام رفتار می کنیم. را بطه با کشورهای خارجی که نمی خواهند ما را ببلعند باید باشد. با آنها که می خواهند از طریق روابط، ما را وابسته بکنند هیچ لزومی ندارد، و باید با احتیاط با آنها برخورد شود. ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر قطبی که مظلوم باشد ما طرفدار آنها هستیم. ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. تکلیف اسلامی مسلمانان است که اگر کسی مظلوم واقع شد، باید به آنان کمک کرد. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. ما با هر نوع معامله ای که مصالح مسلمین را آسیب برساند مخالفیم. و قتی ما خدمتگزار ملت شدیم ملت هم پشتیبان ما خواهد شد، و در این صورت است که طمع خارجیها قطع خواهد شد. ما با ملتها مخالفتی نداریم، ما با دولتهایی که ظالم هستند، چه به ما ظلم کرده باشند و چه به برادران مسلمان ما ظلم کرده باشند و بکنند، با آنها دشمن هستیم. حاضر نیستیم که دولتی بخواهد مبادلات اقتصادی را اهرمی برای نفوذ سیاسی و تحمیل اغراض استعمارگرانه خود قرار دهد. دنیا دیگر وضعش جوری شده است که نمی تواند قبول کند که همه «بنده» باشند و یک عده «آقا» باشند. ما در روابطمان با سایر کشورها، همچنان که ظلم را نمی پذیریم به کسی هم ظلم نمی کنیم. را بطه بین یک ملت بپاخاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی، با یک چپاولگر عالمخوار همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما با هر کشوری که بخواهد ظلم کند مخالفیم، حال این کشور چه در غرب باشد و چه در شرق. امروز کشوری که غیر متعهد است ایران است، یک کشور دیگر پیدا نمی کنید که «غیرمتعهد به معنای واقعی اش» باشد. هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی محابا و بدون هیچ ملاحظه ای او را از صفحه روزگار براندازید! دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما نمی توانیم حساب خودمان را از حساب سایر مسلمین جدا کنیم. اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است. اهتمام به امور مسلمین از فرایض مهمه اسلام است. ما امیدواثق داریم که ملل اسلامی در آتیه نزدیکی بر استعمار چیره شوند، و ما در موقع خود ـ به خواست خدای تعالی ـ از هیچگونه فداکاری دریغ نمی کنیم. حکومت ما

حکومت مستقل است، و در صورتی که کشورها دخالتی در امور داخلی ما نداشته باشند، ما با آنها روابط دوستانه داریم.

وزارت امور خارجه و سفارتخانه ها

و زارت خارجه تنها وزارتخانه ای است که با اسلامی شدنش، بیشتر از سایروزارتخانه ها می تواند موجودیت اسلامی ما را به خارج نشان دهد. این وزارتخانه از سایر وزارتخانه ها حساسیت بیشتری دارد، برای این که سر وکارش با تمام ممالک دنیاست. مسئولیت وزارت خارجه، به مناسبت سر و کار داشتنش با خارج، بسیار سنگین است ; لذا سعی کنید به هر مقداری که امکان دارد سفارتخانه هایتان را در مسیررشد و ترقی و تعالی اسلامی قرار دهید. و قتی مردم به سفارتخانه های ما می آیند باید وضع ایران را ببینند، نه وضع آمریکا و فرانسه و سایر کشورها را. اگر افراد و وضع سفارتخانه و کیفیت اداره و برخوردها در سفارتخانه ها، باجمهوری اسلامی مطابقت نداشته باشد، نبود سفارتخانه بهتر از بود آن است. باید سفارتخانه های ما یک مرکز تبلیغات باشد. نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور، باید با نظام اسلامی کاملا تطبیق کنند.

دولتهای کشورهای مسلمان

بدبختی دولت اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. باید دولتهای منطقه بدانند که در وقت گرفتاری آنان، آمریکا و هیچ قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد. من بیش از بیست سال در خطابه هایم، در گفتارم، به اینها توصیه کردم به سران دولتها که این اختلافات محلی جزئی را کنار بگذارند و برای اسلام و برای پیشبرد اهداف اسلام با هم همفکری کنند و با هم اتحاد داشته باشند. مشکل اسلام دولتهای اسلامی است نه ملتها.

قدس و فلسطین

بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است. همه باید بدانند که هدف دولتهای بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال فلسطین پایان نمی پذیرد، آنها در این نقشه اند که - پناه بر خدا - تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند. آیا سران قوم نمی دانند و ندیده اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمندو جنایتکاران تاریخ،قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد، و هر روزبر جنایات و ستمگریها افزوده خواهد شد. ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر قطبی مظلوم باشد ما طرفدار آنهاهستیم، و فلسطینیها مظلوم هستند و اسرائیلیها به آنها ظلم کرده اند، از این جهت ما طرفدار آنها هستیم. ما از مبارزات برادران فسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملا پشتیبانی می نماییم. ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولا هیچ آزاده ای اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد ; و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود. باید همه بپاخیزیم و اسرائیل را نابود کنیم، و ملت قهرمان فلسطین راجایگزین آن گردانیم. روز قدس که همجوار شب قدر است، لازم است که در بین مسلمانان احیا شود ومبدا بیداری و هشیاری آنان باشد. مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند. این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران، شاه راو در بیت المقدس، غاصبین را به نومیدی کشاند. اصولا این تکلیف همه مسلمین است که قدس را آزاد کنند و شر این جرثومه فسادرا از سر بلاد اسلامی قطع کنند. مساله قدس یک مساله شخصی نیست، و یک مساله مخصوص به یک کشور و یایک مساله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست ; بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده. قدس متعلق به مسلمین است و باید به آنان برگردد. روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملتهای مستضعف معلوم شود. روز قدس یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز قدس روزی است که

اسلام را باید احیا کرد. روز قدس روز حیات اسلام است. روز قدس که آخرین روزهای شهرالله اعظم است سزاوار آن است که همه مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرتها رها شده و به قدرت لایزال الله بپیوندند.

رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل)

من طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او را، برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولتهای اسلامی یک انفجار می دانم. دولت غاصب اسرائیل با هدفهایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطرعظیم دارد. برادران و خواهران باید بدانند که آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند. خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می کشاند. ملتهای برادر عرب، و برادران لبنان و فلسطین بدانند که هر چه بدبختی دارنداز اسرائیل و آمریکاست. نسبت به اسرائیل، مسلم است که ما به یک دولت غیرقانونی و غاصب و متجاوزبه حقوق مسلمین و دشمن اسلام، هیچ گونه کمکی نخواهیم کرد. اسرائیل از نظر اسلام و مسلمین و تمامی موازین بین المللی غاصب و متجاوزاست ; و ما کمترین اهمال و سستی را در پایان دادن به تجاوزات او جایزنمی دانیم. کرارا گفته ام و شنیده اید،اسرائیل به این قراردادها اکتفا نمی کند و حکومت اعراب را از نیل تا فرات غصبی می داند. اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند. از اسرائیل، این دشمن اسلام و عرب جانبداری نکنید، که این افعی افسرده اگردستش برسد بر صغیر و کبیر شما رحم نمی کند. بر همه آزادیخواهان جهان است که با ملت اسلام هم صدا شده، تجاوزات غیرانسانی اسرائیل را محکوم نمایند. ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست. ما اسرائیل را رد خواهیم کرد و هیچ رابطه ای با او نخواهیم داشت ; او دولت غاصب است و با ما دشمن. من به جمیع دول اسلام، و مسلمین جهان در هر جا هستند اعلام می کنم که ملت عزیزشیعه از اسرائیل و عمال اسرائیل متنفرند، و از دولتهایی که با اسرائیل سازش می کنند متنفر و منزجرند. ما با اسرائیل چون غاصب است و در حال جنگ است با مسلمین، روابطی نخواهیم داشت. اسرائیل حقوق مردم عرب را غصب کرده است، با او مخالفت خواهیم کرد. اسرائیل در حال جنگ با مسلمین است و غاصب سرزمینهای برادران ما می باشد،ما به آن نفت نخواهیم داد. اسرائیل مطرود ماست; و ما برای همیشه نه نفت به او می دهیم و نه آن را به هیچ وجه به رسمیت می شناسیم. تا ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه های آنان، خصوصااسرائیل غاصب قیام نکنند،دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهدشد. اسرائیل غاصب است و هرچه زودتر باید فلسطین را ترک کند. و تنها راه حل این است که برادران فلسطینی هر چه زودتر این ماده فساد را نابود گردانند وریشه استعمار را در منطقه قطع کنند، تا آرامش به منطقه بازگردد. و ظیفه ملت غیور ایران است که از منافع آمریکا و اسرائیل در ایران جلوگیری کرده، و آن را مورد هجوم قرار دهند. دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیاردارند، به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کنند. لازم است بر دول اسلامی خصوصا بخصوص بر سایر مسلمین عموما، که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی، با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود.

آفریقای جنوبی

امروز آفریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند. امروز کشورهای آفریقایی مسلمان ما زیر یوغ آمریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می زند. آفریقای جنوبی تا به این وضعی که دارد خاتمه ندهد، ما با او رابطه ای نمی توانیم برقرار کنیم، و نفت هم به او نخواهیم داد. آفریقای جنوبی... رژیم نژادپرستی است که به هیچ وجه به هیچ یک

ازارزشهای انسانی ارج نمی نهد، و اصولاً رژیمی است سفاك و جنایتکار. فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان آفریقاست ; فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست رامی خوردند.

مستکبرین و ابرقدرتها

ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است ; و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند. ما آن صدمه ای که از قدرتهای بزرگ خوردیم، باید بگوییم که بالاترین صدمه، صدمه شخصیت بوده. امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرتها هستند. تمام گرفتاریهایی که ملتها پیدا کردند، از دست این ابرقدرتهاست. تمام مقصد این جنایتکارها رسیدن به یک نقطه است، قدرت ; قدرت برای کوبیدن هر کسی که در مقابلشان است. بر روشنفکران است که هرچه بیشتر در رسوایی ابرقدرتها و قدرتها بکوشند. بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب، که غایت آمالشان دست یافتن برکشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در موقع گرفتاری تنها می گذارند ; وکلمه وفا در قاموس آنان راهی ندارد. متحد شوید که در سایه اتحاد پیروزیتان بر ابرقدرتها حتمی است. حق گرفتنی است ;قیام کنید و ابرقدرتها را از صحنه تاریخ و روزگاربراندازید. قدرتهای جهان بدانند امروز مثل دیروز نیست که با یک تشر، ملتها چون دولتهااز میدان عقب نشینی کنند. ما هیچ خوفی از ابرقدرتها نداریم، و در عین حالی که دستمان از همه آن سلاحهای آدمکش کذایی کوتاه هست، لکن ایمانمان ما را وادار می کند که نترسیم وخوف نداشته باشیم. مقصد یک مقصد است و آن شکست ابرقدرتهاست. و ظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم، و قدرت ایستادن هم داریم. ما به ابرقدرتها آن قدر سوءظن داریم که اگر یک مطلب راستی هم بگویند، ماعتقادمان طوری می شود که برای مصلحتی گفته اند که مردم را اغفال کنند. امروز روز مخالفت همه جانبه ابرقدرتهاست با این ملت، در همه مظاهراسلامی اش ; و ما باید بیدار باشیم و توجه داشته باشیم تبلیغات اینها برای ماضررش بیشتر از جنگهاست. هدف اصلی دولتهای استعمارگر محو قرآن، اسلام و علمای اسلام است. آن روز مبارك است بر ما که سلطه جهانخواران بر ملت مظلوم ما و بر سایرملتهای مستضعف شکسته شود، و تمام ملتها سرنوشت خودشان را به دست خودشان بگیرند. این سیلی که ابرقدرتها از ایران خوردند، از اول عمرشان تا حالا نخورده بودند.

ماهیت دولت آمریکا

ما آن قدر صدمه که از آمریکا دیدیم از هیچ کس ندیدیم. سلطه آمریکا تمام بدبختیهای ملل مستضعف را به دنبال دارد. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا می گوید که ما در منطقه منافع داریم، چرا باید او در منطقه ما منافع داشته باشد چرا باید منافع مسلمین منافع آمریکا باشد ملل اسلام، از اجانب عموما و از آمریکا خصوصا متنفر است. دنیا بداند که هر گرفتاریی که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است، از آمریکاست. مهمترین و دردآورترین مساله ای که ملتهای اسلامی و غیراسلامی کشورهای حت سلطه با آن مواجه است، موضوع آمریکاست. همه گرفتاری هایی که ما داریم از دست آمریکا داریم. همه مصیبت ما زیر سر آمریکاست. آمریکا شماها را برای نفتتان می خواهد، آمریکا شما را برای این می خواهد که بازار درست کند، که نفتتان را ببرد و بنجلها را بیاورد به شما بفروشد. دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان – صلی الله علیه و آله وسلم – ابرقدرتها، خصوصا آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است. آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده،و همپیمان او صهیونیسم صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود، جنایاتی مرتکب می شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند. تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل

است. رئیس جمهور آمریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. احساسات ایرانیان علیه ملت آمریکا نبوده، بلکه علیه دولت آمریکاست.

مبارزه با آمریکا

هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را امروز آمریکا می داند. اسلحه های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگرمنحرف، و به سوی دشمنهای انسانیت که در راس آنها آن آمریکاست نشانه بروید. ما اعتقادمان این است که بایدمسلمین با هم متحد بشوند و تودهنی بزنند به آمریکا ; و بدانند که می توانند! ما دنبال این نیستیم که آمریکا برای ما کار بکند، ما آمریکا را زیر پامی گذاریم. اگر معنای ضدیت با آمریکا این است که ما نمی خواهیم وابسته به آمریکاباشیم، آری ما ضد آمریکایی هستیم و اگر ترس آمریکا از این است، آری بایدبترسند. دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست، که می خواهندحیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع بکنید. آن داغی که به دل آمریکا وارد شده است به واسطه این نهضت، به دل هیچ کس وارد نشده است. ما جرممان این است که با آمریکا مخالف هستیم. اگر ما همه از بین برویم بهتر است از این که ذلیل باشیم زیر دست صهیونیسم،و زیر دست آمریکا. ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید بخود آیید، و از هیاهوهاو عربده آمریکا و سایر زورمندان نهراسید، و جهان را بر آنان تنگ کنید. آمریکا در مقابل مسلمین نمی تواند خودنمایی کند. آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. این نزاعی که، مبارزه ای که الان بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما وآمریکا نیست، بین اسلام است و کفر. الآن در راس همه مسائل اسلامی ما قضیه مواجهه با آمریکاست. امروز اگر قوای ما از هم منفصل شوند به نفع آمریکاست، و الآن دشمن آمریکاست و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. خوشوقتی کامل ما آن روزی است که سلطه همه استعمارگران شرق و غرب، وبخصوص آمریکای جهانخوار از سر مسلمانان قطع شود. آمریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را ; و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم ; دولت آمریکا مفهوم شهادت رانمی فهمد. ما یقین داریم اگر دقیقا به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.

رابطه با آمریکا

روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است، روابط یک غارت شده با یک غارتگر است. ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم. آنهایی که خواب آمریکا را می بینند خدا بیدارشان کند. آن روزی که آمریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت. ما نمی خواهیم آمریکا سرپرست ما باشد، ما نمی خواهیم همه منافع ملت راآمریکا ببرد. مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف آمریکا، که شما نان ما رابدهید. با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد. آمریکا و شوروی اگر دخالت در امور داخلی ما نکنند و با ما روابط حسنه داشته باشند، با آنها روابط برقرار خواهیم کرد.

غرب و غربزدگی

باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست. ما پیشرفتهای دنیای غرب را می پذیریم ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می کنند، نه! غرب پیشرفتهایی که دارد پیشرفتهای مادی است دارد و دنیا را به صورت یک جنگنده، به صورت یک وحشی بار می آورد. تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده. ما باورمان آمده

است که همه چیزها در غرب است، خیر! آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است. تا ما از آن غربزدگی درنیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم، نمی توانیم مستقل باشیم، نمی توانیم هیچ داشته باشیم.

مشرق زمین

شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. شرق باید بیدار بشود، باید حساب خودش را از غرب جدا کند، تا آن قدرکه می تواند ؛ اگر می توانست باید تا آخر جدا کند، حالا که نمی شود، تا آن قدرکه می تواند جدا کند، لااقل فرهنگش را نجات بدهد.

کمونیسم

از اول پیدایش کمونیسم،مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب ترین و انحصارطلب ترین حکومتهای جهان بوده و هستند. برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد.

سازمانهای بین المللی و حقوق بشر

ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تادیب، تحسین و تاییدمی شوند. این سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر به جای این که ظالم را محکوم کنند، مظلومهارا محکوم می کنند. این دستگاههایی که برای حقوق بشر درست کردند، تمام دستگاههایی است که برای چپاول بشر است. این همه جنایت می کنند، این همه کشورها را به خون می کشند، و ادعا می کنند که ما نمی توانیم ببینیم که حقوق بشر از بین می رود. ما می خواهیم مطابق اعلامیه حقوق بشر عمل بکنیم، ما می خواهیم آزاد باشیم، مادر مملکتمان استقلال می خواهیم، آزادی می خواهیم. این ملت و هر ملتی حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خودش را، این از حقوق بشر است که در اعلامیه حقوق بشر هم هست. اینها از حقوق بشر صحبت می کنند و بر خلاف آن بشر عمل می کنند ؛ اسلام هم حقوق بشر را محترم می شمارد و هم عمل می کند.

جنگ و دفاع

در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن، آمادگی لازم رزمی راداشته باشد. ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. مبارزات کشور ما عقیدتی است و جهاد در راه عقیده، شکست ناپذیر است. باید با قدرت به پیش برویم و با قدرت، با همه کسانی که به ما می خواهندتجاوز و تعدی کنند مبارزه کنیم. ما می گوییم، تا شرک و کفر هست مبارزه هست، و تا مبارزه هست ماهستیم. تنها در سختیها و گرفتاریها و حقگوییها در مقابل قدرتهای شیطانی است که مدعیان لاف زن از متعهدان بی سر و صدا، و خالصان فداکار از مغشوشان ریاکارمتمایز می شوند. قدرت نظامی و سلاحهان مدرن هرگز نمی تواند با خشم انقلابی و مقدس ملتها مقابله کند. اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند، هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی آید ؛ و یا اگر احیانا پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته شده و ناکام خواهد ماند. اسلام وقتی هم که جنگ می کرد، جنگ کردنش مثل جنگ کردن های کشورگشاهانبوده است که بخواهد یک کشوری را بگیرد، اسلام می خواسته آدم درست کند. ذکر فداکاریها و مجاهدات مجاهدین صدر اسلام، نه تنها در امروز بلکه تا ابداسلام را زنده نگه می دارد. در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید، هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. آن مذهبی که جنگ در آن نیست ناقص است. ما را نترسانید از این که نظامی می آوریم، ما نظامیهای شما را دفنشان

می کنیم. ما برای میهن عزیزمان، تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می کنیم، و پیروزی ما حتمی است. آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان، با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه اند. خدا به ما تکلیف کرده است که با این مخالفین اسلام و مخالفین ملت اسلام مبارزه کنیم. ما تا آخرین نفس ایستاده ایم. تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم. دفاع از مملکت اسلامی،دفاع از نوامیس مسلمین، از واجبات شرعیه الهیه ای است که بر همه ما واجب است. دفاع هم یک حق مسلمی است که اسلام و غیراسلام برای انسان قائل است. باید هشیار باشید که نباید ما دشمن را خوار و ضعیف بشماریم. با اتکال به خدای قادر مجهز شوید به سلاح و صلاح، که خدای بزرگ با شماست.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم. ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. ما برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم. این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی بود که مااز آن غافل بودیم. ما در جنگ ریشه های انقلاب پربار اسلامیمان را محکم کردیم. البته دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی واجب است ; و ما به حسب امر خدادفاع کردیم از خودمان و دفاع کردیم از اسلام. جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد. جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد، در مقابل اسلام احساس ذلت کنند. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود، و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.

روابط و ضوابط

قوای انتظامی - نظامی و سپاه پاسداران ما مجهز به قوه الهی هستند، سلاحشان الله اکبر است ; و هیچ سلاحی در عالم مقابل همچو سلاحی نیست. ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما، پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده، و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند. شما ارتشیان و پاسداران،بسیج، ژاندارمری و شهربانی و تمامی نیروهای مردمی مسلح و تمامی مردمی که جانتان را برای اسلام و ایران فدا می کنید، بهوش باشید که اسلام را معیار حرکتهای خود قرار دهید. آن قدری که در ارتش و در سپاه و در قوای مسلح دیگر اخلاق کریمه لازم است، شاید در جای دیگری به آن اندازه لازم نباشد. آن پاسدار و آن ارتشی که در سنگر خودش نماز شب بخواند، این ارتشی مثل شیر مقاومت می کند. عدم مراعات انضباط سربازی و پاسداری موجب تضعیف قوای مسلح است. اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است، واجب است به حسب حکم اسلام، و تخلف حرام است. ارتشی اگر نظم نداشته باشد ارتشی نیست. در هیچ قوای مسلح مطلقا، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگهدارند. هر کس در یک حزب و گروه وارد شد، باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود. شما باید سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود، که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود جهات نظامی آن از بین می رود. من به سران ارتش امر می کنم به این که باید در ارتش مسائل سیاسی طرح نشود. و رود در امور سیاسی همان و حیثیت ارتش از بین رفتن همان! ارتش باید پاسدار استقلال و امنیت کشور باشد.

بسیج

لشکر مخلص خداست. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم ; و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. حقیقتا اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری، و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، یقینا از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملتهای مسلمان عالم باشد; و قرن پانزدهم قرن شکستن بتهای بزرگ، و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه، و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری،وقرن انسانهای متعهد به جای آدمخواران بی فرهنگ باشد.

سپاه پاسداران

نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود. ای کاش من هم یک پاسدار بودم. شما آینه مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد، و تاریخ مصور انقلابید. روز مبارک سوم شعبان المعظم روز پاسدار است، و روز تحقق پاسداری از اسلام،از حقیقت، از مکتب الهی ; روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مکتب را زنده کرد. ای پاسدارهای عزیز! و ای سربازهای اسلام! در هر جا هستید از خودتان هم پاسداری کنید، تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نایل شوید. درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهای گره کرده خویش انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند. اگر سپاه نبود کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم، چشم من به شماست، شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید. من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما برنمی گردد. شما یادگاران و همسنگران فرماندهان و مسئولان و بیداردلانی بوده اید که امروز در قرارگاه محضر حق ماوا گزیده اند.

ارتش

ملت و ارتش از هم جدایی ندارند. ارتش ما از ماست و ما از ارتش. ارتش ما ضامن استقلال کشور ماست. ارتش ما پشتوانه ملت ماست. همان طور که ملت بدون ارتش نمی تواند ادامه زندگی بدهد، ارتش هم بدون ملت نمی تواند ادامه زندگی بدهد. افتخار و آفرین بر ارتشی که در اوج تصمیم جاودانه خود، حصار تعبد طاغوت را شکست. در ایران نیز که این معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهندوست سهم بسزایی داشتند. درود بر تمام نیروهای مسلح و متعهد اسلامی، که با گرایش به انقلاب مقدس ایران و به پشتوانه ملت عزیز، کاخ ستمگری را واژگون کردند. ارتش وقتی می تواند استقلال و غرور خودش را حفظ کند که ببیند خودش هست، نه این که از خارج یک کسی بیاید و مستشارانی بیایند و خواهند او را اداره کنند. ارتش اساس یک مملکت است، حافظ یک مملکت است و اگر ارتش، اسلامی و فکرش اسلامی بشود، مملکت را به کمال مطلوب می رساند. اگر سلسه مراتب حفظ نشود ارتش رو به ضعف می رود، و اگر - خدای نخواسته ارتش ما رو به ضعف برود کشور ضعیف خواهد شد. اگر ارتش اصلاح بشود استقلال کشور حفظ می شود، و اگر - خدای نخواسته - در ارتش یک فسادی باشد استقلال کشور به خطر می افتد. ارتش اساس و رکن استقلال یک کشور است.

جهاد سازندگی

زحمـات بی وقفه جهـاد ـ این سـنگرسازان بی سـنگر ـ در دفـاع مقدسـمان، از جمله مسائلی است که ترسـیم آن در قالب الفاظ نمی گنجد. عشق جهاد، در خدمت به اسـلام و مردم، چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است. از شما می خواهم که در ضمن جهاد سازندگی، جهاد با نفس هم داشته باشید.

انسان شناسی

انسـان عصـاره همه موجودات عـالم است. انسـان یک موجود عجیبی است در جمیع طبقات موجودات و مخلوقات باری تعالی، هیچ موجـودی مثـل انسـان نیست، اعجوبه ای است که از او یـک موجود الهی ملکوتی سـاخته می شود و یـک موجود جهنمی شـیطانی. انسان یک اعجوبه ای است که از هر دو طرف غیر متناهی است: از طرف سـعادت غیر متناهی و از طرف شـقاوت غیر متناهی. مبـدأ همه خطرهـا برای انسان خود آدم است، و مبـدأ اصـلاح هم از خود آدم بایـد شـروع شود. هر اصـلاح نقطه اولش خود انسان است. انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می شود. را ه مسـتقیم الهی است که می توانـد انسان را از نقص رو به کمال ببرد. انسان تا آخر عمرش هیچگاه از شـر شیطان و نفس مأمون نیست. گاهی وقتها بلا برای انسان نعمت است، گاهی وقتها نعمت بلاست. شکم و نـان و آب میزان نیست، عمـده شـرافت انسـانی است. شـرافت انسـانی به این است که در مقابـل زور بایسـتید. مگر عزت و شـرف و ارزشـهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیسـتند که اسـلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهبانی از آن وقف نمودند. بزرگتر (ین) چیزی که انسان اگر آن را داشته باشد «کمال بزرگ» دارد این است که حق را برای حق بخواهد. به مجرد احراز اشـتباه و خطا، از آن برگردید و اقرار به خطا کنید، که آن کمال انسانی است. انسان کامل آن است که آن چیزی که از خودش صادر می شود اگر باطل است، دنبال این باشد که اصـلاحش بکند و ابایی از آن نداشته باشد که اقرار به باطلش بکند. بشر تا در سایه مسـلسل و توپ و تانک می خواهـد ادامه حیات بدهـد نمی توانـد انسان باشـد، نمی تواند به مقاصد انسانی برسد. طبیعی ساختمان بشری است که هرچه ستمکاری و ظلم و بی عدالتی در جامعه و ملتی اوج گیرد، به همان نسبت قوه مقاومت در ملت رشد می کند. این چیزی که مطرح است در جنگ عدد نیست، آن چیزی که مطرح است آن قدرت فکری انسان است.

فرهنگ و تمدن

آن چیزی که ملتهـا را می سازد فرهنگ صـحیح است. فرهنگ مبـدا همه خوشـبختیها و بـدبختیهای ملت است. اگر فرهنگ درسـت بشود یک مملکت اصـلاح می شود. اگر فرهنگ، فرهنگ صـحیح باشد جوانهای ما صـحیح بار می آیند. اگر مشـکلات فرهنگی و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضا می کند حل شود،دیگر مسائل به آسانی حل می گردد. اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشـکیل می دهـد ; و باانحراف فرهنگ، هر چنـد جامعه در بعـدهای اقتصادی، سیاسـی، صـنعتی و نظامی قدرتمنـد و قوی باشـد ولی پوچ و پوک و میـان تهی است. اگر مـا وابسـتگی فرهنگی داشـته باشـیم دنبـالش وابسـتگی اقتصادی هم هسـت، وابسـتگی اجتمـاعی هم هست، سیاسـی هم هست، همه اینهـا هست. را س همه اصـلاحات اصـلاح فرهنـگ است، و نجـات جوانهـای مـا از ایـن وابسـتگی به غرب. مقـدار صـدمه ای که ایران از متفکرین و متجـددین فرنـگ رفته خـوده است، از هیـچ کس نخورده است. کمـال تـاسف است که کشور مـا که حقوق اسـلامی و قضـای اسـلامی و فرهنـگ اسـلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیـده گرفته است و دنبـال غرب رفته است. تا این مغز اسـتعماری را ما عوض نکنیم، یک مغز اسـتقلالی جایش نگـذاریم نمی توانیم این مملکت را اداره کنیم. فرهنـگ اسـتعماری، جوان اسـتعماری تحویل مملکت می دهـد. با انحراف فرهنگ، کشور به

انحراف کشیده می شود. را ه اصلاح یک مملکتی اصلاح فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشات می گیرد. ما با تمدن مخالف نیستیم، با تمدن صادراتی مخالفیم ; تمدن صادراتی ما رابه این روز نشانده است. ما تمدنی را می خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد.

تاریخ

تا ریخ معلم انسان است. تا ریخ باید سرمشق ما باشد. ملت ما تاریخ را تاریخ دیگر کرد، جریان تاریخ را عوض کرد. اگر روحانیون، ملت، خطبا، علما، نویسندگان و روشنفکران متعهد سستی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند، به سر این انقلاب آن خواهد آمدکه به سر انقلاب مشروطه آمد. همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می کنند. جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد و یا بشود از یادبرد. شاهنشاهی ایران از اولی که زاییده شده است تا حالا، روی تاریخ را سیاه کرده است. تا ریخ روشنگر نسلهای آینده است

تبلیغات

بدانید که تبلیغات در رأس امور است. امروز جهان روی تبلیغات می چرخد. توجه داشته باشید که بالاترین چیزی که می تواند این انقلاب را در این جا به ثمر برساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است، تبلیغات صحیح. تقویت و توسعه تبلیغات خصوصا در خارج از کشور، از اهم امور است. مسأله تبلیغات یک امر مهمی است که می شود گفت در دنیا در رأس همه امور قرار گرفته است، و می توان گفت که دنیا بر دوش تبلیغات است. غربیان و در سابق انگلستان و بعد از او آمریکا و سایر کشورهای قدرتمند، دنبال این بودند که با تبلیغات دامنه دار خودشان، به ممالک ضعیف باور بیاورند که ناتوانند. و صیت این جانب به وزارت ارشاد در همه اعصار، خصوصا عصر حاضر که ویژگی خاص دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات، بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است، و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. با تبلیغات صحیح اسلام را آنگونه که هست به دنیا معرفی نمایید.

رسانه های گروهی

تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند، باید تربیت کنند کشور را. امروز نقش رادیو تلویزیون از همه دستگاهها بالاتر است. باید رادیو و تلویزیون مربی جوانهای ما، مربی مردم کشور باشند. را دیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که صددرصد صحت آن ثابت می باشد، و برای اضطراب و تشویش اذهان، اخبار را از غیر منابع موثق نقل ننمایند. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم ; ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما،و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. تلویزیون باید ارشاد بکند، رادیو باید ارشاد بکند، روزنامه ها باید ارشادبکنند، روزنامه ها نباید یک چیزهایی را که موجب تهییج مردم است و موجب انحراف مردم است در آنجا بنویسند. آنچه که در خبرگزاریها مهم است کیفیت آن است، زیرا هر کدام که به راستی و راستگویی نزدیکتر باشد، شوق انسان را به گوش دادن بیشتر می کند. و اقع آن است که آن قدر که پابرهنه ها به رادیو - تلویزیون حق دارند مانداریم. مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند. مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند تا مردم را از همه مسائل، به خصوص مسائل روز آگاه نمایند. به نظر من روزنامه ها برای همه مردم است، و همه مردم در آن حق دارند ; ومی شود گفت که گاهی جای دیگران غصب می شود. توجه کنید! اگر می خواهید کشور اسلامی باشد باید مطبوعات هم اسلامی باشد. روزنامه ها باید با کسی صورت مخاصمه نداشته باشند بلکه صورت ارشاد داشته باشند. روزنامه ها

مال طبقه سوم است، مال طبقه اول نیست، و این هم نیست که همه اش مال حکومت باشد. مجله باید در خدمت کشور باشد؛ خدمت به کشور این است که تربیت کند،جوان تربیت کند، انسان درست کند، انسان برومند درست کند، انسان متفکردرست کند تا برای مملکت مفید باشد. آن که از همه خدمتها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد،و این به عهده مطبوعات است. اهمیت انتشارات مثل اهمیت خونهایی است که در جبهه ها ریخته می شود.

رسالت قلم

قلمی فایده دارد که بیدارگر توده های مردم باشد. شهدا را قلمها می سازند و قلمها هستند که شهید پرورند. دماء شهدا اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است لکن قلمها بیشتر می توانندسازنده باشند. قلم خودش یکی از اسلحه هاست ؛این قلم باید دست اشخاص صالح، و دست افاضل باشد. اشخاصی که قلم در دستشان است متوجه باشند که قلم آنها، زبان آنها، درحضور خداست. همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید. قلمها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتد، مسلسلها کنارمی رود. شما کوشش کنید که با بیان و قلم، مسلسلها را کنار بگذارید و میدان را به قلمها و به علمها و به دانشها واگذار کنید. قلمها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتد، مسلسلها کنارمی رود، و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد مسلسل ساز می شود. آن کسی قلمش قلم انسانی است که از روی انصاف بنویسد. قلمی آزاد است که توطئه گر نباشد. آن قدری که بشر از قلمهای صحیح نفع برده است از چیزی دیگر نبرده است، وآن قدری که ضرر کشیده است، از چیزهای دیگر ضرر نبرده است. کسانی که اهل قلم هستند، اهل بیان هستند، کوشش کنند که مردم را دعوت به وحدت بکنند. مسئولیت بزرگ شما امروز قلمهایی است که در دست شماست.

هنر

در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم – اسلام ائمه هدی – علیهم السلام – اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان و اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیتها باشد. ما با سینماهایی که برنامه های آنها فاسدکننده اخلاق جوانان ما و مخرب فرهنگ اسلامی باشد مخالفیم، اما با برنامه هایی که تربیت کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد موافق هستیم. ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می برند.

ورزش

از قدیم ورزشکاران ایران به یاد خدا و علی ـ علیه السلام ـ بوده اند، و این از برجستگیهای آنان بوده است. من خودم ورزشکار نیستم اما ورزشکارها را دوست دارد. امیدوارم از حیث اخلاقی هم قهرمان باشید، که ـ بحمد الله ـ اخلاق خوب در ورزشکاران بسیار پیدا می شود. امیدوارم که پهلوانهای عزیز ما همه جا سربلند باشند و همه جا با یک روح انسانی، یک روح اسلامی، یک نفس مهذب عمل کنند، که هرجا بروند علاوه بر این که در پهلوانی مقدم بر دیگران باشند، در اخلاق و در آداب و در انسانیت مقدم بر همه باشند. انشاء الله ـ ورزشکاران به همان صورتی که ورزش جسمی دارند، ورزش روحی هم داشته باشند.

تعلیم و تربیت

هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه خود انسان تربیت نشودنمی تواند دیگران را تربیت کند. انسان اگر درست بشود همه چیز عالم درست می شود. آن قدر که این انسان، این حیوان دو پا، در عالم فتنه و فساد می کند هیچ موجود دیگری نمی کند ; و آن قدری که این حیوان دو پا محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. تمام کتب آسمانی که بر انبیا نازل شده است، برای این بوده است که این موجودی که اگر سرخود باشد خطرناکترین موجودات عالم است، تحت تربیت وتعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات، و افضل تمام خلایق بشود. عالم مدرسه است و معلمین این مدرسه انبیا و اولیا هستند. در اسلام همه امور مقدمه انسان سازی است. با تربیت انسان عالم اصلاح می شود. اساس عالم بر تربیت انسان است. آموزش تنها فایده ای ندارد، گاهی هم مضر است. صدمه هایی که وارد می شود بر مملکت، غالبا از این متفکرین بی پرورش،آموزشهای بی پرورش واقع می شود ;علم را تحصیل می کنند لکن تقوا ندارند. بهترین و مؤثرترین راه مبارزه با اجنبی مجهزشدن به سلاح علم دین و دنیاست،و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است. تربیت کنید! مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضراست. تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. کوشش کنید این آموزشی که به مردم می دهید جهتدار باشد. طبقه ای که می خواهند مردم را ارشاد کنند، اینها باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد. شما که برای تربیت معلم قیام کردید، و هر کس که برای تربیت معلم قیام کرده است باید بداند که، اولا - شغل، شغلی الهی است، خدای تبارک و تعالی مربی معلمین است، که انبیا باشند; اولا شغل، شغل الهی است و ثانیا تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت با اسلام و جمهوری اسلامی واستقلال فرهنگی یا ملت و کشور می باشد، و باید از آن احتراز کرد. شریفترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. از این کودکهای امروز، انسانها و دانشمندان فردا درست می شود. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به این که تعلیم بشوم وتربیت بشوم ; رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتها احتیاج او را خدا رفع می کرد، ما همه احتیاج داریم. مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ واز آن جمله اصلاح مدارس، از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند، و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. توجه کنید که دوره مدارس مهمتر از دانشگاه است، چرا که رشد عقلی بچه ها دراین دوره شکل می گیرد. اصلاح دانشگاه زمانی آسان است که فرزندانمان را از دوره دانش آموزی زیر نظربگیریم. جزو برنامه تبلیغات مدارس باید زبان باشد، زبانهای زنده دنیا ،آنهایی که در همه دنیا شایعتر است. دستگاههای آموزشی متعهد و دلسوز برای نجات کشور، اهمیت ویژه ای در حفظنوپایان و جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است، قائل باشند.

علم و عالم

علم حقیقی آن است که چراغ هدایت ملکوت، و صراط مستقیم تقرب حق و دار کرامت او باشد. آن علمی که شروع بشود به اسم رب، نور هدایت دارد. سنگر علم هم یک سنگر دفاعی است، دفاع از همه فرهنگ اسلام. زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین، و انس با کتاب و قلم و اندوخته ها آنقدر خاطره آفرین و پایدار است، که همه تلخیها و ناکامیهای دیگر را از یاد می برد. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب را بیاموزد، جهتیابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی تواند بر او حکومت کند. انسان تا آخر عمرش هم به علم احتیاج دارد و هم به آموزش و پرورش، هیچ انسانی نیست که مستغنی از علم باشد، و مستغنی از پرورش و تربیت. از علم در لسان قرآن بسیار تمجید شده است، لکن در کنارش تقوا. میزان ارزش، این دو خاصه است، علم و تقوا تواما. علم و عمل، علم و تعهد، به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند. علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادتمند است. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد فایده ندارد. اگر شما یا ما گمان کنیم که علم منشا سعادت است ولو

هر چه باشد، این اشتباه است. اگر چنانچه علم در یک قلب فاسد وارد شد، در یک مغز فاسد - از جهت اخلاق - وارد شد، ضررش بیشتر از نادانی است. و ای به حال طالب علمی که علوم در قلب او کدورت و ظلمت آورد. شما بدانید که اگر چنانچه عالم - هر عالمی باشد - تهذیب اسلامی پیدا نکرده باشد و اخلاق اسلامی پیدا نکند، برای اسلام مضر است که نافع نیست. اگر چنانچه عالم مهذب نباشد، ولو این که عالم به احکام اسلام باشد، ولو این که عالم به توحید باشد، اگر مهذب نباشد، برای خودش و برای کشورش و برای ملتش و برای اسلام ضرر دارد که نفع ندارد. اگر چنانچه وعاظ السلاطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، - ان شاء الله - پیروز خواهیم شد، و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد. شر عالم فاسد برای اسلام از همه شرور خطرناکتر و بیشتر است. اگر چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد می شود. بسیار اشخاص هستند که دانشمندند، خیلی هم دانشمندند! لکن چون تربیت اسلامی ندارند، وجودشان گاهی ضرر می زند به کشور و ضرر می زند به اسلام. دانشمندهای ما نترسند از غرب، اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب، و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند. بشر تا در سایه مسلسل و توپ و تانک می خواهد ادامه حیات بدهد، نمی تواند انسان باشد، نمی تواند به مقاصد انسانی برسد. آن وقتی مردم به مقاصد اسلامی و انسانی می رسند، و به کمال دانش و علم می رسند که قلمها بر مسلسلها غلبه کند ، و دانشها در بین بشر به آن جا برسد که مسلسلها را کنار بگذارد و میدان، میدان قلم باشد، میدان علم باشد.

منزلت روحانیت و حوزه های علمیه

نظر روحانیت جز اصلاح حال ملت و بقاء استقلال مملکت نیست. روحانیین پدر ملتند، به فرزندانشان علاقه دارند. خواسته های روحانیت عمل به قوانین اسلام است. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تاکنون آثار دیانت محو شده بود ;واگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می شودو راه برای استثمارگران، هر چه بیشتر باز می شود. اگر فقهای عزیز نبودند معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن واسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده ها داده بودند. اسلام به استثنای روحانیت مثل طب به استثنای طبیب است. اینها مظهر اسلامند، اینها مبین قرآنند، اینها مظهر نبی اکرمند. روحانیون که مربی انسانها هستند، به جای انبیا نشسته اند، مبعوث از طرف انبیا هستند. تردیدی نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد، در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده اند. روحانیون هستند که بر اساس دریافتهای اسلامی خود، همیشه در حرکتهای اجتماعی و مبارزات سیاسی پیشتاز بوده اند. علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده اند،و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت، که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند، و سبکباران به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعرسرودند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت، که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند، و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس ازشمع حیاتشان گوهر شبچراغ ساخته اند. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه ها و روحانیت را درک کرده اند، در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده اند. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن - خدای نخواسته - پایه های اسلام فرو می ریزد، و قدرت جبار دشمن بی معارض می شود. این قدرت روحانیت را که یک قدرت الهی است از دست ندهید. اسلام با کوشش روحانیت به این جا رسیده است. من با یقین شهادت می دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند، امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا وجهانخواران، و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی، چیزی برایمان نمانده بود. در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که برتارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت، پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر بالای دار نرفته اند، و

اجساد مطهرشان برسنگ فرشهای حوادث خونین بـه شـهادت نایستاده است مردم را نمی شـود به چیزی تـوجه داد مگر توسط روحـانیون، و در طول تاریـخ هر چه بوده از روحـانیون و مردم بوده است، و هر وقت این دو را از صـحنه کنارگذاشـته انـد همه اش فساد بوده است. حقـا از روحـانیت راستین اسـلام و تشیع، جز این انتظاری نمی رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانیها را بدهـد و مهر ختام دفترش شـهادت باشد. روحانیت همیشه مخالف با قدرتمندها بوده است. روحانیت متعهد، به خون سـرمایه داران زالوسفت تشنه است، و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعـا تبلیغـاتی که علیه روحـانیت انجام می پـذیرد، به منظور نابودی روحانیت انقلاب است. هـدف اجانب نابودی قرآن و روحانیت است. جرم علمـای اسـلام و سـایر مسـلمین آن است که دفـاع از قرآن و نـاموس اسـلام واسـتقلال مملکت می نماینـد، و با اسـتعمار مخالفت دارند. اگر روحانیت نباشد، اسـلام را هیچ کس نمی تواند نگه دارد. شکست روحانیت شکست اسلام است. روحانیت اگر شکسـته بشود اسلام شکسته شده است. اگر روحانیون شکست بخورند جمهوری اسلامی شکست می خورد. شما بخواهید مملکتتان را اصـلاح کنیـد، منهـای آخونـد اصـلاح بردار نیست. اسـلام به اسـتثنای آخونـد و روحـانی، معنـایش این است که اسـلام را مانمی خواهیم. بر طبقات جوان است که در حفظ روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشـند. سـعی کنیـد اسلامتان از روحانیت جدا نشود. اسـلام تا آخر احتیاج دارد به این علما، این علما اگر نباشند اسلام از بین می رود. تکلیف ملت است که تبعیت از روحانیون بکند، و حرفهـا و تبلیغاتی که بر ضـدروحانیت می شود، گوش به آن ندهـد. حوزه های روحانیت جزئی از جامعه و مردم است. حوزه علمیه اگر درست بشود، ایران درست می شود. مدعیان فضـیلت و مجاهدت و شـجاعت و تعهد به حق و دین بسـیار بوده اندو هستند، لکن صاحبان فضایل و مجاهـده و تعهـد به حق و حقیقت در اقلیتنـد. در زمانی که قلمها شکسـته و زبانها بسـته و گلوها فشـرده بود، او از اظهـار حق و ابطـال باطـل دریغ نمی کرد. مطهری که در طهارت روح و قـدرت ایمان و قـدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملااعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصـیت اسلامی و علمی وفلسفی اش نمی رود. در اسلام عزیز، به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودانه، ثلمه ای وارد شدکه هیچ چیز جایگزین آن نیست. مطهری فرزندی عزیز برای من، و پشـتوانه ای محکم برای حـوزه هـای دینی و علمی، وخـدمتگزاری سودمنـد برای ملت و کشور بود. من فرزنـد بسـیار عزیزی را از دست دادم و در سوگ او نشسـتم که از شخصـیتهایی بود که حاصل عمرم محسوب می شد. من در تربیت چنین فرزندانی که با شـعاع فروزان خود مردگان را حیات می بخشـندو به ظلمتها نور می افشانند، به اسـلام بزرگ مربی انسانها، و امت اسـلامی تبریک می گویـم. اگر گمان بکنید که در تمام دنیا، رئیس جمهورها و سـلاطین و امثال اینها، یک نفر را مثل آقای خامنه ای پیـدا بکنیـد که متعهـد به اسـلام باشـد و بنای قلبی اش براین باشـد که به این ملت خـدمت کند، پیدا نمی کنید. قم شـهری است که در آن ایمان و علم و تقوا پرورش یافته. از قم علم به همه جهـان صـادر شـده است و می شود. قم حرم اهـل بیت است، قم مرکز علم است، قم مرکز تقواست، قم مرکز شـهادت و شهامت است.

وظایف و مسئولیتهای روحانیت

امروز مسـئولیت روحانیت و کسانی که در این لباس مقدس هسـتند مسئولیتی است که در طول تاریخ بر عهده روحانیت نبوده است. آن قدر مسـئولیتی که بر عهده آقایان اهل علم است، بر عهده دیگران نیست. در این مقابله ما بین اسـلام و کفر همه ملت مسـئولند؛ همه مسئولند لکن روحانیت بیشتر مسئول است. علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند، به مردم مسلم گوشـزد کننـد، تـا در پیشگاه خداونـد متعال مسـئول نباشـند. علمای اسـلام موظفنـد با انحصارطلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کنند،و نگذارند عده کثیری گرسـنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر وحرامخوار در ناز و نعمت به سر برنـد. فقها بایـد با جهاد خود و با امر به معروف و نهی از منکر، حکام جائر را رسواو متزلزل و مردم را بیدار گردانند، تا نهضت

عمومی مسلمانان بیدار حکومت جائررا سرنگون و حکومت اسلامی را بر قرار سازد. همه ما، همه روحانیون، همه ملتها، همه ستمدیده های تاریخ باید قد علم کنندو جلوی این شیاطین بایستند. حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود مهیای عکس العمل مناسب داشته باشند، و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، باشند. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی، وحتی غیر اسلامی را داشته باشد، و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شان مجتهد است واقعا مدیر و مدبر باشد. در حوزه ها باید اشخاص متقی و اشخاص آشنای به حقایق اسلام، طلبه ها راتربیت کنند. اساتیدی که در حوزه ها هستند کوشش کنند که حوزه ها مهذب باشد. اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد حوزه ها شده اند. اگر حوزه های علمیه مهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند. را جع به مدرسه ها و حوزه ها کرارا عرض کرده ام که علم بی تقوا اگر مضر نباشدمفید هم نیست. شما آقایانی که می خواهید که مردم را دعوت کنید به آخرت، دعوت کنید به صفات کذا ، باید قدم اول را خودتان بردارید تا دعوتتان دعوت حق باشد. من گاهی، شاید بسیاری از اوقات، خوف این را دارم - و از این خوف هم گاهی ناراحتم - که نبادا مردم برای خاطر ما بهشت بروند و ما جهنم. من خوفم این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که به عهده اوست صحیح انجام بدهد. مبادا - خدای نخواسته- یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوند، و خروج آنهاموجب تزلزل عقیدتی در مورد مردم بشود. اگر چنانچه ما از زی متعارف روحانیت خارج بشویم و - خدای نخواسته - توجه به مادیات بکنیم، در صورتی که خودمان را با اسم روحانی معرفی می کنیم، این ممکن است منتهی بشود به این که روحانیت شکست بخورد. شما صنف روحانیت همه- ایدهم الله تعالی - اگر چنانچه کارهایی - خدای نخواسته - انجام بدهید که از چشم ملت بیفتید، ولو در دراز مدت، آن روزاست که فانتوم لازم نیست دیگر، خود ملت شما را کنار می زند. این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنندو هیاهو به راه بیندازند، اینطور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند. اگر - خدای نخواسته - مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند، و رفت و آمدهایشان مناسب شان روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان! هیچ آفت و خطری برای روحانیت، و برای دنیا و آخرت آنان، بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست، و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتراز دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. و قتی تشریفات زیاد شد محتوا کنار می رود. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کرده اند. آخوندها آن وقت مظلوم بودند، چهره مظلوم چهره محبوب است ; شما در آن رژیم هر چه مظلومتر می شدید محبوبتر می شدید. روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه این که بخواهند حکومت کنند. اگر مردم از ما خطا ببینند، و اگر چنانچه انصراف پیدا کنند از روحانیت برای خطاهای بعضی از ما، مسئولیت، مسئولیت شخصی نیست، مسئولیت اسلامی است. اگر یک روحانیی پایش را کج بگذارد می گویند، روحانیون این طورند! ،نمی گویند، فلان آدم... بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست اسلام است. از قول من به فرزندان انقلابی ام بفرمایید که تندروی عاقبت خوبی ندارد. از روحانیون عظیم الشان تقاضا دارم که با طبقات جوان به چشم عطوفت و پدری نظر کنند. دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده اند، غفلت ازآن همه چیز را بر باد می دهد. اختلاف علما اختلاف ملت است، نه اختلاف افراد. به روحانیون اعلام خطر می کنم که اگر چنانچه - خدای نخواسته - در بین شما کسی است که بر خلاف موازین اسلام عمل می کند، او را نهی کنید، و اگر نپذیرفت ازجرگه روحانیت اخراج کنید. قم شهر علم و اسلام است، اگر خطایی از قم منتشر شود در دنیا علم می شود. آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند - و نباید با تبلیغات دیگران از میدان بدر روند- حمایت از محرومین و پابرهنه هاست ; چرا که هرکس از آن عدول کند، از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. یکی از امور مهم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. زندگی صاحب جواهر را با

زندگی روحانیون امروز بسنجیم، خوب می فهمیم که چه ضربه ای به دست خودمان به خودمان می زنیم.

فقه سنتی و اجتهاد جواهری

اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایزنمی دانم. اگر از فقه سنتی منحرف بشویم فقه از بین می رود. باید به همان صورت و قدرتی که مشایخ ما از ابتدا تا به حال فقه را حفظکرده اند، حفظ کنید. من کرارا به همه تاکید کرده ام که درسهای حوزه ها باید به همان وجه سنتی خودش محفوظ باشد ;فقه باید همان فقهی باشد که در بین ما هست. فقه در راس دروس است، ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود. طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می کند که نظرات اجتهادی - فقهی، درزمینه های مختلف - ولو مخالف با یکدیگر - آزادانه عرضه شود. در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد. ما باب اجتهاد را نمی توانیم ببندیم، همیشه اجتهاد بوده، هست و خواهدبود.

تحجرگرایان و روحانی نمایان

خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها وسختیهای دیگران نخورده است. آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است ;نمونه بارز آن، مظلومیت و غربت امیرالمومنین علیه السلام - که در تاریخ روشن است. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست. طلاب عزیزلحظه ای از فکر این مارهای خوش خط و خال غفلت نکنند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز! ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، بمراتب کاری تر ازاغیار بوده و هست. آن مقداری که اسلام از عالمهای بی تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست ازمردم عادی دیده باشد. آخوندهای جیره خوار و ملی گرایان بی خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خودبرانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست.

دانشگاه و دانشگاهیان

دانشگاه مبدا همه تحولات است. مقدرات این مملکت دست این دانشگاهیهاست. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح شود، آن کشور اصلاح می شود. اساتید دانشگاه بدانند که اگر چنانچه دانشگاه را بسازند، کشورشان را بیمه کرده اند تا آخر. باید این مساله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفیدگردد. باید قبل از هر چیز دانشگاه اسلامی باشد ; برای این که کشور هر چه صدمه خورده است از کسانی بوده که اسلام را نمی شناخته اند. معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند، و خودش را از غرب جدا کند، و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند ;و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. شما دانشجوهای عزیز! خودتان در صدد این باشید که از غربزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید، گمشده شما خودتان هستید. دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید ; و همه درسها هم خوانده بشود، همه درسها هم برای خدا خوانده بشود. شما دانشگاهیها کوشش کنید که انسان درست کنید ;اگر انسان درست کردیدمملکت خودتان را نجاد می دهد. دانشگاهها را مرکز تربیت قرار دهید ; علاوه بر دانش، تربیت لازم است ; اگریک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است. دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد. اگر دانشگاه واقعا دانشگاه باشد، و دانشگاه اسلامی باشد ; یعنی در کنارتحصیلات، تهذیب هم در آنجا متحقق باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینهامی توانند به سعادت برسانند. دانشگاه خوب، یک ملت را سعادتمند می کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را عقب می زند. این افرادی که از دانشگاه درمی آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازنده آن کشور هستند. هر چه

از خوبیها و بدیها برای یک ملتی تحقق پیدا می کند، وابستگی یااستقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیتهای دانشگاهی است. دانشگاه است که امور کشور را اداره می کند، و دانشگاه است که نسل آینده و حاضر را تربیت می کند.و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق وغرب باشد، کشور در اختیار آنهاست. دانشگاه که در راس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت کنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند. همه توان خود را گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان، صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند. جدیت و فداکاری لازم دارد تا دانشگاه، دانشگاه بشود. امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد. ان شاء الله – روزی بیاید که از جاهای دیگر برای تحصیل به ایران بیایند. امیدوارم احساس کرده باشید که همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. باید دانشگاهها بیدار بشوند، باید از همین دبستان تا آن آخر دانشگاه از این افکار غربزده تهی بشوند، و شرق روی پای خودش بایستد. اگر دانشگاهها درست نشود، و مدرسه های ما هم درست نشود، امید این که یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اسلام با فساد دانشگاهها مخالف است، با عقب نگه داشتن دانشگاهها مخالف است، با دانشگاه استعماری مخالف است. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است. اگر آرامش در دانشگاه نباشد، و در محیطهای تعلیمی نباشد، چطور امکان داردکه متفکران افکار خودشان را به جوانان ما صادر کنند و مغزهای آنها را متفکر ومتخصص بار بیاورند اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده، و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می گیرند و سرپرستی می کنند. اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه رفته ای است که همیشه خود را بزرگ می دیدندو می بینند. به همه نسلهای مسلسل توصیه می کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدمساز ، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق زدگی حفظ و پاسداری کنید. برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود ; و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد. سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمایی ملت،به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می باشند. سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور، کشور عزیزاسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی – اسلامی از هیچ زحمت و کوششی دریغ ندارند. مهمترین عامل در کسب خودکفای و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی وتمرکز و هدایت امکانات، و تشویق همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند، و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق بدر آمده، و نشان داده اند که می توانند کشور راروی پای خود نگه دارند. باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند.

پیوند حوزه و دانشگاه

استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاهها و فیضیه هاست. توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را بیمه می کند. از دانشگاه – چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده از دانشگاه سعادت یک ملت، و در مقابل سعادت شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد. باید از حوزه های علمیه، یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید، و مرکزساخت انسان باشد ;و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان باید باشد. دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز، هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر سازند، و از نقشه ها وتوطئه های دشمن غدار غافل نباشند. تلاش کنید جهات دینی را در دانشگاه بیشتر کنید. دانشگاه پیوند خودش را به فیضیه محکم کند، و فیضیه محکم کند پیوستگی خودش را به دانشگاه.

معلم

شغل معلمی همان شغل انبیاست. پیغمبر اکرم معلم همه بشر است، و بعد از اوحضرت امیر - سلام الله علیه - باز معلم همه بشر است. و ظیفه معلم هـدایت جامعه است به سوی الله. شـما معلمین یک شـغل بسـیار شـریف دارید که همان شـغل الله است. معلم امانتداری است که غیر از همه امانتها، انسان امانت اوست. کلید سـعادت و شـقاوت یک ملت دست قشـر فرهنگی است. شـما باید خیلی توجه داشـته باشـید که / شـماها / یک مردم عادی نیسـتند، شـماهامعلم نسلی هستید که در آتیه همه مقدرات کشور به آن نسل سپرده می شود. شغل شما اخراج بچه ها و کودکهاست از ظلمتها به نور. همه معلمین در فکر این باشند که خودشان را تهذیب کنند، باید خود را مهـذب کننـد تا حرفشان در دیگران اثر کنـد. معلمین آموزش و پرورش اگر خودشان یک پرورش صـحیح نداشـته باشـند و یک تعلیم صـحیح، نمی تواننـد جوانهـا را تعلیم کننـد و آموزش بدهنـد و پرورش بدهنـد. صـلاح و فساد یک جامعه به دست مربیان آن جامعه است. همه سعادتها و همه شقاوتها انگیزه اش از مدرسه هاست، و کلید دست معلمین است. این نونهالانی که امید آتیه کشور اسلامی هستند، اینها امانتهایی هستند در دست معلمین.

سواد آموزی

ما مبارزه با بی سوادی را به نحو احسن اجرا خواهیم کرد .تمام بی سوادان برای یادگیری، و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزنـد. مـایه بس خجلت است در کشـوری که مهـد علم و ادب بوده ، و در سـایه اسـلام زنـدگی می کنـد که طلب علم را فریضه دانسـته است ، از نوشـتن و خوانـدن محروم باشـد. تمـام گرفتاریهایی که ما در / این / طول مـدت تاریـخ داشتیم بهره برداری ازجهالت مردم بوده است. جهالت مردم را آلت دست قرار دادند ، و بر خلاف مصالح خودشان تجهیز کردند .اگر علم داشتند ، علم جهتدار داشـتند ، ممکن نبودکه مخربین بتوانند آنها را به یک جهتی که بر خلاف آن مسـیری است که مسـیر خودملت است تجهیز کنند.

انجمنهای اسلامی

امیـدوارم که همه ایران یـک انجمن اسـلامی باشـد. تمام ایران و تمام کشورهای اسـلامی انجمن اسـلامی است ، یک انجمن و آن، انجمن الهی .هر یـک از این انجمنهـای محترم شـعبه ای است از آن انجمن بزرگ اسـلامی تحت رهبری امام زمان - سـلام الله علیه. کوشـش کنید اسـلام را بشناسانید به مردم ; این انجمنهای اسلامی کوشش کنند که این متاعی که ما داریم و هیچ کس ندارد ، این قرآنی که مـا داریم ، این سـنتی که مـا داریم و هیـچ کس نـدارد در دنیا ، این را معرفی کننـد. من از انجمنهای اسـلامی - در هر جا هسـت - تقاضـا دارم که روابـط خـود را بـاهم هر چه بیشـتر مسـتحکم کننـد ; و عناصـر مرمـوزی که در صـدد تفرقه و شـکاف بین آنهـاست طرد کننـد ، و به دیگران معرفی کننـد ; و اسـلام و احکـام نجاتبخش آن راسرلوحه برنامه خود قرار دهنـد. این انجمنهای اسـلامی مفید به حال شـماست. اگر چنانچه یک کسـی گفت که انجمنهای اسلامی به درد نمی خورد و ارتجاعی هست ، این همان ارتجـاعی است که به همه مـا می گوینـد. اگر شـما خودتـان ، خودتـان را اصـلاح نکنیـد ، و خودتـان همـان طـوری که اسم انجمن اسـلامی روی خودتان گذاشتید ، اسلامی نباشید و خودتان را اسلامی نکنید ، نمی توانید اصلادیگران را به اسلام دعوت کنید. شما دو تعهـد داریـد ، یکی- اسـلامی بودن خودتـان ، یکی - اسـلامی کردن آن جایی که این انجمنها در آن جا هست. بایـد انجمنهای اسـلامی عقاید اسلامی داشته باشند. البته من به انجمنهای اسلامی هم سفارش کردم به این که نقطه جهات اسلامی رادر نظر بگیرند ، و هیچ دخالت دیگری در امور نکنند.

نقش زن در اجتماع

زن نقش بزرگی در اجتماع دارد ، زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن مربی انسان است. از دامن زن مرد به معراج می رود. زن یکتا موجودی است که می توانـد از دامن خود ، افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه ، بلکه جامعه ها به اسـتقامت و ارزشـهای والاـی انسـانی کشـیده شونـد. نقش زن در جـامعه بالاـتر از نقش مرد است ; برای این که زنـان ، بانوان ،علاوه بر این که خودشان یک قشـر فعال در همه ابعاد هستند ، قشرهای فعال را دردامن خودشان تربیت می کنند. من در جامعه زنها یک جور تحول عجیبی می بینم که بیشتر از تحولی است که درمردهـا پیـدا شـده. این جـانب به زنان پرافتخار ایران مباهات می کنم ، که تحولی آن چنان در آنان پیدا شد ، که نقش شـیطانی بیش از پنجاه سال کوشـش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان ، از شعرای هرزه گرفته تا نویسـندگان و دسـتگاههای تبلیغاتی مزدوررا ، نقش بر آن نمودنـد. زنان در عصـر ما ثابت کردنـد که در مجاهده همدوش مردان ، بلکه مقـدم برآنانـند. مـا مفتخریم که بانوان و زنان ، پیر و جوان و خرد و کلان ، در صـحنه های فرهنگی اقتصادی و نظامی حاضـر ، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی و اعتلای اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. من هر وقت بانوان محترم را می بینم که با عزم و اراده قاطع در راه هدف حاضـربه تحمل همه طور زحمت، بلکه شهادت هستند مطمئن می شوم که این راه به پیروزی منتهی می شود. بانوان رهبر نهضت ما هسـتند. شـما بانوان شـجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسـلام بیمه کردید. شما خواهران در این نهضت سـهم بسـزایی داشتیـد. شـما خواهران عزیز و شـجاع ، دوشادوش مردان پیروزی را برای اسـلام بیمه کردید. مردان ما مرهون شـجاعتهای شـما زنهای شیر دل هسـتند. ما بسیاری از موفقیتها را مرهون خـدمتهای شـما بانوان می دانیم. خـدمت مردهـا هم ، بسـیارش مرهون خـدمت زنهـاست. بـانوان ایران، در این نهضت و انقلاب سـهم بیشتری از مردان دارنـد. بانوان عزیز ما اسـباب این شدنـد که مردها هم جرات و شـجاعت پیدا کنند. این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از این که از مردها داشـته باشـیم. آنچـه کـه در ایران بزرگـتر از هر چیز بـود ، تحـولی است که در بـانوان ایران حاصـل شـد. اگر این نهضت و انقلاـب اسـلامی هیچ نـداشت جز این تحولی که در بانوان و درجوانان ما پیـدا شـد ، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما. آسـیب نخواهـد دید ملتی که بـانوانش در صف مقـدم برای پیشبرد مقاصـد اسـلامی هست. چه افتخـاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق وپس از سـرکوبی آن، در مقابل ابرقدرتها و وابسـتگان آنان ، در صف اول ،ایستادگی و مقاومتی از خود نشان دادند که در هیـچ عصـری چنین مقـاومتی و چنین شـجاعتی از مردان ثبت نشـده است. در تربیت و تعلیم جـامعه بزرگـوار ، بـانوان پیشـتاز باشـند. اگر زنهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود ، ملتها به شـکست و انحطاط خواهندرسـید. صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشـمه می گیرد. شـما مردان و زنان تاریـخ، بایـد پایداری در راه کوبیدن سـتمکاران و دفاع از حق را به جهانیان و نسلهای آینده ثابت کنید.

حقوق زن

اسـلام به زنان آزادی داده است. اسـلام با آزادی زن نه تنها موافق است ، بلکه خود پایه گـذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است. تشیع نه تنها زنان را از صـحنه زندگی اجتماعی طرد نمی کند ، بلکه آنان را در جامعه ، در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می دهـد. در نظـام اسـلامی ، زن همـان حقوقی را دارد که مرد دارد ، حق تحصـیل ، حق کار ، حق مالکیت ، حق رای دادن و حق رای گرفتـن. ازنظر حقـوقی انسـانی ، تفـاوتی بیـن زن و مرد نیسـت ، زیرا که هر دوانساننـد ;و زن حـق دخـالت در سـرنوشت خـویش را همچون مرد دارد. زن مانند مرد آزاد است که سـرنوشت و فعالیتهای خود را انتخاب کند. در نظام اسلامی ، زن به عنوان یک انسان می تواند مشارکت فعال با مردان ، دربنای جامعه اسلامی داشته باشد. اسلام زنها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت

بود ; آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده است - خدا می داند - به مرد خدمت نکرده است. زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند ; و اسلام زن راتا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد واز حد شی ء بودن بیرون بیاید ;و متناسب با چنین رشدی می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی به عهده بگیرد. امروز باید خانمها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند ; و عفت عمومی را حفظ بکنند ، و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی وسیاسی را انجام بدهند. آنچه اسلام با آن مخالف است و آن را حرام می داند فساد است ، چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد، فرقی نمی کند. ما می خواهیم زنان را از فسادی که آنها را تهدید می کند آزاد سازیم. ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد ، نه ملعبه باشد. اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شی ء و یک عروسک در دست مردان ما باشد ; اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند ، و از او انسانی جدی و کار آمدبسازد. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی شان محفوظ باشد. در اسلام ، زن باید حجاب داشته باشد ، ولی لازم نیست که چادر باشد ، بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند.

روز زن

اگر روزی باید روز زن باشد ، چه روزی والاتر و افتخار آمیزتر از روز ولادت باسعادت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - است مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران ، بویژه زنان بزرگوار ، مبارک.روز زن ، روز شرافتمند عنصر تابناکی که زیر بنای فضیلتهای انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است.

مقام مادر

هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است ، و از خدمت همه کس بالاتراست. اول مدرسه ای که بچه دارد دامن مادر است. در دامن مادر ، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا پیش استادان. دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آن جا تربیت می شود. مادر خوب ، بچه خوب تربیت می کند. اگر مادرها ، مادرهای بافضیلت باشند ، اولاد بافضیلت تحویل می دهند. خدای نخواسته - اگر مادر منحرف باشد ، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید. شما خانمها شرف مادری دارید ، که در این شرف از مردها جلوتر هستید. درست شدن کشورها مرهون شماهاست ، مرهون شما مادرهاست ، خرابی و آبادی کشورها تابع شماهاست. رحمت خداوند بر مادرانی که جوانان نیرومند خود را به میدان دفاع از حق فرستاده ، و به شهادت ارجمند آنان افتخار می کنند. ملتی که خواهران و مادران دلیرش ، افتخار به مرگ جوانان برومندش می کند که در صف شهدا هستند ، پیروز است. مادران شجاع فرزندان اسلام ، خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده اند. اساسا تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می شود ; و با تربیت اسلامی و صحیح آنان ، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود.

یاوران انقلاب (خانواده شهدا، جانبازان ، آزادگان)

ما از خدا هستیم همه ، همه عالم از خداست ، جلوه خداست ; و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. پس چه بهتر که برگشتش اختیاری باشد و انتخابی ، وانسان انتخاب کند شهادت را در راه خدا ، و انسان اختیار کند موت را برای خدا و شهادت را برای اسلام. شما خانواده های شهدا، با شهادت افتخار آفرینان این مرز و بوم ، به جهان فهماندید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. خطاب به خانواده شهدا ، شما چشم و چراغ این ملتید. امید است شما عزیزان خردسال ، که یادگار فداکاران در راه

خداوند تعالی واسلام عزیز هستید ،چون پدران بزرگوار خویش خود را برای دفاع از اسلام بزرگ ومیهن عزیز مهیا سازید. خانواده های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان ، خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده اند و بعد از این نیز - به یاری خدا - پاسدار آن خواهندبود. شما خانواده های شهدا و معلولین و مجروحین ، نشان دادید که هرگز اجازه نمی دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شهدای انقلاب بزرگ ، چون شهدای صدر اسلام ، در پیشگاه مقدس ربوبی ، ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی و اولیای اسلام ارزشمند خواهند بود. خدمت شما به آنها، خدمت به نبی اکرم است ، خدمت به انبیاست. خطاب به مسئولین بنیاد شهید ، خدمت شما ارزشمندترین خدمتهاست. این جانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می کنم یا وصیتنامه انسان سازشهیدی را می بینم ، احساس حقارت و زبونی می کنم. قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان ، زبان گویایی است که به عظمت روح جاویدآنان شهادت می دهد. خطاب به فرزندان شاهد ،شما گواهان صادق و یادگاران عزمها و اراده های استوار و آهنین ، نمونه ترین بندگان مخلص حقید. علاقه مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله و سلم - ، و مبارزی سرسخت علیه اسلام آمریکایی واسلام مرفهین ، و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید؛ و بتوانید با چراغ علم و تقوا ، ظلمت نفاق و کج فکری ها و تحجرها و مقدس مآبی ها را از دامن اسلام بزدایید. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما ، گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیلی معنوی آنان است ، که با مهر رضایت خدا امضا شده است ؛ و کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست. زندگی در مدرسه اراده است ، و شقاوت هر زندگی در دنیای امروز ، و سعادت انسانی ، به اراده همان انسان رقم می خورد. مفقودین عزیز محور دریای بی کران خداوندی اند ، و فقرای ذاتی دنیای دون درحسرت مقام والایشان در حیرتند. سلام گرم و محبت خالصانه ام را به این سرمایه های گرانبهای انقلاب ، این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت ابلاغ نمایید. مبادا یک وقتی یک کلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا یا به این معلولین. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده اند که در گوشه گوشه این مرز وبوم ، به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می دهند. درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست دادید. شما خودتان زبان گویای افتخار هستید ، زبان گویای اسلام هستید. آنهایی که برای خودشان و برای قدرت خودشان ، خون شما جوانها را و شمامعلولها را وسیله قرار می دهند از فطرت انسانی خارجند. هر چه انقلاب اسلامی دارد ، از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. هان ای شهیدان ! در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشید ؛ که ملت شما پیروزی شما را از دست نخواهد داد. ای بازماندگان شهدای به خون خفته ! و ای معلولان عزیزی که حیات جاوید را بانثار سلامت خود بیمه کرده اید! مطمئن باشید که ملت شما مصمم است پیروزی راتا اقامه حکومت الله و تا ظهور بقیة الله - روحی فداه - نگهبان باشد.

جوانان و نوجوانان

ما جوانهایمان را لازم داریم که تربیت بشوند به تربیت انسانی ، یعنی تربیت اسلامی. جوانها را تربیت کنید و تعلیم. همراه تعلیم ، تربیت باشد. این جوانهایی که در آتیه باید این مملکت را حفظ کنند ، این مملکت را اداره بکنند، اینها باید درست تربیت بشوند و اصلاح بشوند. اسلام آن قدر که به تهذیب این بچه های ما و جوانهای ما کوشش دارد ، به هیچ چیز کوشش ندارد. از حالا که جوان هستید و قوای جوانی محفوظ است ، جدیت کنید به این که هوای نفس را از نفس خودتان خارج کنید. بهار توبه ایام جوانی است ، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقصتر و شرایط توبه سهلتر و آسانتر است. از جوانان ، دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را ،و لو با تحمل زحمت و رنج ، فدای تجملات و عشرتها و بی بند و باری ها ، وحضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود ، نکنند. آنهایی که می خواستند ما را غارت کنند ، در طول تاریخ و در طول این پنجاه وچند سال، کوش کردند که جوانهای ما را بی تفاوت بار بیاورند. شما جوانان مسلمان

لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام ، در زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و غیره اصالتهای اسلامی را در نظر گرفته ، وامتیازاتی که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می سازد فراموش نکنید. باید جوانان ما بدانند ، تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد ،محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد. شما جوانان برومند ، شما محصلین ارجمند که امید من هستید و نوید من هستید ، باید در هر جا که هستید، در هر جایی از ایران که هستید باید بیدار باشید ،با بیداری از حقوق خودتان دفاع کنید. باید جوانهای ما ، پیرهای ما ، زنهای ما ، مردهای ما و بچه های ما ، همه درراه اسلام ، برای عزت اسلام ، برای عزت میهن خودشان و برای عزت قرآن کریم فداکاری کنند. شما ای جوانان عزیز ! یاس به خود راه ندهید ; حق پیروز است. به نیروی شما جوانها باید این مملکت اصلاح بشود. چقدر موجب افتخاراست که جوانهای برومندی در مملکت ما ، در خدمت اسلامند. این تحولی که در جوانهای ما، در انسانها ، آنهایی که متعهد هستند پیدا شده است ، اهمیتش بیشتر از آن تحولی است که در مملکت پیدا شده است. شما جوانان که امید من هستید و نوید من هستید ، کوشش کنید و وحدت کلمه خود را حفظ کنید. بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می باشد که ملتهارا آگاه سازید ، و نقشه های شوم و خان و مانسوز استعمارگران را برملا نمایید. بر شما جوانان روشنفکر است که از پا ننشینید تا خواب رفته ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید ،و با فاش کردن خیانتها و جنایتهای استعمارگران وپیروان بی فرهنگ آنها ، غفلت زده ها را آگاه نمایید. شما نسل جوان موظف هستید غربزده ها را از خواب بیدار کنید و فجایع حکومتهای ضد انسانی آنها ، و اعمال آنها را برملا نمایید. بعضی از جوانهای ما تمام حیثیت ملی خودشان را ، فدای غرب کردند ، و این شکست روحی بود که برای ما از همه شکستهایی که داشتیم بالاتر بود. گمان نکنند جوانهای ما که هر چه هست در غرب است و خودشان چیزی ندارند !

عدالت اجتماعی

ملت ایران خواستار عدالتند و آزادی و استقلال ; و معتقدند جز در سایه اسلام وبا قوانین اسلام به آن نمی رسند. عدالت را اجرا کنید، عدالت را برای دیگران نخواهید ، برای خودتان هم بخواهید. عدل از هر کس صادر بشود عدل است ، و جرم و جور از هر کس صادر بشود جرم است. خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم ، انحراف است و اجتناب از آن وظیفه ای الهی است. به جهانیان بگویید، در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت ، و از هر چیزی حتی مثل اسمعیل ذبیح الله گذشت که حق جاودانه شود.

حمایت از مستضعفان و محرومان

طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند. ما به پیروی از اسلام بزرگ ، از جمیع مستضعفین حمایت می کنیم. گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. دوستان عزیزم ! خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید ; کمر به خدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید. به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می کنم که خیر دنیا و آخرت شماها در رسیدگی به حال محرومان جامعه است. چه نیکوست که طبقات تمکن دار ، به طور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند ;و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و ازانصاف به دور است که یکی بی خان و مان ، و یکی دارای آپارتمانها باشد. ما آن روز عید داریم که مستمندان ما ، مستضعفان ما به زندگی صحیح رفاهی و به تربیت صحیح اسلامی - انسانی برسند. آنچه مهم است این است که آن قشر مستضعف بیشتر مورد نظر باشد. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما ، پشت کردن به دفاع از محرومین و روآوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد. اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنهاست. این قرن - به خواست خداوند قادر - قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران ، و حق

برباطل است. به مستضعفان و مستمندان و زاغه نشینان که ولی نعت ما هستند خدمت کنید. پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده داشته باشد.

کاخ نشینان و کوخ نشینان

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزداییم. اکثر این خویهای فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است. طبع کاخ نشینی منافات دارد با تربیت صحیح ، منافات دارد با اختراع وتصنیف و تالیف و زحمت. ما وقتی که در مذهب خودمان ملاحظه می کنیم که فقه ما آن طور غنی است ، وفلسفه ما آن طور غنی است ، می بینیم اشخاصی که این فقه را به این غنارساندند ، و آن اشخاصی که این فلسفه را به این غنا رساندند کاخ نشان نبودند ، کوخ نشینان بودند. تزلزلی که در بین کاخ نشینها هست در بین کوخ نشینها نیست ; آرامشی که این طبقه محروم دارند ، آن طبقه ای که به خیال خودشان در آن بالاها هستند ندارند. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینها خیلی صدمه خوردیم. مجلسهای ما مملواز کاخ نشین بود ، و در بینشان معدودی بودند که کوخ نشینها بودند ; و همین معدودی از کوخ نشینها بودند که خیلی از انحرافات جلوگیری می کردند. ما - بحمد الله - امروز همه دست اندر کارهایمان کاخ نشین نیستند ، دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد ،آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما - خدای نخواسته - از آن خوی کوخ نشین بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند ، آن روز است که انحطاط برای او و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. کاش کاخ نشینان حال دردمندان ما را مشاهده می کردند ، تا به جنایات دولت جبار آمریکا دامن نزنند ! شما طبقه جوان برومند زاغه نشین ، بر آن اشخاص کاخ نشین شرافت دارید ، وشما هستید که اسلام را حفظ کردید. یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همه کاخها و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. این پایین شهریها و این پابرهنه ها- به اصطلاح شما ! - اینها ولی نعمت ماهاهستند. اگر همراهی این توده های محروم نبود ، حکومت نمی توانست برقرار باشد. اگر نبود / این / همت این محرومان و همت این روستاییان و همت این جنوب شهریها ، اگر نبود این ، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما درمقابل مشکلات می توانستیم مقاومت کنیم. آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.

کار و کارگر

حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است. کارگران از ارزشمندترین طبقه و سودمندترین گروه در جامعه ها هستند. چرخ عظیم جوامع بشری ، با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است. روز کارگر روز دفن سلطه ابر قدرتهاست.

کشاورزی

ایران مملکتی است که کشاورزی او باید کشاورزی غنیی باشد. شما کشاورزان که بزرگترین پشتیبان ملت هستید ، باید به کار کشاورزی خودتان ادامه بدهید. الان می دانید که ما محتاج به خارجیم راجع به مواد غذایی ، باید خودمان این راجبران بکنیم ، و این به همت کشاورزان ماست. در هر کشور کارگر و کشاورز اساس آن کشور هستند ; اساس اقتصادی کشور بسته به کار کارگر و کشاورز است. کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشورند. اصلاحات ارضی که ما خواستارش هستیم ، کشاورز را از محصول کارش بهره مندخواهد ساخت ، و مالکانی را که بر خلاف قوانین اسلامی عمل کرده اند مجازات خواهد کرد. جهاد کشاورزها این است که کشاورزی شان را تقویت کنند.

بازار و سرمایه

الان بازار که در دست بازاریهای به ظاهر متدین است ، به اسم این که حالادیگر کسی نیست که به ما فشار بیاورد و بگوید نرخ کذا ، نبایـد اجحاف بکنند ; با حاکم وقت است که جلوگیری کند. اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب ، و محروم کننده توده هـای تحت ستم و مظلوم موافق است ،بلکه آن را به طور جدی در کتـاب و سنت محکوم می کنـد ومخالف عـدالت اجتماعی می داند... و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می باشند.

بازگشت متخصصان به کشور

آغوش کشور و انقلاب ، همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ، ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول.

امام خمینی (ره)

اگر به من بگوینـد خـدمتگزار ، بهتر از این است که بگوینـد رهبر ; رهبری مطرح نیست ، خـدمتگزاری مطرح است ، اسلام مـا را موظـف کرده که خـدمت کنیم. در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست ، برادری مطرح است. من بـا مردم ایران برادر هستم ، و خود را خادم و سرباز آنان می دانم. من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را می خواهم. من از بیرون آمده ام که خدمت به شـما بکنم. من خادم شـما هسـتم ، من خادم ملت شـما هسـتم. من آمده ام تا پیوند خدمتگزاری خودم را به شـما عزیزان عرضه کنم ، که تاحیات دارم خدمتگزار همه هستم، خدمتگزار ملتهای اسلامی ، خدمتگزار ملت بزرگ ایران ، خدمتگزار دانشگاهیان و روحانیان ، خدمتگزار همه قشرهای کشور و همه قشرهای کشورهای اسلامی و همه مستضعفین جهان. این جانب که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم ، در مواقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی ، حاضرم برای کوچکترین افراد تواضع و کوچکی کنم ، تا چه رسد به علمای و مراجع عظام - کثر الله امثالهم -. من دعاگوی همه شـما هستم و خـدمتگزار همه ملت. و من امیدوارم که بتوانم این خـدمتم را تمام کنم ،. خمینی دست یکایک شـما را می بوسـد و به یکایک شـما احترام می گذارد و یکایک شـما را رهبر خـودش می دانـد ، که بارهـا گفته ام من بـا شـما یکی هسـتم. من آمـده ام که بزرگواری شـما را حفـظ کنم من آمـده ام که دشـمنهای شـما را زمین بزنم. من احتیاج به کمک مالی نـدارم. من با شاه ، با یک قلم و چنـد صـفحه کاغـذمبارزه می کنم ; و اگر یـک وقـت محتـاج به کمکی بـاشم ملت من به من کمـک خواهـدکرد. پیش من مکـان معینی مطرح نیست ، عمـل به تکلیـف الهی مطرح است ، مصالـح عالیه اسلام و مسلمین مطرح است. برای من مکان مطرح نیست، آنچه مطرح است مبارزه بر ضـد ظلم است; هر جـابهتر این مبـارزه صورت بگیرد ، آن جـا خواهم بود. من اکنون قلب خود را برای سرنیزه های مامورین شـما حاضـر کرده ام ، ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جبارهای شـما حاضـر نخواهم کرد. من برای چنـد روز زندگی با عار و ننگ ارزشـی قائل نیستم. خمینی را اگر دار بزننـد تفاهم نخواهـد کرد. اگر خمینی هم با شـما سازش کند ، ملت اسلام با شـما سازش نمی کند. ملت ایران باید بداند که من در کنار آنان ، تا آخرین نفس برای حفظ قوانین اسلام و مصالح مملکت به مبارزه خود ادامه می دهم. خـدا می دانـد که شـخصا برای خود ذره ای مصونیت و حق و امتیـاز قائل نیسـتم ; اگرتخلفی از من هم سـر زد ، مهیای مؤاخـذه ام. امیـدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام ، که مبارزه با قدرتهای ستمگر است هیچ گاه منحرف نشود. آنهایی که شـناخته اند ،می داننـد که من آنی که بایـد انجام بـدهم تحت تـاثیرواقع نمی شوم ، انجام می دهم. من بارها اعلام کرده ام که با هیـچ کس ، در هر مرتبه ای که باشد عقد اخوت نبسته ام ; چهارچوب دوستی من ، در درستی راه هر فرد نهفته است. من اعلام می کنم که هر کس به

من نسبت بدهد مطلبی را که بر خلاف دستورات اسلامی است ، دروغ گفته است. اگر من یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می کند که یک حرفی بزنم ،می زنم و دنبالش راه می افتم، و از هیچ چیز نمی ترسم - بحمد الله تعالی ; - والله تا حالا نترسیده ام ،آن روز هم که می بردنم ، آنها می ترسیدند ، من آنها راتسلی می دادم که نترسید. من از آن آدمها نیستم که یک حکمی اگر کردم ، بنشینم چرت بزنم که این حکم خودش برود ; من راه می افتم دنبالش. من پاپ نیستم که فقط روزهای یک شنبه مراسمی انجام دهم ، و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. من دست از کار خودم برداشتم که طلبگی بود و آمدم این جا ، برای این که ما یک حکومت صالح نداشتیم ، و یک قدرت صالحه در کار نبود. من دست برادری دراز می کنم به تمام ملتهای اسلام ، به تمام مسلمین دنیا ، درشرق و غرب عالم هر چه مسلم هستند. من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را ، در راه قطع ریشه استعمار واستعمارگران ، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیره های اسارت ، می فشارم. من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند ، و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند ، می بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم. من در این آخر عمر ، متواضعانه دست خود را به طرف تمام گروههایی که برای برپایی اسلام و احکام آن ، که تنها راه سعادت و ضامن استقلال وآزادی ایران از استعمار نو و کهنه است ، کوشش و فداکاری می کنند دراز می کنم و از همه استمداد می نمایم. این جانب با تمام طاقت ، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می کنم. من به شما ملت ایران سفارش می کنم که اگر در روزنامه ای ، در مطبوعاتی ، درجای دیگری به من سب بکنند، فحش بدهند ، کسی حق ندارد که یک کلمه بگوید. من تحریم کردم بر شما جوابگویی را ; برای این که توطئه است ، توطئه ها را باسکوت خنثی کنید ; و اگر چنانچه توطئه زیاد شد با مشت خنثی می کنیم. من گرچه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم ، لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم ، و از خدا می خواهم تا بابسیجیان محشورم گرداند ، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خودبسیجی ام. خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام ، و در انتظار فوز عظیم شهادتم. من وقتی مطالعه روحیه مردان و زنان جوان از دست داده را می کنم که شجاعانه در مقابل مصائب ایستادگی کرده و می کنند ، برای خود احساس شرمندگی می کنم. هم برادرهای ما و هم خواهرهای ما ، همه سربازهای اسلام هستیم. و من امیدوارم که در آن کتابی که بناست اسم سربازها را بنویسند ، اسم ماها را هم به نام سرباز بنویسند. من امیدوارم به فوز احدی الحسنیین نایل شوم ، یا پیشرفت مقصود و اقامه یا شهادت در راه آن که راه حق است. عدل و حق ، قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکی و تنها هم بماند ، به راه خدا که راه مبارزه با کفر و ظلم و شکر و بت پرستی است ادامه می دهد ، و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام ، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها ، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که بر ستم وظلم خویش اصرار می نمایند سلب خواهد کرد. هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد - صلی الله علیه و آله - و پیروان ابراهیم حنیف ، ساکت و آرام بماند ، و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. نهضت ما قائم به شخص نیست ، نهضت ما همگانی است ، همه ملت رهبرند ،همه بیدار شده اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی

از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی

دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹